

## تحصن و اعتراض کارگران مبارز صنعت نفت به بازداشت رهبران اعتصابات شکوهمند گذشته

گروه کثیری از کارگران صنعت نفت جنوب بعنوان اعتراض به دستگیری غیرقانونی رفقای خود که در اعتصابات شکوهمند صنعت نفت ضربه قطعی را بر پیکر رژیم شاه منفرود آورده بودند دست به تحصن زدند. ما در این شماره از نشریه، گزارش مفصلی از چگونگی دستگیری این مبارزان را در صفحه ۳ "صمیمه" چاپ کرده ایم.

ماضن اعلام همبستگی با کارگران مبارزی که به پشتیبانی از رفقای مبارز خود برخاسته اند اعلام می داریم که آنان که این روشهای ضدانقلابی را دنبال می کنند هرگز نخواهند توانست با این گونه اعمال خود، مبارزات ضد سرمایه داری وابسته و ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان ایران را متوقف کنند. کارکنان صنعت نفت جنوب در اعتراض به بازداشت سه تن از همکاران مبارز و انقلابی خود، ضمن تحمّن از دولت خواستار شدند که هرچه زودتر موضع خود را نسبت به این توطئه روشن سازد. از چگونگی دستگیری این مبارزان گزارشی تهیه شده که در همین شماره منتشر شده است.

ایقاعی فرماندهان ارتش در پستهای حساس، دعوت سرمایه داران فراری به کار، حفظ و تجدید روابط گذشته بدون تردید باید با سرکوبی کارگران و نیروهای انقلابی همراه باشد. حفظ سرمایه داری وابسته و دشمنی با انقلابیون دقیقاً دوسوی یک سکه اند و یکی بدون دیگری وجود نخواهد داشت. بازداشت سه تن از رهبران اعتصابات شکوهمند صنعت نفت جنوب که ضربه قطعی را بر پیکر رژیم شاه فرود آورد در حالی صورت می گیرد که برخی از فرماندهان ارتش و مقامات دولتی رژیم گذشته در پستهای خود ایفا شده اند و در صنایع نفت، آنان که بر ضد اعتصابات شکوهمند تاریخ ایران توطئه می کردند اینک بر سر کارند.

## کارگران، دهقانان و خلقها خود باید سرنوشت خویش را تعیین کنند

کارگران، دهقانان و خلقهای ستمدیده ایران، پس از آن همه محرومیت ها و تحقیرها، پس از آن همه مبارزات و جانبازی های غرور انگیز، امروزی خواهند، روشن است که حق دارند، از میان خود، نمایندگان واقعی خود را انتخاب و آنان را در وضع و تدوین قوانینی که مستقیماً به زندگی کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران مربوط می شود، شرکت دهند. مجلس موسسان به عنوان نهادی که نمایندگان واقعی مردم را به دور هم گردمی آورد، می تواند مدافع دستاوردهای انقلاب، مدافع آزادی های اساسی مردم و مدافع حقوق خلقهای ایران باشد. خلقهای ما رژیم گذشته را به گور سپردند تا خود سرنوشت خویش را به دست گیرند و با مبارزات حماسه آفرین خود و سرنوشتی رژیم، رشد و شایستگی خود را به اثبات رسانند.

واضح است که فقط زحمتکشان و نمایندگان آنها که از میان خود آنها انتخاب می شوند، دردها و خواسته های زحمتکشان را درک می کنند و همین ها هستند که می توانند قوانینی وضع کنند که مدافع زحمتکشان باشد. اگر کارگران و دهقانان ایران، اگر خلقهای ایران که در برابر ستم دوگانه به پا خاسته اند، اگر اقلیت های مذهبی و خلاصه همه مردم ایران نتوانند در محیطی دموکراتیک، کاملاً آزاد و به دور از هرگونه تهدید، اربعاب، نمایندگان واقعی و راستین خود را انتخاب و در وضع و تدوین قوانین اساسی شرکت دهند، قانون اساسی به هیچ چیز نمی آرد. چرا که نمی تواند بیانگر اراده توده های ستمکش باشد و البته چنین قانونی نه تنها مدافع ستمکشان نیست بلکه در هر صورت و شکلی که بیان شود، تنها و تنها مدافع ستمگران خواهد بود.

## کارگران در جریان مبارزه آبدیده میشوند

هدف از طرح این گزارش بررسی مبارزات کارگران کارخانه مقواسازی است. مبارزات این کارگران برای بدست آوردن برخی از حقوق صنفی شان بوده است. برای ما بسیار آموزنده خواهد بود که ببینیم در جریان این مبارزات چگونه آگاهی طبقاتی کارگران بالا رفته است. از همین رو در اینجابه بررسی موقعیت کارگران قبل و بعد از مبارزاتشان می پردازیم.

وضعیت کارگران قبل از مبارزه  
کارگران کارخانه مذکور از لحاظ آگاهی طبقاتی بسیار عقب مانده بودند. عوامل زیادی در پائین بودن آگاهی کارگران تاثیر داشت. از جمله پرت بودن کارخانه و جدایی محیط زندگی کارگران از سایر محیط های کاری. در این مورد کارفرما می گفت: "اگر کارگران من باشهر رابطه داشته باشند توقعاتشان بالایی رود" به همین علت کارگران در جریان انقلاب شرکت فعال نداشتند. عامل دیگر، بیسوادی و نداشتن سابقه مبارزات صنفی سیاسی بود که رابطه نزدیکی با خلقان و دیکتاتوری محمد رضا شاهی داشت. نماینده کارفرما هنوز قدرت داشت و کارگران هنوز از ازمی ترسیدند. چون رفتار او با کارگران در گذشته بسیار خشن و آزار و وحشیانه بود. (بعد از قیام همین نماینده در کمیته نفوذ می کند و برای چند نفر از دروازه اش کارت می گیرد).

شروع مجدد جنگ آزادی بخش در عمان  
با آغاز پانزدهمین سال انقلاب عمان، جبهه خلق برای آزادی عمان آزادی بخش خلق عمان در یک نبرد دلاورانه عملیات مسلحانه خود را از سر گرفت. بقیه در صفحه ۱۱

توجه به هم میهنان  
همانگونه که در گذشته نیز اعلام کرده ایم، عده ای فرصت طلب به منظور سودجویی و پاپیش برد مقاصد سیاسی خود که کاملاً مغایر با اهداف سیاسی سازمان است، خود را عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعلام می کنند و حتی برخی از آنها برای جلب اعتماد، کارتهایی را که ادعای می کنند، کارت عضویت سازمان است به مردم نشان می دهند در حالی که سازمان فعلاً برای اعضای خود کارت عضویت صادر نمی کند و بنا بر این هیچ یک از اعضای سازمان کارت عضویت ندارند و ارائه چنین کارتهایی خود دلیل جعلی بودن آنها می باشد. از هواداران وهم میهنانی که می خواهند در مورد صحت و سقم پیوند خود با سازمان اطلاع پیدا کنند، می خواهیم که در تهران به قسمت سازماندهی دفتر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بلوار کشاورز - خیابان دهکده - دهر در شهرستانها نیز به دفتر سازمان مراجعه کنند.

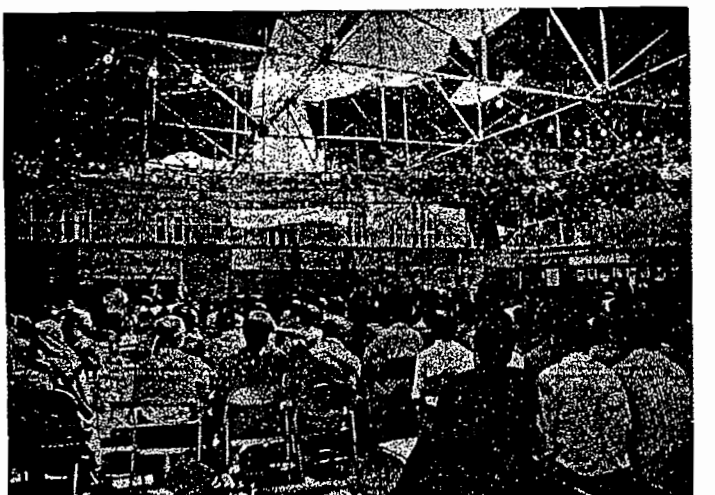
## در اجتماع خانه کارگر

یکی از کارگران:  
با ایجاد  
«نیروی ویژه نظم کارخانه ها»  
میخواهند باز هم

## خون کارگران را به زمین بریزند

۲۳ خرداد سال ۳۸ با پایانه های اطراف تهران و محوطه کوره پزخانه ها از خون کارگران مبارز که بخاطر بدست آوردن حداقل حقوق خود به پا خاسته بودند، به سرخی نشست و فصل تازه ای در مبارزات دلبیانه کارگران علیه استعمار و ستم گشوده شد. در این روز در کوره پزخانه های اطراف تهران مثل قرچک، دولت آباد و محمودآباد کارگران به همراه خانواده - هایشان که آنها نیز کاری کردند دست به اعتصاب زدند و بدنبال آن حرکات خود بخودی از قبیل واژگون کردن ماشین های آجر و تخریب کوره ها گسترش یافت. خشم کور کارگران حدود مرزی نمی شناخت. مبارزه های خونین آغاز شد که آغاز بسیاری بقیه در صفحه ۱۱

## گرامی داشت خاطره شهدای کارگران کوره پزخانه



گوشه ای از مراسم گرامی داشت خاطره شهدای کارگران کوره پزخانه در خانه کارگر

## موضع گیری مرتجعانه حکومت عراق

## بسود امپریالیسم و صهیونیسم است

فرمانروایان عراق که سالهاست با رژیمهای ارتجاعی منطقه مثلاً شاه سابق ایران سازش کرده اند عملاً در برابر جنبش های آزاد بیخس منطقه قرار گرفته اند

## لایحه مطبوعات یا خیمه دوت برای سلب آزادی ها

در حالیکه هنوز قانون اساسی جدید ماکه پایه و اساس تمام قوانین است تدوین نگردیده است، در حالیکه هنوز تکلیف مجلس موسسان که باید برای تدوین و تصویب قانون اساسی تشکیل شود روشن نیست در حالیکه دهها قانون ضد مردمی نظیر قانون کار، بجای خود پابرجاست و دولت وقت و سرمایه داران و... به استناد آن زحمتکشان میهن ما را مورد تعدی قرار می دهند، در حالیکه صدها قراردادیکه با دولت های امپریالیستی و انحصارات خارجی توسط رژیم خائن شاه بسته شده بود و میلیاردها ضرورت خلق زحمتکش ما را به باد داده، هنوز بقوت خود باقیست، در چنین اوضاع و احوالی چطور شده است که دولت با این عجله بفر تدوین قانونی برای مطبوعات افتاده است؟ واقعیت اینست که دولت موقت نه برای خدمت به مطبوعات بلکه برای از بین بردن دست آورد های انقلابی مردم و محدود کردن آزادیهای دموکراتیک شمیر خود را از غلاف بیرون آورده و قانونی ضد دموکراتیک به نام "قانون مطبوعات" را سرهم بندی کرده است. روزنامه ها اول نوشتند که دولت فقط ۱۰ روز به مردم فرصت داده است که درباره این "پیش نویس لایحه" اظهار عقیده کنند و بعداً که دیدند اعتراض همه بلند شد تا ۱۵ تیر آنرا تمدید کردند. لایحه تصویب هیئت وزیران دوسه روزی فرصت می خواهد و شورای انقلاب هم برای تصویب آن بیش از یکی دو روز احتیاج ندارد و به این ترتیب "قانون" ظرف چند هفته به مورد مطبوعات افتاده است؟ واقعیت اینست

بقیه در صفحه ۸

بدون آنکه به ریشه تحولاتی که سبب تشبیت حناخ ارتجاعی طبقه حاکمه عراق در این کشور شد، بپردازیم با آنور می شویم که حکومت عراق در سالهای گذشته روز بروز سیاستی ارتجاعی تر در پیش گرفته است. امروز فرمانروایان عراق که در به راه انداختن هیاهو و تبلیغات عوامفریبانه استاد شده اند، پیوسته از مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی دم می زنند. اما در عمل سالهاست که رژیم های ارتجاعی منطقه سازش کرده و در برابر جنبش های آزادی بخش منطقه که پیگیرترین نیروهای ضد امپریالیست و ضد صهیونیست منطقه هستند قرار گرفته اند. حکومت عراق در سالهای گذشته با رژیم های سرسپرده و منفوری چون رژیم شاه، رژیم عمان و شیخ نشین های خلیج فارس به همکاری برخاست و عملاً در برابر خواست توده های منطقه قرار گرفت حکومت عراق مثل هر حکومت ارتجاعی دیگری برای سرکوب مردم عراق به ویژه خلق کرد، مبارزات ضد امپریالیستی را رها کرده و اینک تنها در حرف و در تبلیغات عوامفریبانه خود ضد امپریالیست مانده است. حکومت عراق در جریان مبارزات سال گذشته خلقهای ایران با تفسیقانی بقیه در صفحه ۱۱

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# یک سند دیگر از اقدامات ضدکارگری دولت موقت

## رفقای کارگر!

کارگران می پردازند. نمونه بارز این اقدامات ضدکارگری بخشناهای است که به تازگی به دنبال بخشناه دولت از سوی " دادسرای انقلاب اسلامی اراک " جهت مدیران کارخانه های اراک نوشته شده و در آن به صراحت حق هرگونه آزادی و اعتراض از کارگران سلب شده است و به سرمایه داران و مدیران کارخانه ها این حق را داده اند که کارگران مبارز را شناسایی کنند و به دادسرای به اصطلاح انقلاب اسلامی گزارش دهند تا بعنوان ضد انقلاب تحت تعقیب قرار گیرند.

مأشوال می کنیم که آیا ضدانقلاب سرمایه داران مفت خور و حامیان آنها هستند یا طبقه کارگر؟ و آیا این است سهم کارگران از انقلابی که آنها در راهش جان باختند و آیا این است جوایب خواستهای کارگران؟

رشد آگاهی طبقاتی کارگران و گسترش مبارزات آنها، سرمایه داران و دولت حامی منافع آنها را به وحشت انداخته است. دولت موقت، اقدامات وسیع و گسترده ای را آغاز کرده است تا اینکه انضباط سربازخانه ای را مجدداً بر کارخانه ها حاکم سازد. بنام حفظ نظم، سرکوب کارگران و بنام انقلاب اقدامات ضدکارگری را به کارگران تحمیل می کنند. دشمنان طبقه کارگر آنچنان هراسناک و وحشت زده شده اند و با چنان سرعتی بر علیه طبقه کارگر به پا خاسته اند که کوچکترین تردیدی در مورد ماهیت ضدکارگری دولت کنونی باقی نمی گذارد. زیرا هنوز فراموش نشده است که این کارگران بودند که با مشت های گره کرده در تظاهرات شرکت می کردند. با اعتصابات خود کمر رژیم را شکستند و دوش بدوش اقشار دیگر خلق با قیام مسلحانه رژیم را سرنگون کردند. هنوز خاطره سرکوب کارگران مبارز میهن ما، توسط رژیم مزدور شاه فراموش نشده است که دولت موقت باز داشت دسته جمع کارگران صنعت نفت و نورد اهواز را آغاز کرده است. اگر دولت موقت بنا به ماهیت ضد خلقی خود حمله به کارگران را آغاز کرده است، خلق مبارز ما و در رأس آن طبقه کارگر خوب می داند که حتی خفقان و ارعابی که رژیم شاه پدید آورده بود، نتوانست جلو یورش ویرانگر توده ها را که طومار ننگین حکومت پهلوی را در هم پیچید، سد کند و سرانجام در زیر ضربات بی امان توده های زبانه دانی تاریخ سپرده شد. اگر رژیم گذشته می توانست از طریق بی اعتنائی به خواستهای کارگران ایجاد محیط رعب و وحشت، گمرازدن حاسوبان و سرسپردگان در کارخانه ها، دستگیری، سرکوب، شکنجه و اعدام کارگران نتیجه مطلوبی بگیرد، دولت موقت کنونی هم می تواند به این شیوه ها دل خوش کند. اما دولت موقت باید این واقعیت را درک کند که مطمئناً کارگران مبارز میهن ما اقدامات ضدکارگری دولت را بی جواب نخواهند گذاشت. بی شرمانه است که هنوز خونهای ریخته کارگران بر سنگفرش خیابانها خشک نشده است که روشهای ساواک را در کارخانه ها پیاده می کنند و به شناسایی، تعقیب و آزار

## کارگران، دهقانان و...

دورسراسر تاریخ هرگاه که خواسته اند توده ها را از حق شرکت در تعیین سرنوشت خود، محروم کنند، عدم آگاهی و رشد توده ها، حساسیت زمانی، شرایط و امثالهم را بهانه آورده اند و امروز نیز به روشنی می بینیم که حتاسیت و احوال و کمبود و عدم اطلاع و " خیره نبودن " نمایندگان راکه مردم انتخاب می کنند بهانه کرده اند. اما همه می دانیم که برای توده ها خطر واقعی شرکت ندادن آنها در وضع قوانینی است که مستقیماً به زندگی خود آنها مربوط است.

بدون شک هیچ کس بهتر از کارگر، از رنج کارگران، ستم سرمایه داران و خواسته های کارگران سردر نمی آورد. هیچ کس بهتر از نمایندگان خلقهای مختلف ایران شایسته تصمیم گیری درباره قوانینی که خلقهای میهن ما در آن ذینفعند، نیست و هیچ مقامی نمی تواند و حق ندارد در اتاقهای در بسته برای میلیونها تن از زحمتکش و خلقهای محروم ایران قانون وضع کند. چنین قوانینی نه تنها هرگز نمی تواند مطلوب خلقهای کرد، ترک و غیره باشد بلکه برای یکپارچگی ایران نیز خطراتی جدی در بر خواهد داشت.

به اعتقاد ما اگر امروز قوانینی برخلاف منافع کارگران، دهقانان و خلقهای ستمدیده ایران تدوین و در شرایطی غیردموکراتیک از طریق فرافروم به تصویب رسانده شود، باز هم هیچ کس نمی تواند مدعی رسمیت چنین قوانینی باشد. چرا که این قوانین از آنجا که هرگز نخواهند توانست منافع کارگران و منافع خلقهای زیر ستم میهن را در نظر بگیرند در یازود با اعتراض و مخالفت کارگران و زحمتکش سراسر ایران روبه رو خواهد شد و توده ها با اعتراض یکپارچه خود ستم محکومیت آن را امضاء خواهند کرد.

## کارگران در جریان...

چگونگی مبارزات کارگران کارگران برای افزایش حقوق و سود سالانه دست به مبارزه می زنند. انگیزه کارگران در شروع این حرکت مبارزاتی کاملاً روشن است.

به آنها گفتیم: " بابا دم عید به ما پول بدهید، احتیاج داریم، ندادند. پس ما کارخانه را خوابانیدیم."

کارگران در اولین قدم مبارزه در مقابل نماینده کارفرما قرار می گیرند یکی از کارگران بشدت مضروب می شود و دستش می شکند. کارگران از کمیته کمک می خواهند. اما کمیته هم به کارگران برجسب ضد انقلابی و خرابکاری می زند. زیرا عوامل نماینده کارفرما در داخل کمیته هستند. کارگران ماهیت این کمیته را در عمل می بینند و می شناسند. کارگری به شخصی که مدافع کمیته بود می گوید: " تو که این همه از کمیته می گوئی مگر برایت چکار کرده است؟ مگر همان افراد نماینده کارفرما توی کمیته نیستند؟ کارگر دیگری می گوید: " تا دیروز جرئت نداشتیم حرفی بزنیم. مارا به ساواک می بردند. حالا هم اگر صدایمان در بیاید به کمیته می برند."

کارگران ضمن متوقف کردن کار متحصن می شوند و با تعیین چند نماینده به اداره کار منطقه می روند. رئیس اداره کار کارگران را دست بسر می کند. کارگران می بینند که عوامل کارفرما آنجا هم نفوذ دارند. آنها در برخورد با این مسائل ارتباط اداره کار منطقه، کمیته و نماینده کارفرما را یکدیگر و نیز نفوذ عوامل کارفرما در کمیته و اداره کار می بینند.

## ادامه مبارزه کارگران

عناصر آگاه ضمن شرکت در مبارزه کارگران، ارتباط و وحدت سرمایه داران و دولت و در نتیجه وحدت کارفرما و اداره کار را با افشاکاری همه جانبه برای کارگران توضیح می دهند. چگونگی این ارتباط همه جانبه دولت و سرمایه داران را کارگری آگاه چنین بیان می کند: " اینها آمده اند هی وعده می دهند که فلان کار را می کنیم. ولی توی کمیته و اداره کارشان پیراز عوامل کار فرماست" در ادامه مبارزه کارگران به وزارت کاری می روند. هنوز به وزارت کار امید دارند و فکر می کنند که وزارت کار خواسته هایشان را بر آورده خواهد کرد. چرا که حتی از آمدن نمایندگان وزارت کار خوشحال هستند و از وزارت کار

سند عملیاتی انقلاب اسلامی اراک «بسم الله القاصم الجبارین»  
دادگاه انقلاب اسلامی

شماره: \_\_\_\_\_  
تاریخ: \_\_\_\_\_

به کلیه مدیران کارخانه های اراک  
به موجب این حکم دستور داده می شود که به کارمندان و کارگران مجموعه تفهیم گردد که به هیچ وجه حق تبلیغات را در محیط کارخانه نداشته و در صورت برخورد با چنین مواردی موضوع گزارش تا این افراد به عنوان ضدانقلاب تحت تعقیب قرار گیرد.

دادستان انقلاب اسلامی اراک سید محمد ...

بشخصنامه

به موجب این سند دستور داده می شود که به کارمندان و کارگران مجموعه تفهیم گردد که به هیچ وجه حق تبلیغات را در محیط کارخانه نداشته و در صورت برخورد با چنین مواردی موضوع گزارش تا این افراد به عنوان ضدانقلاب تحت تعقیب قرار گیرد.

دادستان انقلاب اسلامی اراک سید محمد ...

## کارگران شرکت ایران - زاین

### یائین بودن سطح حقوق و گرانی بیش از حد، زندگی ما را غیر ممکن ساخته است

کارگر و همزحمتکشان برای همیشه از بند سرمایه داری آزادی شوند. بنابراین ضمن مبارزات اقتصادی باید همواره به مبارزات سیاسی و ارتقاء مبارزه توجه داشت. باید به ویژه در شرایطی که مبارزه سیاسی در جریان است و کارگران در بیشتر نقاط ایران خواستار ملی شدن صنایع، قطع نفوذ امیرالیوم رژیم سابق و... هستند. همه کارگران باید در این مبارزات سیاسی شرکت فعال داشته باشند و تاکتیکهای مبارزه سیاسی را به خوبی بیاموزند. چرا که مبارزات سیاسی طبقه کارگر است که سرانجام به رهبری حزب واقعی طبقه کارگر سرمایه داری را برای همیشه از میان می برد و حکومت کارگران و زحمتکشان را جانشین آن می سازد.

کارگر و همزحمتکشان برای همیشه از بند سرمایه داری آزادی شوند. بنابراین ضمن مبارزات اقتصادی باید همواره به مبارزات سیاسی و ارتقاء مبارزه توجه داشت. باید به ویژه در شرایطی که مبارزه سیاسی در جریان است و کارگران در بیشتر نقاط ایران خواستار ملی شدن صنایع، قطع نفوذ امیرالیوم رژیم سابق و... هستند. همه کارگران باید در این مبارزات سیاسی شرکت فعال داشته باشند و تاکتیکهای مبارزه سیاسی را به خوبی بیاموزند. چرا که مبارزات سیاسی طبقه کارگر است که سرانجام به رهبری حزب واقعی طبقه کارگر سرمایه داری را برای همیشه از میان می برد و حکومت کارگران و زحمتکشان را جانشین آن می سازد.

هموطنان مبارز:

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمائید.

تهران - خیابان بلوار، خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای همدانی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹

آدرس بانک چریکهای همدانی خلق ایران.

تهران - بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۲۰۹۸

بنام عباس فضیلت کلام.

از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم، فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

# همه صنایع و شرکتهای وابسته ملی شوند



## تحصن کارگران آکام

دولت ۶ میلیون بدهی  
خود به لاجوردی را به کارگران بدهد

۸۳۲ تن کارکنان تاسیسات آکام وابسته به گروه صنعتی بهشهر هفته گذشته در دفتر مرکزی این شرکت واقع در خیابان فیض آباد دست به تحصن زدند.

تاسیسات آکام واقع در ۲۲ کیلومتری جاده قدیم کرج از جمله تاسیسات گروه صنعتی بهشهر است که کلیه سهام آن متعلق به برادران لاجوردی، خسرو رحمانی کیا و جواد خادم احمد آبادی می باشد. کارکنان تاسیسات آکام را اکثر کارگران فنی تشکیل می دهند که کار آنها ساختن اسکله فلزی و ساختمانهای پیش ساخته بتونی است. حداقل دستمزد کارگران روزی ۲۲ تومان است و با وجود پرداخت ۷٪ حقوق ماهانه به عنوان حق بیمه هیچ یک از آنها صاحب دفتر چه بیمه باتامین اعتبار نیستند. زیرا عدم پرداخت حقوق بیمه کارگران از جانب کارفرما به سازمان خدمات درمانی باعث شده که دفتر چه بیمه کارگران فاقد تامین اعتبار باشد. نماینده کارکنان متحصن که یکی از اعضای شورای ۷ نفری این شرکت است در توضیح خواستههایشان گفت:

شورای مایس از اینکه در اسفند ماه تشکیل شد در جهت تامین خواستههای کارگران با کارفرما تماس گرفت و بیست و دو جلسه ای که در حضور نماینده کارفرما و نماینده وزارت کار تشکیل شده بود، توافقنامه ای از جانب طرفین به امضاء رسید که طی آن کارفرما متعهد به پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران، پرداخت سود ویژه و بازگشت کارگران اخراجی

به سرکار بود اما هیچیک از این خواستهها تاکنون به مرحله اجرا گذاشته نشده است. یکی از نمایندگان شورایی گفت:

«آکام فلز و آکام بتون از اولیست تاسیسات آکام بود و بعد ها کارفرما از سود حاصله از این دو شرکت در شرکت تاسیساتی راه نام آکام بوجود آورده و همیشه هم سودی که باید بین کارگران تقسیم می شد به جیب کارفرما می رفت. ما حساب کردیم که هر کارگر باید در سال حداقل ۱۵۰۰۰ تومان سود ویژه دریافت کند در حالیکه حداکثر این دریافتی تا سال ۵۶ مبلغ ۳۵۰۰ تومان بوده و سود ویژه ۵۷ نیز هنوز پرداخت نشده است. مذاکرات نمایندگان کارکنان با وزارت کار و نماینده کارفرما نتیجه ای نداشته است و تنها منجر به تحمیل یک مدیر انتصابی از جانب وزارت کار برای این شرکت شده است. یکی از کارگران در این مورد می گفت:

«ما کارگرانی که انقلاب کردیم چرا باید گرسنه بمانیم؟ چرا دولت نسبت به این موضوع رسیدگی نمی کند؟ دولت نزدیک به ۶۰ میلیون تومان به لاجوردی بدهکار است به جای پرداخت این پول به لاجوردی حقوق کارگران پرداخت کند.

قسمتی از خواستههای کارکنان شرکت آکام عبارتست از:

- ۱- دریافت حقوق دو ماه گذشته
- ۲- دریافت سود ویژه سال ۵۷
- ۳- تعیین تکلیف ۱۷۰ نفر از کارگران اخراجی که وره بازگشت بکار را دارند اما هنوز تکلیفشان معلوم نیست.

## اعتصاب کارگران پیمانی شبکه سازی پالایشگاه آبادان

آبادان - گروهی از کارگران پیمانی شبکه سازی پالایشگاه نفت آبادان از روز ۱۹ خرداد دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواستار رسمی شدن و استفاده از حقوق و مزایای ناشی از تغییر وضعیت استخدامی خود هستند. کارگران قسمت شبکه سازی از یکسال پیش بارها دست به اعتصاب زده اند.

بخش دیگری از خواستههای کارگران پیمانی شبکه سازی پالایشگاه نفت آبادان از این قرار است:

پرداخت حقوق بوسیله شرکت نفت (بجای پیمانکار)، اجرای طبقه بندی مشاغل، تعطیل روز پنجشنبه ۲۰ روز مرخصی سالیانه، دریافت حق فرتیو و رسیدگی به نیازهای درمانی و ایمنی کارگران.

لازم به یاد آوریم که کارگران شبکه سازی در محیط نامناسب که غیر بهداشتی و همراه با سروصدای بسیار است کار می کنند. کارگران خواهان دریافت حقوق سختی کار و تغییر محیط کار خود هستند.

## خواستههای کارگران کوره پزخانه های اردبیل

اردبیل - کارگران کوره پزخانه های اردبیل چرخش، آجر چین (کوره چی) و آجر زن کوره پزخانه های اردبیل در بیانیه ای خواستههای خود را مطرح کردند.

در قسمتی از این بیانیه آمده است، ما زحماتکشان همواره عرق می ریزیم و همیشه با شرایط سختی کاری کنیم. در حالی که شمره کارمان را گروهی سودجو و زورگو و غارتگر صاحب شده، روز بروز گردن کلفت تر و ظالمتر می شوند.

این محرومیتها ما را بر آن داشت که همواره با دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مسئول این همه خرابی وضع ما بود بیخیزیم و مبارزه کنیم تا اینکه در فرای پیروزی دیگر حاصل دسترنج ما به جیب مفتخوران زانو صفت نرود. ولی منافقانه می بینیم در این مدت سه ماهی که از انقلاب گذشته اصلا وضع ما رحمت کسان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنی می گویند که صبر انقلابی داشته باش و به خاطر انقلاب گذشت کن، گذشت کن تا زن و بچه هایت از گرسنگی بمیرند، گذشت کن تا صاحب کار روز بروز چاقتر از روز قبل بشود. چرا گذشت را آن سرمایه داران، کارخانه داران و صاحب کوره پزخانه هانمی کنند که شمره کار ما را می خورند؟

- ۱- استخدام رسمی تمام کارگران کوره پزخانه های اردبیل.
- ۲- صدور دفتر چه بیمه بهداشتی برای تمام کارگران کوره پزخانه، ایجا مدرسه برای فرزندانمان در نزدیکی محل کار و کلاس اکابر برای بزرگسالان.
- ۳- دادن وامهای طویل المدت و بدون بهره برای کارگران در اسرع وقت.
- ۴- دادن لباس کار و وسایل لازم و بهداشتی کردن محیط کار.
- ۵- حق استفاده از حقوق جمعی و ایام تعطیلی و یک ماه مرخصی سالیانه.
- ۶- تشکیل شوراهای واقعی کارگری جهت پیشبرد هدفهای برحقمان. ضمنا پشتیبانی خود را از کارگران کوره پزخانه تبریز و از خواستههای برحق همه خلقهای تحت ستم از جمله خلق قهرمان آذربایجان ابراز داشته و هرگونه تفرقه افکنی در صفوف خلق را محکوم می کنیم.

## کارگران کوره پزخانه آمل تولید را بدست گرفتند

با کاهش نرخ آجر و رساندن آن به قیمت عادلانه کوشش انقلابی کارگران را در جهت حفظ منافع کارگران و مردم عملاً نشان داد و مردم نیز با خرید آجر از سر کوره ها همبستگی خود را با کارگران اعلام کردند. بدنیال بدست گرفتن تولید کوره پزخانه شگون، کارفرمایان چند کوره دیگر

آمل - کارگران کوره پزخانه آمل بدنیال اخطارهای قبلی و پذیرفته شدن خواستههایشان از طرف کارفرمایان از ۱۹ خرداد تولید کوره ها را بدست گرفتند. کارگران قبلاً طی بیانیه ای شرایط غیر انسانی کار و پائین بودن دستمزد و بی توجهی کارفرمایان نسبت به خواستههایشان را تشریح کرده بودند و بالاخره پس از دو ماه درگیری کنترل کوره ها را بدست گرفتند.

روز شنبه ۱۹ خرداد ابتدا کارگران کوره "شگون" پس از سخنان نماینده شورای کارگران در مورد رعایت نظم و انضباط و جلوگیری از برخورد کاررا شروع کردند کارفرما از حرکت کامیونهای جلودگویی کرد ولی کارگران با تقسیم کار و انتخاب چند نفر از کارگران در قسمتهای انتظامات، بازرسی، فروش آجر و حمل اکتلاف توانستند کارها را از پیش ببرند. روز اول بیش از ۶۰ هزار آجر به فروش رفت و در روزهای بعد نیز فروش مناسب بود. کارگران چند روز قبل در اعلامیه ای که در شهر پخش شد از مردم خواستند چنانچه کارفرما به خواستههای رسیدگی نکرد، آجر را مستقیماً از کارگران با قیمت مناسب خریداری کنند. شورای کارگران

## حقوق کارگر را فقط ۱۴ تومان تعیین کردند

روز ۱۴ تومانی به کار بازگردند. کارگران شرکت برج خواهان بازگشت به کار با حقوق مناسب و دریافت حقوق عقب افتاده خود هستند.

بابل - گروهی از کارگران نساج بابل نسبت به رفتار توهمین آمیز شخصی به نام "مهندس شهاب" که رئیس کارخانه بافندگی این شهر است اعتراض کردند و خواهان برکناری و مجازات وی شدند. در بیانیه این کارگران گفته شد که مهندس شهاب (که سیاست ضد کارگری دارد و با عوامل رژیم گذشته همکاری داشته) در برابر درخواست انتقال یک کارگر ابتدا شروع به فحاشی و سپس کنک کاری می کند. همچنین یکی از نگهبانان بنام "حیدری" که سابقه سرقت دارد و عامل کارفرماست یکی از کارگران مبارز را با چاقو زخمی کرده که پس از چند ساعت بازداشت در کمیته آزاد می شود.

## عوامل ساواک را به کارخانه بازگرداندند

کاشان - گروهی از کارگران صنایع "راوند" متعلق به لاجوردی سرمایه دار معروف در بیانیه ای ضمن اعتراض به بازگشت دو تن از عوامل رژیم گذشته (که قبلاً از کارخانه اخراج شده بودند) و خواستار اخراج مجدد این عوامل و برکناری رئیس اداره کارکاشان شدند. کارگران کارخانه راوند ضمن حمایت از شورای کارگری کارخانه به این نکته اشاره کرده اند که روابط سابق دوباره بر کارخانه مسلط شده است. آنها این سؤال را مطرح کرده اند که آیا باید مثل گذشته ما برای "لاجوردی" هاجان بکنیم؟ آیا باید کسانی که در نتیجه قیام و مبارزات انقلابی کارگران و بخاطر ارتباط با ساواک و مزدوران رژیم گذشته اخراج شده اند، به کار بازگردانده شوند؟ آیا کارگران باید برای انباشتن جیب سرمایه داران تولید را بالا ببرند و بدون اینکه کوچکترین سهمی از سود باقی در مدیریت کارخانه داشته باشند؟ کارگران دریابان خواستار اخراج خواجوی و استوار تولید از کارخانه و برکناری رئیس اداره کار (که در گذشته نیز سیاست ضد کارگری داشته) و همچنین "مسگری" رئیس سازمان کارگران شده اند.

## برائز هوشیاری و همبستگی کارگران

حمله مهاجمین به کارخانه پی - یو رشت شکست خورد

رشت - روز ۲۰ خرداد عده ای از افراد ضد انقلابی که خود را وابسته به یکی از کمیته های شهر معرفی می کردند با اسلحه و چماق و چاقو به کارخانه پی - یو رشت حمله می کنند. مهاجمان پس از ورود به کارخانه به بیانه این کمیته از کارگران زن مورد اهانت قرار گرفته چند تن از کارگران را مجروح می کنند و ضمن به هم ریختن وسایل اطاقها زمین را برای درگیری و ایجا حمله فزاینده میان کارگران فراهم می کنند. کارگران مبارز کارخانه با هوشیاری و همبستگی از توطئه مهاجمین آگاه می شوند و با خون سردی و متانت انقلابی مهاجمین را مجبور به عقب نشینی می کنند. بلافاصله جلسه ای با حضور کارگران و همسر کارگری که مهاجمین ادعا می کنند به او اهانت شده، تشکیل می شود. در این جلسه شخصی می شود که ادعای مهاجمین بی اساس بوده و آنها قصد توطئه و خونریزی داشته اند. صورت جلسه

## حمایت کارگران رشت

بدنیال حمله به کارخانه پی - یو گروههای مختلفی از کارگران رشت از آنها حمایت کردند. از جمله کارگران کارخانه چینی سازی "ایربرسلان" در بیانیه ای حمله عناصر مرتجع و ضد کارگر را محکوم کرده و خواستار مجازات مهاجمین شده اند. کارگران ایر برسلان آمادگی خود را برای حمایت از کارگران پی - یو در جهت مقابله با عناصر ضد کارگری و کوتاه کردن دست آنها از کارخانه ها اعلام داشته اند.

کارگران کارخانه "ورزیده کار" رشت که بیش از ۵۰ نفر هستند خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شده اند. از طرف شورای کارگران یک نماینده برای پیاده کردن طرح معرفی شده که کارفرما با این نماینده مخالفت کرده است. کارگران تصمیم گرفتند در صورت لزوم از ورود مدیر عامل ورژیس کارگری به کارخانه جلوگیری کنند و مانع خروج کالا از کارخانه شوند.

"ورزیده کار" که بزرگترین کارخانه دار و وارد کننده مواد پلاستیکی است در برابر خواستههای کارگران مقاومت می کند. وی که صد ها میلیون تومان

## فعالیت های شورای کارگران سیمان صوفیان

صوفیان - شورای کارگران کارخانه سیمان صوفیان مرخصی سالیانه کارگران را به ۱۸ روز افزایش داد که از اول فروردین ماه ۵۸ قابل اجرا است. همچنین کتابخانه ای در قسمت برق این کارخانه با فعالیت کارگران ایجاد شد. بتازگی آرم جدیدی بوسیله کارگران تهیه شده که تصویر کوره های کارخانه در آن منعکس

تبریز - گروهی از کارگران بیکار تبریز روز دوشنبه ۲۹ خرداد در محل دبیرستان آرم اجتماع کردند و خواهان صادره سرمایه ها و کارخانه های بزرگ شدند. یکی از کارگران گفت:

"در یکی از سندیها که به کارگران پیشنهاد پول می کنند تا به محل اجتماع کارگران بیکار نیایند. یکی از نمایندگان کارگران که برای مذاکره به تهران آمده بود گفت:

"مذاکرات با معاون وزیر کار عملاً نتیجه ای نداشته است. کارگران دریابان به ضرورت تشکیل سندیکا و ادامه مبارزه تاکید کردند.

است و بالای آرم نوشته زیر چشم می خورد: "ما کارگران دخالت امریکا را در امور خود محکوم می کنیم". در پایین آرم نوشته شده است: "مرگ بر امپریالیسم و صهیونیسم" شورای کارگران سیمان صوفیان توانسته است حقوق کارگران و کارکنان این کارخانه را تا حدودی افزایش دهد.

تبریز - کارگران و کارکنان شرکت واحدهای مسکونی خانه سازی تبریز در اجتماع خواستههای خود را مطرح کردند. کارگران در این جلسه که در ۱۷ خرداد برگزار شد در مورد دریافت دفترچه بیمه درمانی که از چهار سال پیش حق بیمه اش کسر میشد و همچنین افزایش حقوق و تامین وسایل ایمنی صحبت کردند. در این جلسه چند تن از عوامل ضد کارگری برخلاف خواستهها و مصالح کارگران سخن گفتند که با عکس العمل شدید کارگران و کارکنان روبرو شدند.



# فرخی،

## شاعر زحمتکشان

فرخی بر دی. شاعر و نویسنده آزادیخواه و انقلابی ایران، در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در سرد موله شد. کودکی و جوانی او در محله آسایش مشروطیت یا پیدایش حزب دمکرات (از احزاب مترقی آن زمان) شیفته این حزب شد و آن روی آورد.

در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی به سبب سرودن اشعار انقلابی به دستور حاکم سزد در شهرهای دهکده راج و سور دوخند و اس کار در رمای انجام می گرفت که سه سال از اعلام مشروطیت و استقرار حکومت قاپو می گذشت.

وی سرانجام از زندان شهرهای یزد گریخت و در سال ۱۲۸۷ به تهران آمد. در سال ۱۲۹۶ همراه با طایمان مرزا اسکندری و چند تن دیگر، به دعوت دولت نوری دهمس سالگرد انقلاب اکبر در مسکو شرکت جست.

دراواخر سال ۱۲۹۸ در راه "طوفان" رانشار داد. این روزنامه به سبب حملات بی ادبی که در عوامل اسد داد و ارتجاع می کرد اغلب توقیف بود. خود شاعر بر اغلب در حسن با نعد بود. درباره خفقان و سانسور ارتجاع حاکم، جس گفته است:

آزادی است و مجلس و هر روزنامه را  
هر روز بی محاکمه توقیف می کنند.  
گویند لب بینه چوبینی خطای ما  
راهی است ناصواب که تکلیف می کنند.



همراه با خود تالی سگی ۱۲۹۹ که بدست رضا خان ویدسنور انگلیس عا احام شد. مدتی در زندان سرد. در زمان کابینه وثوق الدوله، با قرارداد محسوس و اسرار ۱۹۱۹ که انگلیس با دست نشاندهای داخلی آنها ایران تحصیل کرده بود. با تمام نیرو مخالفت بر حاکم.

در سال ۱۳۰۷ در دوره هفتم، نماینده یزد در مجلس شورای ملی شد. اما به سبب بداندش نامی حاشی که نتیجه مخالفتش با شاه بود، ایران را ترک گفت. ابتدا به مکه و بعد به برلین رفت و همچنان به مبارزه علیه خودکامگی رضا شاه ادامه داد. سالک نوری وزیر دربار وقت که به برلین آمده بود، از طرف شاه به او باس جاسی داد. فرخی فریب خورد و در سال ۱۳۱۲ به ایران برگشت. او را دستگیر کردند. مدتی در زندان بود و سرانجام، در زندان شاه در روز پنجم تیرماه سال ۱۳۱۸ او را در زندان به شهادت رساندند.

فرخی در زمانهای می زیست که انقلاب مشروطیت با آن همه جاننازیهای حیرت انگیز، آن همه شهید، بر اثر یک سلسله علل، مهتر ارمه سازش نیروهای ارتجاعی و سازشکار انگلیس ها (ویز به سبب پاره‌های اشتباهات نیروهای انقلابی) در شکست انجامیده بود. ارجاع و استبداد که اردیبه‌یون رانده شده بود. از پرتو بازگشته بود. انقلابیون روز آخر، با قول کسروی "میوه چینیان انقلاب" آنها که مثلا در لحظه مناسب "ناگهان" انقلابی شده بودند، تمامی ارگهای قدرت را بدست گرفته بودند.

همه اینان، نیروهای مسلح خلق، یعنی مبارزان مشروطه را به خاطر "مصالح انقلاب"، حلقه سزاج کرده بودند و سرانجام انقلاب را به سود خود واریابان خود منحرف ساخته بودند. فرخی از این اوضاع رنج بسیار می برد:

آزادی جهان آباد و چرخ کشور دارا  
پس از مشروطه، با فساد استبداد می گردد.  
براکندگی نیروهای انقلابی و نشستن و اختلاط بسیار در میان آنها نیز یکی دیگر از عواملی بود که فرخی را عمیقاً اندوهگین می ساخت. در این باره می گوید:

برای محو نوا کسور خراب، بس است  
همین نفاق که افتاده در میان ما.

یکی از افرصتهای درخشان زندگی فرخی، که در تکوین و انسجام شخصیت مبارزش بخش موثری داشت، آشنائی او با کمونیستهای ایران از جمله دکتر تقی ارانی، این کمونیست صریح کشور ما، در زندان است. این فرصت موجب شد تا او با اندیشه های کمونیستی یعنی آرمانهای طبقه کارگر، اگرچه بسیار مختصر، آشنائی پیدا کند و او را با نجات لحن و مصطلحات نوشته‌ها و اشعارش اندکی تغییر می پذیرد و از دیدگاه دیگری به ستم اجتماعی و مسائل مبارزه ضد استبداد می نگرد:

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود  
کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود  
با گفته سید است که منظور شاعر از "جنگ صنفی" جنگ طبقاتی است. در این زمان است که با مضمونهای بکلی متفاوت از شعرهای قبلی خود، چنین می سراید:

آنچه را با کارگر سرمایه داری می کند  
با کبوتر، پنجه باز شکاری می کند.  
می برد از دسترنجش گنج اگر سرمایه دار  
بهر قتلش از چه دیگر پافشاری می کند؟  
سال و مه در انتظار قرض نان، شب تا به صبح  
دید زار چرا اختر شماری می کند؟  
عمده ترین آموزشی که فرخی به زحمتکشان می دهد، اتحاد و یکپارچگی آنها در مبارزه علیه طبقات حاکم است. او به زحمت کشان می آموزد که همانطور که ستیزان در مبارزه خود علیه ستیزان متحد و یکپارچه عمل می کنند، آنان نیز باید متحد و یکپارچه عمل کنند:

در شماره قبل متأسفانه بعثت تراکم مطالب نتوانستیم دنباله مقاله "سخنی درباره شعر" را بیاوریم. بایزوش از خوانندگان، از این شماره مجدداً بحث خود را دنبال می کنیم.

### فردا

کوچک خوب!  
گریه نکن  
من صداقت گریه هایت رامی دانم  
و از قطره های اشکت  
دنیائی تجربه دارم.

\* \* \*

کودک همیشه گریان همسایه!  
من سلول پیکر فقرم  
وضعه هایت را خوب می شناسم

\* \* \*

فرزند گرسنگی!  
صداقت گریه های تو  
خشم هزاران دهان پر فریاد است  
و هزاران مشت گره کرده.

\* \* \*

قطره کوچک رنج!  
زلزال اشکت  
میلاد مسلسل است و استمرار خشم

\* \* \*

گرسنه کوچک!  
با چشم اشکبارت که تصویر راتار می کند  
نگاه کن

نگاه کن  
برق سرنیزه های دشمن را  
موج انسان را  
و دریای خون را.

\* \* \*

من سلول فقرم،  
کهنه آجر بنای لرزان تبعیض.  
هزار فریاد  
ویک جفت مشت گره کرده:  
این تمام دارائی من است  
در طبق اخلاص

که شاعر بالا خواندید فرق داشت، همان فرقی که بین نثر و شعر هست.

### سخنی درباره شعر (۲)

است. شاعری که بارنج مردم آشناست و می داند که همین رنج و درد آن سرانجام آنان را به قیام و مبارزه می کشاند، بلافاصله افزوده است که خود این قطره اشک، این قطره رنج، میلاد مسلسل خواهد بود. همین احساس رنج و آگاهی یافتن از آن است که به خشم طبقاتی منجر می شود و آدم را به قیام مسلحانه می کشد. به میلاد مسلسل.

پس شما خود به روشنی می بینید که چه تفاوتی هست بین کلمه ها و جمله های که می توان آنها را "شعر" نامید و کلمه ها و جمله های که بیان ساده و آسان جرفهای روزمره ما هستند. وقتی ما می گوئیم:

"نگاه کن"، مثل همه مردم حرف زده ایم. بطور ساده کسی را دعوت کرده ایم به دیدن. اما وقتی می گوئیم: "با چشم اشکبارت که تصویر راتار می کند، نگاه کن"، همه حالت نگاه بیننده را هم بیان کرده ایم. درد بیننده را هم نشان داده ایم.

مادریانجاتنها خواستیم تفاوت را نشان بدهیم. جالا طبیعی است که این سوال پیش می آید که علت این تفاوت چیست و اصلاً چگونه می توان این تفاوت را ایجاد کرد؟ چگونه می توان از کلام ساده و غیر شعری (نثر) به کلام شاعرانه رسید؟ درباره این مسائل در آینده بیشتر صحبت خواهیم کرد. علت تفاوت هارابیشتر بیان خواهیم کرد. صفات و خصوصیت های یک شعر را بررسی خواهیم کرد و رابطه کلمه هارابا احساس گوینده و نحو و انتخاب آنها را توضیح خواهیم داد.

اما اینک باز به قطعه دیگری از یک شعر نگاه می کنیم به نام "کارگر" که رفیق کارگری برای ما فرستاده است.

من یک کارگرم  
وارث رنجم  
وارث دستهای طاول زده یک دهقان  
وارث دستهای نخب بریده زنی قالیباف.  
اگر در این چند مصراع (سطر) هم دقت کنیم، باز قبل از هر چیز تفاوت حرف معمولی با حرف های یک شاعر را برمان روشن می شود. جمله "من یک کارگرم" تنها طبقه و شغل را بیان می کند. اما نه از درد رنج گوینده خبر می دهد، و نه از احساس و فکر او. دیگران هم اگر بخواهند خود را فقط معرفی کنند، همینطور سخن خواهند گفت. اما شاعری می گوید:

"خون من از دستهای طاول زده پدرم که یک دهقان است وارث هیچ چیزی نیست. یا فقط وارث دست های مادرم هستم که کارگردن بانخ در قالی - باقی آنها را بریده است." این دستها برای ما درد و عذاب زن و مرد طبقه محروم را مجسم می کند. شما وقتی این دستها را می بینید چقدر ناراحت می شوید آنوقت فکر کنید یک نفر جز همین دستها هیچ چیزی به ارث نبرده باشد.

درد و رنجی که با خواندن همین دو مصراع به آدم منتقل می شود، همان درد و رنجی است که شاعر احساس کرده است. پس یک شعر باید بتواند عین احساس و فکر شاعر را با کلمات خود به ما منتقل کند. اگر فقط گفته شود:

"مادرم زنی قالی باف است"  
آیا این احساس و درد را به ما می فهماند؟  
همین شاعر در یک مصراع در جای دیگر گفته است:

"من یک کارگرم،  
بجامانده از بزرگری پیر"  
درست است که زندگی بزرگ در کشور ما آمیخته با رنج است، اما می بینید که این جمله احساس خاصی را در ما بر نمی انگیزد. آیا خودتان تفاوت این جمله را با جمله هائی که قبلاً نقل کردیم حس نمی کنید؟

مثلاً یکی از سطرهایی که ما حذف کردیم اینطور بود: "گرسنه کوچک، گریه نکن خواهش می کنم". می بینید که این جمله درست مانند حرفهای است که در محاوره روزمره و در صحبت های معمول هم بکار می رود. اگر در نثر و نثر دیگر هم بخواهند مفهوم جمله را بیان کنند همه همان کلمات را بکار خواهند برد و حرف خود را به همان صورت خواهند زد. گذشته از آن این جمله فقط یک معنی دارد، یک مسئله را می گوید و اصلاً غم و شادی و فکر و موضع گوینده در آن دخالت ندارد. نه شناختی از گوینده شعر بدست می دهد و نه شناخت کاملی از کودکی که گریه می کند.

اما وقتی که همین شاعر در جای دیگر می گوید:

قطره کوچک رنج!  
زلزال اشکت  
میلاد مسلسل است و استمرار خشم

می بینیم که در اینجا احساس خود را به شکل خاصی بیان کرده که اگر کس دیگری بجای او بود قطعاً نمی توانست عیناً به همین شکل بیان کند. پس در اینجا فکر و احساس شاعر هم دخالت واضحی دارد. شاعر تنها بطور ساده از او خواسته که گریه نکند، بلکه نشان داده که ما و چگونه طفلی است، کوچکی معصوم طفل را به یک قطره تشبیه کرده که قاعدتاً زلال و شفاف است. مثل بسیاری قطره های دیگر. شما خودتان می دانید که کودکان چقدر نازنین و ساده اند، چقدر پاک و معصومند. چقدر مثل آب خواستنی هستند و به آدم نشاط می دهند و این تشبیه بخصوص از این نظر جالب است که این طفل در حال گریستن نزهت است. اما حرف به همین جا تمام نمی شود.

این کودک، یک "قطره کوچک رنج" است. و برای همین مثل قطره اشک که زلال است، دردناک هم هست. کودکان از سوئی بی آرایش و پاکند و از سوی دیگر اسیر رنج. از همین روست که گاه دیدن

آخر ای مظلوم! از مظلوم چون خود یاد کن  
چون بیبینی ظالم، از ظالم حمایت می کنی  
فرخی بزدی، چنانکه خود زمانی سروده بود، در راه خلق خود تسلیم نمود جان و تسلیم نشد.

در اینجا ضمن احترام عمیق به مبارزه دلیرانه فرخی با استبداد و شهادت فخرمانه اش در این راه، باید گفت که شعر او از پاره های جهات بسیار ضعیف است. فقدان ادراک عمیق اجتماعی، نداشتن تفکر منظم و ضعف شدید در زمینه زبان و تخیل، لطافت جدی به شعر او وارد ساخته و اغلب آن را تا سطح مقالات منظوم روزنامه ای تنزل داده است. البته بیدرتک این رانیز باید افزود که این امر یکی از ویژگیهای دوره انقلاب مشروطیت است که شاعران آزادیخواه به سبب رواج سنتی شعر و خاصیت و نیروی برانگیزنده و تهییجی آن، و نیز به سبب نقش موثری که روزنامه هادر مبارزه علیه استبداد پیدا کرده بودند، اغلب حتی مقالات و مطالب سیاسی خود را نیز به صورت منظوم می نوشتند. و اینجاست که اشعار روزنامه ای آنهمه اشاعه یافته بود و می دانیم که میان "سخن منظوم" و "شعر" فاصله عظیمی وجود دارد.

اگرچه فرخی در دوران پس از مشروطه زندگی می کند، اما شعرش ادامه همان روال روزنامه ای شعر دوران مشروطه است. همچنانکه در نمونه هائی که قبلاً از اشعار او در این مقاله آوردیم به خوبی مشاهده می شود، اگر وزن و قافیه را از آنها بگیریم چیزی که باقی می ماند یک جمله ساده روزنامه ای است.

یکی دیگر از ضعفهای شعر فرخی پراکندگی و پیریشانی آنست. به ندرت می توان در دیوان او به شعری دست یافت که ابیات آن با یکدیگر دارای "همنوائی" و وحدت موضوعی باشد. گاه حتی هر بیت برای خود ساز جداگانه ای می زند. مثلاً غزلی را با این مفهوم عاشقانه آغاز می کند:

حلقه زلفی که غیرت نام ندارد  
تا چه کند بادی که تاب ندارد.  
اما بلا فاصله، به مسائل سیاسی و اجتماعی، آنهم در زمینه های مختلف و بی ارتباط با هم می پردازد:

کشمکش چین و اضطراب بشر چیست  
گیتی اگر حال انقلاب ندارد.  
مجلس ما را هر آنکه دید به دل گفت  
ملت جم، حسن انتخاب ندارد.  
خواه بی جمع مال و توده بدبخت  
هیچ بجز فکر نان و آب ندارد.  
و سرانجام در پایان این شعر، پس از طرح مسائل سیاسی و سخن گفتن از "انقلاب" بیبیتی می آورد که بکلی متفاوت از ابیات پیشین و حتی در تناقض با آنهاست و در واقع تبلیغ درویش مسلکی است:

فرخی از زندگی خوش است به نانی  
گر نرسد آن هم، اضطراب ندارد  
و گفتنی است که این شیوه فرخی در سرودن شعر همزمان بود با جهات تازه ای که در شعر فارسی پیداشده بود، و این جهت تازه داشت از شیوه روزنامه ای شعر دوری شد.

این تفاوت فاحش از کجاریشه می گیرد؟ مادر شماره های بعد، ضمن بحثی درباره نیما و شعر او، خواهیم کوشید که به علل این تفاوت، در جهت روشن ساختن مرز میان "شعر" و "سخن منظوم" بپردازیم.



# گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر

(۲)

قسمت اول این گزارش در ضمیمه کار شماره ۱۵ منتشر گردید.

روز دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸

صبح زود سه نفر از اعضاء مسلح سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان که برای خرید صبحانه از ستاد خود بیرون رفته بودند، توسط پاسداران و کماندوهای اعزامی از پادگانهای سایر شهرها دستگیر شده به مرکز دزبان اعزام می شوند. به دنبال اولتیماتوم سازمان سیاسی خلق عرب مبنی بر حمله به دزبان در صورت ادامه بازداشت افراد مذکور، بازداشت شدگان بعد از خلع سلاح آزاد می شوند. در این جریان تیراندازیهای صورت می گیرد ولی به کسی آسیب نمی رسد.

عصر همین روز پاسگاه ژاندارمری "دبری فارم" واقع در منطقه عرب نشین غربی جزیره آبادن به تلافی، مورد حمله انتقامی اعراب مسلح قرار گرفته، پس از اشغال پاسگاه ماموران آن خلع سلاح می شوند. گفته می شود قریب ۳۰۰ قبضه سلاح در این حمله بدست اعراب می افتد. ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر شیخ محمد طاهر شیر آل خاقان که برای مذاکره با امام خمینی - نخست وزیر و آیت اله طالقانی به قم و تهران مسافرت کرده بود با قطار به خرمشهر مراجعت می کند. در ایستگاه راه آهن از طرف هواداران به گرمی مورد استقبال قرار می گیرد.

شیخ بلافاصله در ملاقات با نزدیکان خود اعلام می دارد که "مرکز با بسیاری از خواسته ها موافقت کرده است". و متعهد شده است در مقابل قول خلع سلاح که من به آنها داده ام، مقامات شهر و استان یعنی مدنی استاندار و علوی فرماندار خرمشهر (تغییر یابند و افراد دیگری با صلاح دید ما انتخاب شوند. و اختیارات دیگری نیز به ما داده شده است.

شایعه تغییر استاندار و فرماندار به سرعت در شهر می پیچد و بسیاری از دست اندرکاران و مسئولین ادارات دولتی خود را برای تغییر و تحولات تازه آماده می کنند و به تهیه طرحهایی برای پیشنهاد به شیخ در مورد ادارات خود می پردازند.

جوسایسی شهر به نفع هواداران حاکمیت قومی عرب برسرنوشت خود (اعم از تجزیه طلبان، برتری طلبان، عناصر واقع بین، پیشرو و مترقی و محافظه کاران) تغییر می یابد. امیدواری زیادی برای حل مسائل شهر و منطقه از راه گفتگو و روشهای سیاسی (که مدت زمانی بود از این روشها مایوس شده بودند) در مردم ایجاد می شود.

برعکس در کلیه افرادی که در آن زمان قدرت را در شهر بدست داشتند، یعنی کمیته نوری سپاه پاسداران، کانون فرهنگی نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر (شاخه سازمان فدائیان اسلام در خرمشهر)، هواداران سازمان امل اعضاء گروه النصر (گروهی شبه نظامی متشکل از چاقو کشان حرفه ای و ماجراجویان مرتجع و فاسد که به رهبری روحانی تازه واردی از قم به نام علی اکبر محمودی شیرازی تشکیل شده است) اعضاء گروه ایثار (گروهی با مشخصاتی بیش و کم شبیه گروه النصر که با هدف مبارزه با نیروهای پیشرو و مترقی ایجاد شده است) ... خشم و بیاس عارض می شود.

تحصن اعضاء و هواداران کانون فرهنگی عرب وارد هشتمین روز خود می شود و نسبت به روزهای قبل عده بیشتری از نیروهای عرب باز آن حمایت می کنند.

همچنین تحصن اعضاء و هواداران کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون خرمشهر نیز وارد سویمین روز خود می شود و زمینه برای صف آرائی بیشتر و بیشتر نیروهای سیاسی و توده های عرب و غیر عرب فراهم می شود.

روز سه شنبه هفتم خرداد

ساعت ۹ صبح در حدود سه هزار نفر از اهالی شهر (عمدتا از میان کسبه، پیشه وران، بازاریان و تجار) به دعوت کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر به طرفداری از "مدنی" استاندار خوزستان دست به راهپیمایی می زنند. این راهپیمایی به دنبال پخش شایعه ای بود مبنی بر تغییر مدنی از سمت استانداری خوزستان و جانشین شدن یکی از افراد مورد نظر شیخ محمد طاهر به این سمت.

در این راهپیمایی شعارهایی علیه تجزیه طلبان، شیوخ مرتجع و کمونیست ها داده می شود و قطعه نامه ای ضمن محکوم کردن سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان و کانون فرهنگی عرب، خواستار انحلال این فزاع و خلع سلاح افراد سازمانهای غیر مسئول و دستگیری و مجازات مسیبین و عاطمین حمله و آتش سوزی ستاد پاسداران انقلاب اسلامی و کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر می شوند.

این راهپیمایی از جلو مسجد جامع (محل تحصن طرفداران کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر) و بازار "صفا" (پایگاه اصلی نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی و امام) شروع می شود و در یکی از خیابانهای نزدیک به مرکز شهر خاتمه می یابد. در این راهپیمایی و همچنین در قطعه نامه آن کمترین اشاره ای به حقانیت اعراب در طرح حقوق ملی و قومی خود نمی شود و عملا جریانهای سیاسی خلق عرب "تماما" ضد خلقی و ضد انقلابی معرفی می شوند و فعالیتهای آنان به سود ضد انقلاب، استعمار و ارتجاع، قلمداد می شود. این راهپیمایی خشم بسیاری در توده های عرب ایجاد می کند. شرکت کنندگان در راهپیمایی مزبور را به طور عمده افراد غیر عرب تشکیل می دهند. این راهپیمایی همچنین از آنجا که به هواداری از مدنی انجام شده است و اختلافات شیخ محمد طاهر با مدنی زیانزد خاص و عام است، عملا حرکتی در جهت مخالفت بی پرده با شیخ محمد طاهر محسوب می شود. راهپیمایان سعی کرده بودند یکی از رهبران مذهبی بغایت مرتجع و سرسپرده و فاسد عرب به نام شیخ شبر (۵) را که رقیب محلی شیخ محمد طاهر محسوب می شود ولی فاقد حیثیت و اعتبار اجتماعی است با خود همراه کنند ولی نامبرده با تمارض از همراهی با آنان خود داری می کند.

مقارن انجام این راهپیمایی، در حدود ساعت ۱۱ صبح عده ای جوان عرب مسلح به اسلحه سرد (چاقو و دشنه) به در ورودی فیلیه (یکی از درهای ورودی اداره بندر خرمشهر در قسمت شمال غربی شهر و در حاشیه ساحل شرقی شط العرب) مراجعه می کنند و بعنوان کارگر استیو دورینگ (یکی از شرکت های پیمانکاری که قریب ۴۰۰۰ کارگر دارد) قصد ورود به داخل محوطه بندر را دارند. دونفر از پاسداران

مسلحی که از روز قبل به عنوان کمک به گارد ثابت بندر و ظاهرها به درخواست رئیس اداره بندر (مهندس دیده ور) در این قسمت مستقر شده بود - از آنها تقاضای "پاس" (ورقه عبور) می کنند. افراد مسلح مدعی می شوند که ورقه عبورشان در دست سرکارگزاران که روی اسلحه است می باشد و چنانچه به آنها اجازه داده شود، آن را پس از ورود از سرکارگر مزبور گرفته، ارائه خواهند داد. مذاکرات به این ترتیب به مشاجرات تبدیل می شود.

افراد به ظاهر کارگر، پاسداران را کاملا در محاصره خود می گیرند و وقتی که یکی از مامورین ثابت گارد گمرک برای اطلاع از چگونگی موقوف به آنها نزدیک می شود، او را هم محاصره کرده اسلحه گمرکیش را سرعت از او می گیرند و پس از تیراندازی به او یکی از پاسداران دیگران رانیز خلع سلاح می کنند. (به این ترتیب دو قبضه یوزی و ژ-۳ بدست می آورند) و سرعت متواری می شوند.

لازم به تذکر است از آنجا که اداره بندر خرمشهر و بخصوص فیلیه در محاصره نخلستانهای خرماست و از مناطق حومه ای کاملاً عرب نشین محسوب می شود، تعقیب و دستگیری حمله کنندگان در آن زمان عملاً غیر ممکن است.

در این حادثه مامور گارد ثابت گمرک و یکی از پاسداران به قتل می رسند و چند نفر نیز زخمی می شوند.

کشته شدن یک نفر از افراد گارد ثابت گمرک و اکتش شدید میان سایر افراد گارد که با بدخالت و حضور پاسداران انقلاب در محوطه گمرک و بندر به شدت مخالف بودند، ایجاد می کند و حتی سبب می شود که مهندس دیده ور، مدیر کل گمرک را بازداشت و مغرور کند. (بعنوان مسئول واقعی حادثه ای که در اداره بندر اتفاق افتاده است). استدلال مامورین گارد بر این پایه استوار بود که چنانچه افراد غیر مسئول و ناواردی مثل پاسداران در محوطه بندر و گمرک مداخله نمی کردند باعث تحریک و برخورد نمی شدند و یکی از همقطاران ما کشته نمی شد.

بدنبال این واقعه مامورین گارد گمرک دست از کار می کشند و بعنوان اعتراض سلاحهای خود را تحویل می دهند و متحصن می شوند

ماجرای حمله به در بندر و کشته شدن دونفر پاسدار و مامورین مسلح مناسبی می شود برای گسترش تبلیغات علیه احزاب مسلط و سازمانهای آنها. به این ترتیب در مراسم تشییع جنازه و به خاک سپاری دونفر مزبور سخنرانیهای بسیار تحریک آمیزی ایراد می شود. در این مراسم عده ای از افراد شناخته شده، مرتجع و فاسد، از سایر شهرها نیز می آیند و شرکت می کنند و شخص معروفی به نام علی محمدی که در حمله به ستاد فدائیان در آبادان نیز شرکت داشته است و از مامورین و عاملین شکنجه فدائیان یادداشتی است، در کورستان خرمشهر گوش می کند از این واقعه برای سمیاشی علیه فدائیان استفاده کند. ولی با اعتراض مامورین گارد گمرک روبرو می شود. واقعه حمله به در خروجی بندر به تشکیل جلسه امنیت شهر در فرمانداری منجر می شود. در این جلسه عده ای از روحانیون صاحب قدرت و مرتجع - و در ضمن بدنام - از جمله شخصی به نام محمدی که پرونده تجاوز او به یک دختر خردسال هنوز در دادگستری مفتوح است، معاون استاندار و فرمانده نیروی دریایی خرمشهر، سرگرد خوشنام، که بلافاصله بعد از انقلاب ارتقاء درجه یافته با وجود گذشته تاریک خود به سرهنگ خوشنام تبدیل می شود، فرماندار خرمشهر، یعنی محمد رضا علوی از افراد یکی از خانواده های ثروتمند و مفت خور خرمشهر، شرکت دارند.

همچنین در ابتدای این جلسه سه تن از نمایندگان شیخ محمد طاهر شرکت داشتند که ظاهراً بر سر مسائل مورد اختلاف با آنها توافق می شود، ولی بلافاصله پس از پایان مذاکره با آنان و اطمینان یافتن

از گمراه شدن آنها، طرح تهیه شده قبلی به بحث و تبادل نظر در سطح محدود تر گذاشته می شود و ساعتی بعد به مرحله اجرا درمی آید.

این جلسه بعداً با حضور مدنی تا ساعت ۲ با مداد ادامه می یابد در این جلسه مقدمات و طرح حمله به سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عرب فراهم می شود. این طرح مشتمل بر چند قسمت است و به شرح زیر پیاده و اجرایی می شود:

۱- مسلح ساختن افرادی که بعنوان اعتراض به حضور اعراب و عشایر مسلح در شهر و عدم مجازات مهاجمین به کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون خرمشهر و ستاد پاسداران انقلاب، در مسجد جامع تحصن اختیار کرده اند. - متشکل ساختن تمام نیروهای شبه نظامی شهر، اعم از پاسداران، مامورین کمیته ها و افراد کانون فرهنگی - نظامی، گروه النصر، گروه ایثار، گروه امل ... و قرار دادن کلیه این نیروها تحت فرماندهی مسئولین نظامی کانون فرهنگی - نظامی (که در گذشته نیز نظارت بر کار پاسداران انقلاب از وظایف آنان بوده است).

۲- آماده ساختن این نیروها برای حمله به کانون فرهنگی عرب که عده ای قریب ۳۰ نفر به حالت تحصن در آن جمع شده بودند. این افراد که از نتیجه گزارش سفر شیخ محمد طاهر به قم بسیار خوشحال بودند و احتمال اعمال خشونت و قهر را تا حد زیادی منتفی می دانستند بدون هیچگونه آمادگی و نگهبانی مشغول استراحت بودند.

۳- نقل و انتقال تعداد زیادی از پاسداران که در پایگاه نظامی دزفول تعلیمات می دیدند بوسیله هلی کوپتر و استقرار آنها در همان شهر در محوطه بندر و برخی نقاط حساس، و اعزام بیش از ۴۰۰ نفر از سپاه پاسداران تهران به خرمشهر.

۴- نقل و انتقال نیروهای ارتش بخصوص نیروهای زرهی ارتش از پادگانهای امیر آباد (آبادان) دز (خرمشهر) و هواز بطرف حومه شهر و بخصوص حومه غربی که مرز عراق را تشکیل می دهد.

۵- اعلام آماده باش به نیروهای مستقر در پایگاه نیروی دریایی خرمشهر و مجوز ساختن ناوچه های نیروی دریایی برای مداخله فوری و نیز قطع جریان آمد و رفت از رودخانه و قطع ارتباط دو قسمت شهر.

۶- بستن راههای ورود به شهر بوسیله نیروهای نظامی ارتش.

۷- آماده ساختن نیروهای مسلح شهر بانی که ساختمان آن در مجاورت سازمان سیاسی خلق عرب قرار دارد.

۸- ضمناً برای جلوگیری از واکنش افکار عمومی و با انعکاس نامطلوب غیر در سطح کشور، اتومبیلی را با چند سرنشین از چند خیابان عبوری دهند تا با شلیک تیرهای هوایی، وجود مهاجمین را ثابت کنند، و وانمود شود که طرح قبلی در کار نبوده و صرفاً دفاعی در مقابل عده ای مهاجم صورت گرفته است.

### توضیحات

\* مدنی در مصاحبه ای که با مابخر تلویزیون آبادان در همین شب انجام می دهد، اعلام می کند این واقعه یعنی حمله به بندر خرمشهر جای هیچگونه اغماض و شکیبائی باقی نمی گذارد و به همین علت ما با تمام قوا آنها را سرکوب کرده به کیفر خواهیم رساند. و وعده می دهد که بی درنگ دست آبدی استعمار را از منطقه قطع کرده به آشوب پایان دهد. این مصاحبه در اخبار شب قبل یعنی روز ۵۸/۳/۹ از تلویزیون آبادان پخش شد.

\* افراد متحصن در مسجد جامع آتش میزبان مدنی بودند و استاندار برایشان سخنرانی می کند و سپس کلیه آنها مسلح می شوند. بعداً تحت این عنوان که ما باید به حضور نیروهای استعماری و ارتجاعی و آشوب طلبان و متجاوزین در شهر خاتمه دهیم با سلاحهای تکمه در اختیارشان گذاشته شده بود در حالیکه از زیر قرآن عبور داده می شدند از مسجد خارج می شوند.

\* در تمام طول شب نقل و انتقالات نظامی در شهر صورت می گرفته است و پرواز هلی کوپتر یک آن قطع نمی شده است. هلی کوپترها نیروهای کمکی و تازه نفس را به پادگان "دز" و ستاد یوم شهر انتقال می دادند.

\* به پایگاه نیروی دریایی از شب قبل آماده باش داده شده است.

\* کلیه این اقدامات در حالی انجام می شود که شیخ محمد طاهر و نزدیکان او تصور می کنند که مذاکراتشان برای خلع سلاح و اصلاحات و تغییرات به نتیجه رسیده و احتمالاً روز بعد قادر هستند بسیاری از برنامہ های خود را عملی کنند.

ادامه این مطلب در شماره آینده به چاپ خواهد رسید



## حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی



### جلوگیری از تجاوز به دهقانان و

## زحمتکشان روستا، وظیفه دولت است

مقروض بودند. سه سال قبل زمینهای ده ربه ۴۰۰ سهم تقسیم کردند ولی موقعی که ماموران اصلاحات ارضی برای تقسیم زمین آمدند، ارباب ده بنام فتح اله خان سرتیپی بارشوه دادن به ماموران، زمینها را ۶۰ سهم قید کرد که ۲۰ سهم فقط روی کاغذ وجود داشت و واقعیت خارجی نداشت و این حیل سه ۳۰۰ سهم زمین را برای فروش خود و دهقانان تقسیم کرد که درحقیقت ۱۰۰ سهم بین کشاورزان بی زمین تقسیم شد که بعدا نیز یک چهارم آن را مالک بعنوان حق مالکیت برداشته و فقط ۷۵ سهم به ۳۰۰ خانوار اهل ده رسید.

از زمانیکه کمیته ها تشکیل شده است، ارباب با کمک رئیس کمیته و رئیس زاندارمری بخش ۷۵ سهم را نیز از کشاورزان گرفته است، ولی دهقانان بیکار ننشستند، با شکایت آنان دوبار مالک دستگیر شد ولی هر بار پس از دو ساعت آزاد شده است. ارباب برای تهدید و تجاوز بیشتر به کشاورزان با بکارگرفتن عده ای مزدور مسلح، شبها به خانه روستائیان حمله کرده و با دستبند و کوفتندگی و اموال آنان به نامنسی، دامن می زند. روستائیان در اعتراض به این اعمال پلیدیکبار به مسجد مرکزی شهرستان آمده و در آنجا متحصن شده اند ولی فرماندار شهر سراسکند با تهدید و توهین و همچنین به اتهام اینکه شما کمونیست هستید و اعمال شما ضدانقلابی است، بزور آنانرا از مسجد بیرون کرده است. پس از اینکار بگفته روستائیان و شایعات پراکنده در روستا، مالک به رئیس کمیته و رئیس زاندارمری مبلغ ۷۰ هزار تومان پول داده و چند نفر از سربازان به حکم رئیس کمیته به ده رفته و ۲۰ نفر از پیش سفیدان و معتمدین ده را دستگیر کردند و به بهانه آشتی دادن با مالک به تبریز بردند. اما در تبریز آنان را به زندان انداختند که ۲ نفرشان از زندان موفق به فرار شده و به ده خیر آوردند.

روستائیان وقتی از موضوع باخبر می شوند طی اعلامیه ای خواستهای خود را نوشته و به قصد تحمیل به استناد آری تبریز می روند که با مخالفت ماموران در استانداری روبرو می شوند. در عوض

در اغلب نقاط مهربان، تجاوز به مال و جان کارگران و دهقانان محروم و زحمتکش، از طرف زمینداران و سرمایه داران غارتگر همچنان ادامه دارد و دولت هم به هیچ وجه اقدامی در جهت قطع دست این متجاوزین و جلوگیری از ایجاد ناامنی و آشوب، بخصوص در مناطق روستائیان بعمل نیاورده است و عجیب تر آنکه دیده می شود در مواردی دولت و بعضی از کمیته ها خود در تشدید این قبیل آشوبها نقشی داشته اند.

در بعضی نقاط، کشاورزان بی زمین و آنهاییکه تکه زمین کوچکی در اختیار دارند و هیچگاه کفاف زندگی بخواهند و نمیشان را هم نمی دهد مورد هجوم عوامل سرسپرده زمینداران قرار می گیرند. کشاورزان زحمتکش و محروم، همیشه چه در گذشته و حال، با توطئه و تیرنگ مواجه با چنین تحریکاتی می شوند. از حملات شبانه به کله و مزه و مناسل روستائیان گرفته تا ایجاد اختلاف و تفرقه بین آنان هر روز بشکلی در گوشه و کنار مهربان جریان دارد. اما در برابر این توطئه و تفرقه ها کشاورزان ستمدیده و محروم، در پاره ای مناطق اقدام به ایجاد شوراهای روستائی کرده اند. شوراهای دهقانان علاوه بر ایجاد یک پارچگی و وحدت در بین روستائیان و قطع دست زمینداران بزرگ و عوامل وابسته به آنان، در تأمین حقوق واقعی کشاورزان بی چیز که در دوران رژیم غارتگر سابق مورد استثمار و حشایش قرار گرفته اند تلاش همه جانبه ای کرده و در بهره برداری اصولی زمین های زیر کشت که بناحق به وسیله غاصبین زمیندار بوده شده بود فعالیت عمده ای داشته اند. در زیر به یکی از چندین نمونه ای توطئه های زمینداران و مرتجعین محلی که در روستای قزل آباد هشتروند اتفاق افتاده می پردازیم.

روستای قزل آباد هشتروند در ۵۰ کیلومتری مرکز شهرستان قرار دارد که بعلاوه خرابی جاده و ناهموار شدن آن بخصوص در فصل زمستان عبور و مرور در آن باسب و پایباده صورت می گیرد. در این ده حدود ۳۰۰ خانوار زندگی می کنند که تقریباً همگی آنان کشاورز هستند و تقاضای محال هر کدام تکه زمین کوچکی داشتند که بابت آن به اداره تعاون روستائی

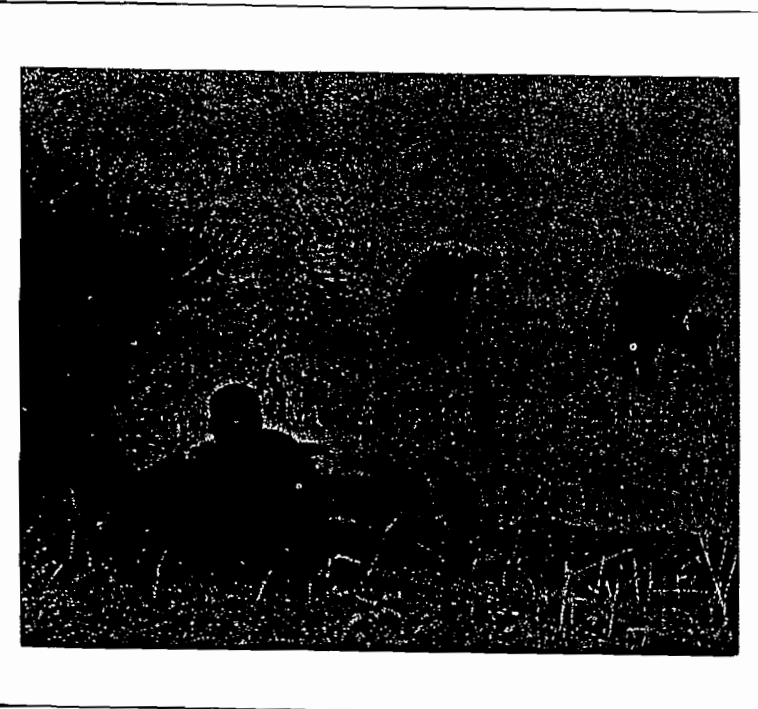
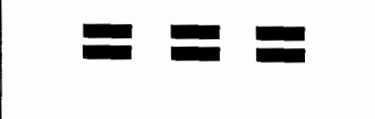
### خواسته های دهقانان ساران دماوند

روستائیان ساران دماوند طی نامه ای که برای نشریه کار ارسال داشته اند خواسته های خود را از دولت موقت چنین مطرح کرده اند:

بسم الله تعالی

انقلاب تاریخی و عظیم ایران که بر رهبری زعیم عالیقدر امام خمینی و به همت مردم غیور ایران به وقوع پیوست بساط ظلم و جور و ستم طاغوتی را درهم شکست. در ساران دماوند که منطقه ای صادراتی از قبیل قیسی و گردو و برگه است می باشد هشت سال قبل شرکت ذوب فلزات وابسته به وزارت صنایع و معادن، بهره برداری از معادن گچ را شروع نمود و چون معادن مشرف به آبادی بود در اثر انفجار دینامیت ضمن سروصدای بسیار زمین لرزه مصنوعی که باعث خرابی خانه های مسکونی گردید و پرتاب سنگ گچ به داخل آبادی آسایش مردم را از بین می برد و گرد و خاک حاصله از این معدن و ترند که کامیونها باعث از بین رفتن باغات گردیده است و در آن زمان که منابع سرشار این قریه به بیغمانی رفت و چپاولگران مشغول چپاول حقوق حقه ما بودند به مقامات مسئول آنزمان شکایت نمودیم ولی چون زمان طاغوت بود و عوامل مسلح مخرب حقوق حقه ما را با خیال کردند. اینک در پرتو تعالیم عدل اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران استدعا داریم

همه در پیاده رو جلو استانداری بروی زمین می نشینند. پس از یک ساعت سه نفر برای صحبت با معاون استاندار انتخاب می شوند. پس از گفتگو با معاون استاندار آنان می گویند تا بر آوردن خواسته هایمان دست از تحمیل بر نمی داریم. معاون استاندار به آقای مدنی نماینده امام در تبریز تلفن می زند و مراتب را گزارش می دهد و آقای مدنی روستائیان را می خواهد تا به درخواستشان جواب دهد کشاورزان نمی روند و می گویند که ما سه نفر می فرستیم تا جواب بیاورند و سه نفر می فرستند که چند لحظه بعد شخصی که خود را نماینده قاضی، رئیس کمیته تبریز معرفی می کند به جمعیت اعلام می کند که نمایندگان شما به جریمه ضدانقلابی بودن بازداشت شدند. این شخص بقیه متحصنین را هم تهدید به بازداشت می کند که کشاورزان فریاد می زنند که ما همه حقمان را می خواهیم ما را یکشود و احترام کنید. یکی از روستائیان می گوید که ما تا رسیدن به خواسته هایمان تا پای جان مبارزه خواهیم کرد. نماینده قاضی می گوید همگی شما کمونیست هستید، کشاورزان که حدود ۵ نفر بودند فریاد می زنند بله ما همه کمونیست هستیم و نماینده قاضی کمی نرم شده و می گوید دو نفر بمانن بیاید تا بازداشتی هایمان را آزاد کنیم. در طول راه به روستائیان می گوید مالک شکایت دارد که شما درختهای را بریدید و فرشتهای خواهش را بردید. در جواب روستائیان می گویند شما بیاید که ده سینه که ما از ترس افراد مسلح ارباب اصلا از کنار دیوار خانه اش هم می توایم بگذریم؟ پس از آزادی زندانیان کشاورزان باز هم به اعتراض خود در جلوی استانداری ادامه می دهند که زمینهای ما را پس بدهید و ارباب را زنده اخراج کنید. که آقای اله و ۲ نفر کارشناس اصلاحات ارضی به ده می فرستند تا نیروی مسلح ارباب را از ده خارج کند و زمینها را میان دهقانان تقسیم نماید.



۵- آزاد نمودن چهار زندانی که بوسیله کمیته سلمان در اختیار افراد ناباب و غیر مسئول قرار گرفته است.

۵- آزاد نمودن چهار زندانی بی گناه آبادی های سیلاب و شورک. ۶- جمع آوری اسلحه های دولتی

## تشکیل اتحادیه شوراهای عالیترین شکل همبستگی دهقانان

۱- تشکیل اتحادیه شوراهای روستائی ایکور سفلی، ایکور علیا، قزلج (بشمک)، ایمر، محمد قلی آخوند، کوچک یوردی شیخان (حجر) گدایچه با یلوهر ۳ ساعت بعد از ظهر روز ۵۸/۳/۱۲ در محفل شورای دهقانی روستای ایکور سفلی تشکیل شد.

در این جلسه ابتداء مورد اتحادیه شوراهای تاریخیچه شورا و اینکه شوراهای تبلور اتحاد زحمتکشان روستائی است، سخن به میان آمد و گفته شد: "تشکیل اتحادیه شوراهای همبستگی در این منطقه ضروری است که ملاحظه می کنیم اولین فایده اش این است که با یکدیگر آشنا شده و با گرد هم آیی در یک محل همبستگی ما را بیشتر می شود آنگاه از شورای ایکور سفلی اتحادیه ای ایجاد کردیم و چونکی همکاری شوراهای برخی مثالها در مورد نحوه عملی این همکاری سخن گفت و مطرح کرد که کمیابین شورای دوزول چه "که تاکنون تعمیر نشده در صورت وجود ارتباط بین شوراهای اراحتی با کمک شورای ایکور سفلی تعمیر می شود. نتایج اولین نشست اتحادیه شوراهای یاد شده بصورت ذیل خلاصه می شود:

۱- تشکیل اتحادیه در حضور نمایندگان شوراها صورت جلسه شد.

۲- هر یک از شوراهای عضو و نفررا بعنوان نماینده روستاهای خودشان در اتحادیه معرفی نمایند.

۳- بعلت زیاد بودن کار در فصل درو قرار بر این شد که جلسات مشترک اتحادیه بعد از این، هفته ای یکبار در روزهای جمعه تشکیل شود.

۴- برای آشنایی نزدیک با روستاهای دیگر پیشنهاد شد که فعلا هر هفته در یکی از روستاها جلسه تشکیل شود. در صورت لزوم می توان جای مشخصی و ثابتی برای اتحادیه در یکی از روستاها تعیین کرد.

۵- در طول هفته هر یک از شوراهای باید گزارش کار مختصری تهیه بکنند و در مورد فعالیت خود به سایر شوراهای آگاهی بدهند تا هر یک از شوراهای بتوانند از تجربیات یکدیگر استفاده نمایند.

۶- مشکلاتی که در طول هفته برای هر یک از شوراهای پیش آمده و قابل طرح در اتحادیه باشد جهت تصمیم گیری و حل مسائل در نشست مشترک اتحادیه مطرح گردد.

۷- در موارد بسیار ضروری میتوان اتحادیه را بنا به درخواست شوراهای عضو به جلسه فوق العاده دعوت نمود.

### توطئه و تحریک عوامل ارتجاع

در سلماس

سلماس - خبرهایی که از سلماس می رسد حاکی از این است که جنگ افروزان نفعه جهت رودرو قرار دادن خلقهای ترک کرد، سنی و شیعه، این بکار سلماس را انتخاب کرده اند. پیرو خبرهای مندرج در شماره قبل در مورد این تحریکات که عمدتاً از جانب کمیته اسلامی سلماس و خوی صورت می گیرد خبرهایی رسیده مبنی بر اینکه همزمان با یورش کمیته سلماس به سیلاب و کشتن یک پیر مرد ۸۰ ساله در آنجا، شیخ حسین بست شکن عضو کمیته انقلاب اسلامی خوی هم به منطقه تظور حمله برده و دو نفر به نامهای نورالدین بدوی و قنبر فرزند احمد ساکن آبادی بزدگان ربه قتل می رساند.

کردهای شهرستان سلماس و حومه - برای جلوگیری و خنثی کردن چنین توطئه هایی خواسته های زیر را به استاندار آذربایجان غربی پیشنهاد کرده اند:

۱- مشخص نمودن اختیارات کمیته انقلاب اسلامی در سلماس و عدم دخالت آنها در امور قضائی شهر و حومه.

۲- شرکت دادن نمایندگان افراد شهرستان سلماس و حومه به نسبت جمعیت در کمیته انقلاب اسلامی مشترک در سلماس.

۳- پرداخت حقوق کافی به ماموران اکراد در پاسگاههای منطقه که نشین تاروشن شدن مساله خود مختاری کردستان.

۴- تصفیه و مجازات عناصری که در رویدادهای دوازدهم خرداد منطقه سیلاب شرکت داشتند.

### کشاورزان ایلخچی چه می خواهند

کلیه ای ۴۵۰ ریال را تا ۹۰۰ ریال تهیه می کردند ولی باز مانده کثیری از کشاورزان بالاچار دست روی دست گذاشته و منتظر نشسته بودیم و همگی این سوال را می کردیم که آیا کود در سطح کشور کم است و یا اصلاً کود وجود ندارد؟ پس فروشندگان آزاد، کود را از کجا تهیه و با قیمت های گزاف به فروش می رسانند؟ پس چرا دولت و سایر مقامات با اجافات این قبیل افراد مبارزه نمی کنند در صورتیکه خود به وجود چنین افراد واقفند؟ عده ای از کشاورزان به هرترتیبی که بود کود تهیه کرده اند ولی اکثریت بدون کود و پول مانده ایم. با توجه به وضع بد محصولات در بازار، مخصوصاً پارسال، دیگر آهی در سناط نیست و حال نمی دانیم که چه کنیم. دو نفر به عنوان اینکه از تهران فرستاده شده اند قول دادند در اربع وقت به ایلخچی آمده وضع کود و سایر احتیاجات ما بررسی کرده و اقدام به حل این مشکلات بکنند ولی این نیز فقط در حد حرف مانده است.

اگر به درد ماکشاورزان اینچنین برسند، معلوم است که وضع کشاورزی ما اسفناکتر از این خواهد شد. ما اصلاً نمی فهمیم پس اینهمه شهید خونشان چه شده تا حال که هیچ عمل انقلابی از این دولت ندیده ایم. ورزقه تقاضای کود در اداره کشاورزی و در استانداری موجود است، منتهی اگر تا حال پاره نکرده باشند.

کشاورزان ایلخچی

برای ماکشاورزان دیگر کسی وجود ندارد که حامی و پشتیبانمان باشد دیگر مکانی در شهر تبریز نمانده است که جهت کمک و یاری در جهت تأمین کود شیمیائی مورد نیاز خودمان بدانجا مراجعه کنیم و حال از آن روزنامه می خواهیم هر آنچه در این مورد بسمرا آمده است چاپ کنند تا دیگر کشاورزان و سایر زحمتکشان بدانند که دولتی که خود را حامی مستضعفان می داند تا چه اندازه به درد کشاورزان می رسد.

ماکشاورزان، مانع دیدگان، ماطبقه محروم از تمام مزایای زندگی، امسال برای احیای کشاورزی مملکت خود را موظف دانستیم که در راه به ثمر رساندن انقلاب سهمی داشته و به سازندگی جامعه کمک نماییم و به همین خاطر در صد در صد نیازها و موانع راه کشاورزی شدید و چون از نظر کود شیمیائی در مصیقه بودیم و فروش آزاد کود به قیمتی بود که اکثر ما قادر به تهیه آن نبودیم، در تاریخ ۵۸/۱/۲۴ طوماری که امضاء و اثر انگشتمان بر آن بود تهیه کرده و از مقامات مسئول خواستیم که ما را در امر کشاورزی یاری کرده و کود مورد نیاز ایلخچی را از زانتر و بالااقل به بهای سالهای قبل تأمین نمایند ولی بعد از بارها مراجعات بی دردی به استانداری، اداره کشاورزی، بخش کود نتیجه ای عایدمان نشد و هر یک از موسسات مارابه دیگری پاس دادند. بالاخره قبول کردند که از طریق شرکت تعاونی کود مورد نیاز ما را تأمین نمایند و مانع از قبول نمودیم در ضمن می دانستیم که ای سالهای نیل مقدار قابل توجهی کود در انبار شرکت تعاونی موجود است ولی همین کار را نیز نکردند و کشاورزان با قرض و غیره کود

# کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزو دیه



# درباره حزب طبقه کارگر

(۹)

## سازماندهی زنان

در شماره گذشته درباره سازماندهی جوانان صحبت کردیم و اهمیت متشکل کردن توده‌های وسیع جوانان و بالا بردن آگاهی سیاسی آنان و نقش شان را در انقلاب توضیح دادیم. در این شماره می‌خواهیم درباره نقش زنان در انقلاب و ضرورت سازماندهی زنان صحبت بکنیم. زنان همپای تاریخ طبقات نقش مهمی در تغییرات اجتماعی ایفا کرده‌اند. نقش و اهمیت شرکت زنان در انقلاب نه تنها تاریخ تمام جوامع، بلکه مبارزات اخیر در ایران نیز بروشنی نشان داده است. زنان قهرمان ایران دوش بدوش مردان، با شرکت در اعتراضات، تظاهرات و در قیام، رژیم

دشمن را در مبارزات وسیع و بالا بردن آگاهی سیاسی آنان و نقش شان را در انقلاب توضیح دادیم. در این شماره می‌خواهیم درباره نقش زنان در انقلاب و ضرورت سازماندهی زنان صحبت بکنیم. زنان همپای تاریخ طبقات نقش مهمی در تغییرات اجتماعی ایفا کرده‌اند. نقش و اهمیت شرکت زنان در انقلاب نه تنها تاریخ تمام جوامع، بلکه مبارزات اخیر در ایران نیز بروشنی نشان داده است. زنان قهرمان ایران دوش بدوش مردان، با شرکت در اعتراضات، تظاهرات و در قیام، رژیم

## ● بدون شرکت زنان، جنبش‌های وسیع در تاریخ امکان پذیر نبوده است

دیکتاتوری شاه را سرنگون کردند. چگونگی سازماندهی و متشکل کردن زنان و شرکت آنان در انقلاب پیروزی یاشکت یک انقلاب را تعیین می‌کند. لنین درباره اهمیت و نقش زنان در انقلاب می‌نویسد: "هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت واقعی زنان به پیروزی نرسیده است". در تاریخ، هیچ یک از جنبش‌های وسیع ستمکشان بدون شرکت زنان به حرکت در نیامده است. نقش زنان در تحولات اجتماعی کمتر از مردان نبوده است. سازماندهی زنان از وظایف اساسی حزب طبقه کارگر و با سازمان مارکسیست - لنینیست است. البته وقتی از سازماندهی زنان صحبت می‌کنیم منظورمان زنانی است که بنابه پایگاه طبقاتی شان در انقلاب شرکت می‌کنند. زنان از آنجاکه متعلق به اقشار و طبقات مختلف هستند همانطور که در انقلاب شرکت کرده و نقش بااهمیتی داشته‌اند. در صف ضدانقلاب هم قرار گرفته و نقش ضدانقلابی هم داشته‌اند، بدون شبهه زمانی که در صف ضدانقلاب قرار گرفته‌اند، بنابه پایگاه طبقاتی شان عهده دار جنبش و وظیفه‌ای بوده‌اند. یعنی آنها متعلق به طبقات ارتجاعی جامعه بوده‌اند. البته در مواردی حتی بخشی از زنان زحمتکش به ویژه زنان خرده بورژواژا زمانیکه از طرف نیروهای انقلابی سازماندهی و رهبری نشده‌اند، توسط نیروهای ارتجاعی سازماندهی شده و تحت نفوذ قرار گرفته‌اند و آلت دست ارتجاع تبدیل شده‌اند و به همین دلیل است که سازماندهی توده‌های وسیع زنان از وظایف اساسی حزب طبقه کارگر است و اگر در این وظیفه اهمال شود زنان توسط بورژوازی در خدمت سیاست‌های ارتجاعی قرار می‌گیرند.

زنان در جوامع طبقاتی نه تنها مثل همه اقشار و طبقات تحت ستم، استثمار می‌شوند، بلکه علاوه بر ستم طبقاتی، ستم افزون تری را بخاطر زن بودنشان تحمل می‌کنند. آنان نه تنها مانند دیگر برادران کارگر، دهقان و زحمتکش خود از حقوق اجتماعی محرومند، بلکه از همان حقوقی که برادرانشان از آن برخوردارند نیز محروم‌اند. زنان نه تنها در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بلکه در زمینه اقتصادی نیز در سطح پایین تری از برادرانشان نگهداشته شده‌اند. بر خورداری زنان از حقوق مساوی با مردان البته در جامعه طبقاتی ممکن نیست و تنها در جامعه‌ای واقعاً دموکراتیک که به سوسیالیسم منجر می‌شود است که زنان نه تنها از حقوق برابر با مردان بلکه از کلیه حقوق اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی انسانی برخوردار خواهند شد. و بدین جهت است که مبارزه برای تساوی حقوق زنان با مردان درگرو نابودی استثمار انسان از انسان قرار می‌گیرد.

باید جنبش همواره بخاطر داشته باشیم که بدون جلب توده‌های وسیع زنان زحمتکش، به مبارزه هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید.

بدون شرکت زنان در مبارزه انقلابی، انقلاب دموکراتیک در جامعه ما به پیروزی نمی‌رسد و گذار به سوسیالیسم هم ممکن نخواهد شد. رفیق استالین درباره اهمیت نقش زنان می‌نویسد: "زنان زحمتکش تنها یک نیروی کمکی را تشکیل نمی‌دهند. آنها در نتیجه سیاست صحیح طبقه کارگر، می‌توانند شرکت واقعی طبقه کارگر در نبرد بر علیه بورژوازی باشند و خواهند شد."

## اقتصاد سیاسی

# تبدیل پول به سرمایه

## "ارزش نیروی کار و کالا"

دیگر وجود دارد. یعنی اگر ارزش کالا را صرفاً براساس کار اجتماعی لازمی که صرف تولید آن شده بود تعیین می‌کردیم، حالا برای تعیین ارزش کار، تنها این عامل را کافی نمی‌دانیم بلکه یک عنصر تاریخی با عامل معنوی هم در آن دخالت می‌دهیم. به این عبارت که هرچه جامعه تکامل یافته تر باشد، هرچه جامعه از نظر رشد نیروهای مولده پیشرفته تر باشد، ارزش نیروی کار به همان نسبت بیشتر است و می‌تواند استثمار شدیدتر، چون با پیچیدگی در امر تولید نیازهای کارگران هم شکل پیچیده تری پیدا می‌کند، به این معنی عبارت که هرچقدر ماشین آلات صنعتی تکامل یافته تر می‌شود از یک طرف کارگران در زمان کار معین کالاهای بیشتری تولید می‌کنند در نتیجه بیشتر استثمار می‌شوند و از طرف دیگر خود افزایش تولید کالا نیاز کارگران را در درجه بالاتر قرار می‌دهد.

در شماره قبل گفتیم ارزش هر کالا برابر است با مقدار کار اجتماعی لازم برای تهیه آن. حالا ببینیم ارزش نیروی کار چگونه تعیین می‌شود؟ ارزش نیروی کار نیز مانند هر کالای دیگر، بر حسب زمانی که برای تولید و همچنین برای تجدید تولید یک کالای معین لازمست تعیین می‌شود. بنابراین قبل از اینکه بدانیم ارزش نیروی کار چگونه تعیین می‌شود، اول باید ببینیم این نیروی کار چگونه به وجود می‌آید؟ مارکس می‌گوید:

نیروی کار دهن توانائی شخص زنده است، بنابراین تولید آن مستلزم وجود آدم زنده است. یعنی شخصی باید وجود داشته باشد که بتواند توان خود را با انرژی خودش در اختیار تولید بگذارد. بکار بگیرد و کالای تولید کند. مثلاً کارگری که در معدن سنگ کاری می‌کند و با ضربات پتک، سنگها را از بطن کوه جدا می‌نماید، مقدار زیادی نیرو صرف می‌کند، مقدار زیادی از انرژی خود را از دست می‌دهد و بایقول معروف خسته می‌شود.

حالا این کارگر باید بتواند مقدار نیروی کار که در معدن صرف کرده است دوباره جبران کند و گرنه فردای آن روز نمی‌تواند پتک را بلند کند. کارگر در هنگام کار عضلاتش خسته می‌شود، مغز او اعصابش خسته می‌شود، پس برای روز بعد باید بتواند همه اینها را ترمیم کند و نیروی کار مصرف شده را دوباره باز یابد تا بتواند توانائی و سلامت لازم برای کار در درفادهای دیگر را داشته باشد. کلیه وسائلی که لازم است تا این کارگر بتواند نیروی ارادت رفته خود را دوباره بدست بیاورد، ارزش نیروی کار نامیده می‌شود. درست تر بگوییم ارزش نیروی کار کارگر برابر است با مجموع وسایلی که یک کارگر لازم دارد تا بتواند نیروی ارادت رفته خود را دوباره بدست بیاورد و باقی بگذارد.

بعنوان مثال نیازهای یک کارگر را در ۵ سال پیش در نظر بگیرید و آنرا با مایحتاج امروزی اش مقایسه کنید، می‌بینید وسائلی مانند یخچال هنوز جز ضروریات زندگی نبود و نداشتن آن مسئله‌ای ایجاد نمی‌کرد، اما حالا از ضروریات زندگی هر انسان شده است، چرا که نحوه زندگی و ذخیره غذایی در سطح اجتماعی طوری تغییر کرده است که اگر یک کارگر یخچال نداشته باشد قطعاً همیشه با خطر سمومیت غذایی روبرو خواهد بود. یا مثلاً در شهرهای مثل تهران که ۵ سال پیش اصلاً آب لوله کشی وجود نداشت، سیستم آبرسانی آنچنان بوده که صد هزار نفر می‌توانستند زندگی کنند اما حالا حتی یک خانواده هم بدون آب لوله کشی زندگی اش در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد. و یا مثلاً در شرایطی که ۹۰ درصد جمعیت کشور بی سواد بودند شاید مسئله تحصیل چندان جدی نبود.

## ● ارزش نیروی کار کارگر برابر است با ارزش مجموعه وسائلی که یک کارگر لازم دارد تا بتواند نیروی ارادت رفته اش را تامین کرده و بقاء خود را حفظ کند

بنابراین کارگر برای جبران نیروی کار از دست رفته خود احتیاج به غذا و خوراک دارد، اما تنها خوراک نیست که بقای کارگر را حفظ می‌کند، بلکه مجموعه حوایج و نیازهای دیگری است که کارگر می‌تواند با استفاده از آنها به زندگی خود در وضعیت عادی ادامه دهد. کارگر احتیاج به پوشاک دارد، احتیاج به مسکن دارد، تفریح می‌خواهد باید زندگی خانواده اش را بگذراند، احتیاج دارد که بچه‌اش را به مدرسه بفرستد، تعلیم و تربیت فرزندانش را تامین کند، وسائلی مطالعه خودش را تهیه کند و بسیاری نیازهای دیگر.

گفتیم مجموعه حوایج و نیازهای زندگی که انسان برای بقاء خود به آن نیازمند است ارزش نیروی کار را تشکیل می‌دهد. اما مجموعه این نیازها در تمام کشورهای و در تمام نقاط جهان یکسان نیستند، این نیازها براساس موقعیت تاریخی، شرایط اقلیمی و ویژگیهای طبیعی متفاوت هستند. مارکس می‌گوید:

"نیازهای زندگی ضروری انسان و همچنین نحوه برآوردن آنها خود یک محصول تاریخی است و بیشتر با درجه تمدن یک کشور و بطور مشخص تر با این امر که طبقه کارگر آزاد تحت چه شرایطی و با چه عادت و خواسته‌هایی همیشه بوجود آمده است بستگی دارد" می‌بینیم که یک تفاوت بزرگ بین تعیین ارزش نیروی کار و ارزش کالاهای

به حساب نمی‌آید. اما حالا می‌بینیم که بی‌اطلاعتترین آدمها هم می‌دانند که اگر فرزندانشان را به مدرسه نفرستند در مسائلی تولیدی امروزی نمی‌توانند نقش فعالی داشته باشند. همچنین از نظر موقعیت تاریخی اگر تفاوت زندگی در دوره فتوئالی را با حال در نظر بگیریم به بالا رفتن هرچه بیشتر نیازهای ضروری و حیاتی زندگی می‌برده و می‌فهمیم که چگونه نیازهای اجتماعی و معنوی که از نیازهای اجتماعی بالا خواهد رفت، و چرا دیگر امروز کارگر نمی‌تواند بدون یخچال، بدون آب آشامیدنی، بدون مسکن، بدون بهداشت و بدون تامین هزینه تحصیلی فرزندانش زندگی کند. پس به این ترتیب حوایج و نیازهای زندگی همیشه یکسان نبوده و دائماً در حال تغییر و افزایش است. بدین معنی که در جریان تکامل جامعه، سطح نیازهای زندگی کارگر نیز تغییر می‌یابد و این تغییرات نیز در کشورهای مختلف با هم تفاوت دارند. مثلاً سطح رشد زندگی کارگران ایرانی، پاکستانی، برزیلی یا کارگران آمریکائی، آلمانی ژاپنی و سوئیسی و غیره متفاوت است. نکته بسیار مهم در تعیین ارزش نیروی کار این است که سرمایه داران تلاش می‌کنند تا آنجا که امکان دارد ارزش "سطح حداقل معیشت" را پایین نگه دارند. زیرا هرچقدر این ارزش پایین باشد از یک طرف "ارزش نیروی کار" پائین بوده و مزد کمتری برای آن پرداخت

می‌کنند و از طرف دیگر هرچقدر مزد کمتری به کارگر پرداخت کنند، به همان نسبت "ارزش" خلق شده توسط کارگر بیشتر می‌شود. بخصوص در کشورهای وابسته مثل کشور ما که حکومت‌های دیکتاتوری خود مانع بزرگی در مبارزات حق طلبانه کارگران به حساب می‌آیند فشار سرمایه داران بیشتر بوده و در نتیجه سطح این نیازهای پائین نهایت پائین می‌باشد. این است که کارگر ایرانی اگر حقوق یک عمرش را هم بگذارد نمی‌تواند یک خانه بخرد و بایقول کارگری که نامش در نشریه کار شماره ۱۴ به چاپ رسیده کارگر در ماه یک کیلو گوشت می‌خورد، سال تا سال رنگ میوه را نمی‌بیند و از ضروری ترین وسائل زندگی محروم است. "وسائلی لازم زندگی نه تنها توسط سطح تکامل نیروهای مولده بلکه بویژه توسط مبارزه طبقاتی تعیین می‌شود". به این ترتیب که مبارزه کارگران برای دست یابی به سطح بالاتری از حوایج و نیازهای زندگی، و مقاومت کارفرمایان برای هرچه پائین نگه داشتن آن تضادی است که در کل جریان تولید همواره تشدید می‌شود. یعنی کارفرما برای بدست آوردن ارزش اضافه بیشتر تلاش می‌کند، مزد کمتری به کارگر پرداخت کند و کارگر نیز برای اینکه قادر به خرید کالاهای مورد لزوم خود باشد می‌کوشد تا نقد دریافت کند که این امر امکان پذیر باشد. بدین جهت کارگران وارد مبارزاتی برای ارتقاء دستمزدها و خواسته‌هایشان می‌شوند و از طریق ایجاد سندیکاهای اتحادیه و کمیته دستاوردهای ناآمن می‌گردند. ولی چون این دستاوردها در سیستم سرمایه داری محدود می‌باشد ضرورتاً کارگران را به این نتیجه می‌رساند که باید کل سیستم سرمایه داری را تغییر دهند. اینست که این مبارزات سیاسی بخود گرفته در نتیجه مبارزات طبقاتی کارگران در یک تشکلات سیاسی که همان حزب طبقه کارگر است برای پیوستن کامل سیستم سرمایه داری انجام می‌دهند.

در نظام سرمایه داری کالای نیروی کار بقای مناسب طبقاتی را نیز دربردارد. مبارزه کارگران برای وسایل زندگی پیوسته رابطه استوار با مبارزه بر علیه نظام سرمایه داری داشته باشد. "وقتی که کارفرما با کارگر قرارداد کار منعقد می‌کند قبلاً ارزش نیروی کار و همچنین وسایل معیشت لازم تعیین گشته‌اند. پس کارفرما ارزش نیروی کار را می‌پردازد (\*\*\*) و کارگر را برای مدت معلومی که زمانشرا خود کارفرما تعیین می‌کند، بکار وامیدارد و بدین ترتیب ارزشی که کارگر در تمام طول روز (روز کار) ایجاد می‌کند به سرمایه دار تعلق می‌یابد و ارزش جدید خلق می‌گردد.

مادر شماره آینده چگونگی استفاده سرمایه دار از نیروی کار کارگرو شیوه استثمار آن را بررسی خواهیم کرد.

(\*) - بقاء چیست؟ از آنجا که در کل سیستم سرمایه داری طبقه کارگر محکوم به این است که (با بگوئیم مجبور است که) نیروی کارش را نسل به نسل در خدمت طبقه سرمایه دار قرار دهد و طبقه سرمایه دار بدون طبقه کارگر وجود نخواهد داشت تا چار سرمایه دار این امکان را برای کارگر فراهم می‌کند که او (کارگر) بتواند فرزندانای تربیت کند، تا در آینده در استثمار سرمایه داران درآید.

(\*\*) - درباره سطح حداقل معیشت در آینده توضیح بیشتری خواهیم داد.

(\*\*\*) - البته سرمایه دار تنها بخشی از کل ارزشی که کارگر ایجاد می‌کند به خود کارگر می‌پردازد. در این مورد در آینده مفصلاً صحبت خواهیم کرد.

# حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود



# پاکسازی در بهره برداری مارون

از جمله نشریاتی که در منطقه خوزستان بطور مرتب چاپ می شود "نشریه نفت جنوب" است. شماره سوم این نشریه که در تاریخ دوم خرداد ماه منتشر شده است، حاوی این مطالب است:

"در بهره برداری مارون، کارگر مسکن می خواهد"، "پاکسازی در بهره برداری مارون"، "از وضع سایر کارگران ایران باخبر شویم" و "راستی می دانید" از آنجا که این روزها مسئله تصفیه و پاکسازی عناصر سرسپرده رژیم سابق در کلیه واحدهای تولیدی و ادارات همچنان موضوع روز است و کارگران مبارز نفت نیز با تکیه بر این خواسته راضی نگذاشته اند و بطور قاطع هم بیگیری می کنند، گزارش "پاکسازی... در واحد بهره برداری مارون را انتخاب کردیم."

جلسه اول - جلسه با صاحبهای یکی از نمایندگان کمیته بهره برداری مارون شروع شد. رئیس، معاون و منشی جلسه هم انتخاب شدند. در ابتدا یکی از کارگران با سخنرانی مفصلی، تعداد زیادی خواسته رفاهی مطرح کرد، که با اعتراض جمع و اینکه ربطی به جلسه ندارد، قطع شد. کارگر بعدی راجع به لزوم پاکسازی، همچنین در مورد دریافت از ضداستعصایون به نامهای مزین و زمانی و شایعه تصفیه یا ایجاد ناراحتی برای کسانی که در اعتصاب نقش مهمی داشته اند صحبت کرد و اشاره کرد که در صورت حرکت ارتجاع و فرصت طلبان علیه کسانی که در شرایط اختناقی و سرنیزه ارتش تسلیم نشده و مردانه جنگیده اند کارکنان بهره برداری بی طرف نخواهند ماند و از آنها با تمام نیرو پشتیبانی خواهند کرد. کارگر بعدی از بیسی اداراتی، حسین شاهنوشی و رفتار ضد مردمی وی گفت؛ کارگری در مورد تصفیه افراد بالا و مدیران شرکت نفت که با رژیم گذشته همکاری صمیمانه داشته اند و اینکه کافی نیست فقط چند کارگر و کارمند جزء آ آ تنبیه کنیم درحالی که بندگان سرچاشان هستند، صحبت کرد و مثال زد که تا وقتی سربک هیکل دست نخورده است، زخم کردن انگشت اوهیج دردی را دوانمی کند و باید اول سرفاقت کرد و نوقت انگشت خود بخود از بیسی می رود. بعد از این صحبتها جریبان پاکسازی براه درست خود افتاد و سخنرانان بعدی حرفشان بیشتر در مورد مجازات مدیران و رؤسای شرکت نفت بود. البته می گفتند، خائن کوچیک و یک خورده بزنگ هم باید مجازات شوند بکنفر گفت یادمان باشد که همین هیئت مدیره بود که پیشنهاد کرد ۴ نفر از کارکنان بهره برداری را جلوی اداره تیرباران کنند تا بقیه سرکار بروند. البته تک و توکی بازم از امثال چکانی و براتی و رئیس و... صحبت کردند. ولی همه متوجه مدیران و روسا بودند. در آخر از رئیس جلسه خواسته شد برای جلسه بعد مدیران متهم را احضار کند.

جلسه دوم - وقتی جلسه شروع شد، معلوم گشت که از مدیران متهم کسی نیامده است، عارشان بوده بیایند. به رئیس جلسه تبلی گفته شد، کیو مدیران؟ جواب داد، ما گفتیم ولی آنها محل نگذاشتند. یکی رفت که از آنها بخواهد که تشریف بیاورند، رفت و بر پشت و گفت "سراجی" (مدیر پرسنل ضد مردمی در قبل و بعد از انقلاب) می گوید، نه محاکمه تان را قبول داریم نه خودتان را! نمی آئیم. باز هم

## لایحه مطبوعات یا...

اجرا گذاشته خواهد شد. هر چند این "لایحه" بصورت پیش نویس عنوان شده اما از آنجایی که به هر حال این نظر دولت است، لذا برخورد با آن بسیار ضروری است. تاکنون اظهار نظرهای زیادی در مطبوعات در این باره منتشر شده است و تقریباً تمام اشخاصی که اظهار عقیده کرده اند این "پیش نویس" را مورد انتقاد شدید قرار داده اند. اما صحبت ما از زاویه دیگری است.

ما می پرسیم چه چیز سبب شده که حتی قبل از تدوین قانون اساسی و قبل از تدوین قانون انتخابات و قبل از تشکیل مجلس شورای ملی که محل تدوین قوانین عادی نظیر همین قانون مطبوعات است، با عجله می خواهند یک چنین "قانونی" را سرهم بندی کنند. چه ضرورت های فوری و فوری و فوری موجب این شتابزدگی است؟ آیا هدف بستن هر چه زودتر زبانها و قلم هائی نیست که در اثر جنبش و قیام مردم تا اندازه ای بکسار افتاده است؟ آیا هدف این نیست که جلوی اظهار نظرهای مردم و شرکت افکار و طبقات خلق را در سرنوشت کشورشان

و بادمجان دور قاب چین ها آماده شدند، وعده های گردید و دست مقام رسید. از طرف دیگر تماس خود مدیران با نژبه شروع شد و تهدید به استعفاي دسته جمعی در صورت محاکمه شدن کردند و نژبه که برخلاف گفته های روز اول شش آدم محافظه کاری از آب درآمد، از ترس دست ننهادن جازد (آقای نژبه وقتی که این همه دستهای فداکار صمیمی برای همکاری دراز شده اند، شادست دزدان و وطن فروشان را می فشارید) دست روز ۳۱ فروردین بخشنامه نژبه درآمد:

"پاکسازی منوع حتی برای جناب عالی واقعا دست مریزاد جناب نژبه، حتی نگذاشتند شنبه بشود و همان روز جمعه ۳۱ فروردین بخشنامه ماشین شد و شبانه هم چاپ بود در خانه های افراد مورد نظر رسید. صبح روز جلسه یعنی یکشنبه هنوز هیچ اداره ای از این بخشنامه خبر نداشت که به همه افراد بهره برداری رسید. معلوم است که همه از بهره برداری، این قلب خونین و سر سخت صنایع نفت و کارکنان زحمتکش و پولادین حساب می برند، و چه کسانی هم بخشنامه را پخش کردند. زمانی، هر گانی، عامری، رئیس، آویشن، براتی و... واقعا که خوب موقعی چهره های واقعی خود را آشکار کردند. خیلی از بچه ها گفتند چه نژبه خواهد چه نخواهد ما را می دهیم. این بار همه نیروهای ارتجاع به میدان ریختند فریادها شروع شد، دلیل هاهم خیلی سخنه، مدیران منتخب نژبه، نژبه منتخب بازگان، بازگان منتخب امام، پس هر که با مدیران در افتاد با امام در افتاده. مرچا به این استدلال، هیا هو بالا گرفت و برای از اکثریت انداختن جمع، عوامل و روسا بیرون رفتند و در این حال ۸۰ درصد نمایندگان که انتخاب نداشتند چنین ناجوانمردانه خنجر از پشت بخوردند، استعفا دادند. با ایی وصف حدود ۱۶-۱۵ نفر از افراد مومن باقی ماندند و محاکمه شروع شد. دوباره عوامل بیرون رفته از جلسه به سرکردگی عامی و آخش... برگشتند و داد و فریاد را اکثریت نیست و رای گیری اعتبار ندارد. یکی از افراد پشت میکروفون گفت حتی اگر ۱۰ نفر مومن باقی بمانند مدیران را محاکمه کرده و رای می دهیم، پای رایمان هم می ایستیم. ولی با بالا گرفتن داد و قالیها که داشت به دست به بقیه شدن می رسید ختم جلسه اعلام شد و همه با احساس خشم و نفرت نسبت به خود فروختگان و عوامل روسا و مدیران جلسه را ترک کردند و مدیران فداکار، وطن پرست... و خد متنگزار... نفسی براحت کشیدند.

فعلات نتیجه: یک به هیچ به نفع ارتجاع

توضیح. آنچه در داخل پارانتز آمده است توضیحات نشریه کار است.

لات بسیاری است. نظر ما درباره "قانون مطبوعات" اینست که دولت مطلقا حق ندارد آزادی نشر و بیان مردم ایران را چه بصورت طبع کتب و روزنامه ها و غیره محدود کند. اصولا چه لزومی دارد که فرد یا جمع برای بیان نظرش از کسی اجازه بگیرد؟ آیا همین "تقاضای امتیاز روزنامه" خودش نوعی اجازه گرفتن برای بیان نظر است؟ در حالی که رهنمود دادن و غیره نیست؟ بدیهی است که اجازه گرفتن خود نوعی محدود کردن آزادی نشر و بیان است. در بسیاری از کشورهای جهان قانونی برای مطبوعات وجود ندارد. حتی در انگلستان که معروف است برای هر موضوعی قانون وجود دارد انتشار روزنامه و نشریه از هر نوع که باشد احتیاج به گرفتن اجازه ندارد و بر اساسی مطبوعات قانونی نیست.

بنابر آنچه گفته شد بنظر ما انتشار نشریه با روزنامه و کتاب احتیاج به قانون مطبوعات با اینهمه ماده و تبصره ندارد. این خود ناشرین روزنامه ها و نشریات هستند که در حدود مقررات صنفی، مقرراتی برای خود تنظیم کنند. اصولا احتیاجی نیست که روزنامه نام سردبیر و نویسندگان و مدیر مسئول و...

## توضیح و بوزنسن درباره ((معلم عزیز چرا کتاب صد را باره میکنی))

بسیاری از مطالبی که به نشریه کار می رسد بانام مستعار است و امکان کنترل کامل و همه جانبه این مطالب وجود ندارد. یکی از خوانندگان مادر - اعتراض به مطلبی که در شماره قبل چاپ کرده بودیم با دداشتی برای ما فرستاده است که با بوزن از او چاپ می کنیم و امیدواریم در آینده ناظر این مسئله پیش نیاید.

## نشریه کار

مقاله ای که تحت عنوان "معلم عزیز، چرا کتاب صد را باره می کنی؟" به گونه ای ناقص، بدون ذکر نام نشریه ماخذ و جعل نام نویسنده در صفحه ۸ کار شماره ۱۵ مورخ ۵۸/۳/۲۴ درج نموده - این نوشته اینجانب بوده که برای اولین بار در نشریه شماره ۱ کهر مورخ خرداد ماه ۵۸ به چاپ رسید.

البته مسئولیت این بی صداقتی متوجه آن به اصطلاح رفیق معلمی است که با نهادن نام خود زیر نوشته دیگران علاوه بر اینکه مرتکب نوعی سرقت شده به اعتبار نشریه یک سازمان انقلابی هم لطمه وارد می کند. لذا به پیوست یک جلد نشریه کهر جهت بررسی و تحویل خواهشمند است عین نامه را در نشریه کار شماره ۱۶ درج نمائید.

بدرود فاطمه... (ف.معلم.) ۵۸/۳/۲۶

روزنامه را آگهی کند. البته اگر خود آنها مایل باشند که در موارد زیادی این تمایل وجود دارد، ناشرین روزنامه ها خود اینکار را خواهند کرد. اینک موظف باشند نامشان را بنویسند.

در مورد آدرس محل روزنامه هم معمولا روزنامه ای که می خواهد با قشار و طبقات مردم در تماس باشد، ناچار است که آدرس برای مکاتبه و تماس گیری با مردم داشته باشد. پس این امر مربوط به نیاز ناشرین روزنامه است نه اینکه در مقابل دولت و یا "وزارت ارشاد" موظف باشند که آدرسشان را اعلام کنند. در اینجا یک سؤال مطرح می شود که حقوق مردم (اعم از مردم عادی و اولیا امور) در مقابل "تجاوز" مطبوعات چگونه باید حفظ شود؟ یعنی اگر نشریه ای به فرد عادی یا یکی از مقامات دولتی و غیره توهین کرد یا افترا زد چه باید کرد؟ و اگر قانونی برای مطبوعات نباشد چگونه رسیدگی شود؟ جواب این سؤال ساده است. مگر ما قانون درباره توهین و افترا به اشخاص در قانون جزا نداریم؟ ارتکاب این اعمال توسط مطبوعات هم چیز جدیدی نیست و می تواند مانند موارد دیگری افترا، خبر کذب و توهین مورد بررسی قرار گیرد. اینک توهین یا افترا به "مقامات عالی" باید بدون شکایت شاکي خصوصی قابل تعقیب بوده و مجازات ششماه تا سه سال حبس داشته باشد. مسخره است. زیرا اینها هم مثل سایر مردم هستند و از جهت مسئله توهین و افترا فرقی با مردم دیگر ندارند و چرا باید بدون شکایت خود آنان روزنامه تحت تعقیب قرار گرفته و احیاناً توقیف شود و در تانی مگر تمام افراد در مقابل قانون مساوی نیستند؟ پس چرا باید توهین به "مقامات عالی" نظیر نخست وزیران، رئیس جمهور و مراجع تقلید با مردم عادی فرق داشته باشد؟

نکته دیگری که در این "پیش نویس لایحه مطبوعات" قابل انتقاد است ماده ۱۸ است که امکان سوء استفاده های زیادی را بازمی گذارد: ماده چنین می گوید:

"هرگاه در مطبوعات مطالبی توهین آمیز و یا خلاف واقع و حقیقت، خواه به نحو انشاء و یا بطور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود، مرتکب به حبس جنحه ای از یک تا سه سال محکوم خواهد شد."

با تعیین مجازات سنگین برای ذکر مطالب خلاف حقیقت به نحو انشاء و یا "بطور نقل" زمینه برای سوء استفاده کنندگان از این ماده فراهم می شود. مردم ایران که سابقه چنین سوء استفاده های را توسط مجریین "قانون" به یاد دارند با توجه به چنین ماده ای که در مورد "شخص اول ملکت" وجود داشت، از تداعی چنین وضعی بخود می لرزند.

## (( فولاد )) نشریه کارگران پیشرو فولاد

هفتمین شماره " فولاد " نشریه کارگران پیشرو صنایع فولاد منتشر شد. عنوان برخی از مطالب نشریه چنین است:

" دشمنان طبقه کارگر چه کسانی هستند؟"، " از خواسته های برحق کارگران ماشین سازی پشتیبانی کنیم" و " قسمتی از سخنرانی یک کارگر پیروزی در مقاله " دشمنان طبقه کارگر... " تضادهای اصلی جامعه و تضاد کار سرمایه به زبان ساده توضیح داده شده و در قسمتی از آن می خوانیم:

" آنچه سرمایه دار را بر او می کند سود بیشتر و جیاول هر چه بیشتر نیروی کارگران است و به همین خاطر است که کارگر روز به روز فقیر تر و بی چیز تر می شود و سرمایه دار قوی تر و بی نیاز تر. از همین جاتضاد طبقاتی کارگرو سرمایه دار آشکار می شود..."

سرمایه داران با استفاده از وسائل غارتی چون بانکها و بانک دولتیایی که از سرمایه دار در برابر کارگر دفاع می کنند همه چیز جامعه را به نابودی می کشانند و موجب فقر و فساد و زشتی و ناپاکی می شوند... حتی برای یک مورد هم نمی توان سرمایه داری را پیدا کرد که از طریق کار و زحمت و زندگی شرافتمندانه سرمایه خود را بدست آورده باشد."

چرا بدعت می گذارند که مردم از ترس سه سال زندان از انتقاد به رئیس جمهور یا شخص اول روحانیت خودداری کنند؟ اما در مورد هیئت منصفه: این مقرراتی که در "پیش نویس" تحت عنوان هیئت منصفه آورده شده در بین تمام قوانین دنیا نوبر است. هم می دانیم که دخالت هیئت منصفه در دادگاههای دادگستری از حقوق کشورهای اروپایی گرفته شده ولی مقرراتی که در لایحه مطبوعات آورده شده شکل مسخ شده و کاریکاتوری از هیئت منصفه است. هیئت منصفه را از میان مردم عادی انتخاب می شوند. یعنی هر کس که حق رای داشته باشد و آسایش جزو لیست رای دهندگان نوشته شود بطور قانونی می تواند عضو یک هیئت منصفه شود. دادگاهها موظفند که اعضای هیئت منصفه را از میان این لیست به ترتیب ردیف انتخاب کنند. از طرف دیگر هیئت منصفه شدن از وظایف هرتبعیه می باشد. فلسفه هیئت منصفه هم این است که مردم عادی، کارگر، دهقان، پیشه ور، استاد، دانشجو کاسب، روحانی و... در این امر شرکت کنند. بنابراین در هر کشوری که از هیئت منصفه در دادگاهها استفاده می کنند هر ساله هزاران نفر بعنوان هیئت منصفه در دادگاهها شرکت می کنند نه مانند "لایحه مطبوعات" که ۱۱ نفر را برای مدت دوسال انتخاب می کنند. ضمنا از جهت تصمیم گیری، و... پس از آنکه آنها را خود را دادند، آنوقت دادرسی که در تمام طول دادرسی ناظر بر انجام محاکمه است میزان جریم را تعیین خواهد کرد. اما "پیش نویس" لایحه مطبوعات "عللا نقض هیئت منصفه را یک جمع مشورتی تلقی کرده است نه قضاوت کننده و به این ترتیب فلسفه وجودی هیئت منصفه را نفی کرده است. بنظر ما تدوین قانون برای مطبوعات آنهم "چنین قانونی" به هیچ وجه با مضمون و محتوای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران سازگار نیست. زیرا ضرورت ادامه انقلاب و تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران گسترش آزادیهای دمکراتیک بخصوص آزادی نشر و بیان را ضروری می سازد.

بنظر ما اصولا نیازی به تدوین قانون برای مطبوعات نیست و همانطوریکه در بالا گفتیم خود ناشرین مطبوعات می توانند مقررات صنفی بین خود وضع کنند و اگر قانونی ضرورت داشته باشد، اصولی است برای حفظ و حراست مطبوعات در مقابل تجاوزات دولت و طبقه حاکمه، نه اینکه چماقی برای خفه کردن آزادی نشر و بیان.

تضمین کننده آزادی کامل مطبوعات در مقابل قوه مجریه باشد باید در قانون اساسی جدید ایران گنجانیده شود.



# چرا به نماینده کارگران مارک خرابکار می‌چسباند؟

بنام خلق تهران ایران .  
نشریه کار .

ما کارکنان پرمیت خواهشمندیم که با شرح زیر در پائین فتوکپی پیوست ، صدای ما مستضعفان این کارخانه را به کلیه خوانندگان باوجدان و آگاه خود برسانید . در این کارخانه انتخاباتی برای تعیین اعضای کمیته کارخانه انجام گرفته و عده ای از برادران به عنوان اعضای کمیته انتخاب گردیدند از جمله نامبرده فوق در اختار به یعنی آقای ناصر قربانپور سرخ . همانطوریکه از متن این اختاریه پیداست به ایشان که منتخب و نماینده واقعی کارگران است لقب اخلاک‌گرا داده اند . آیا این بدان معنی نیست که کلیه کارگران یعنی انتخاب کنندگان نامبرده اخلاک‌گرا هستند ؟

این آقای سرمایه دار با چه پشتوانه ای این چنین به نماینده کارگر اختار می‌کنند که اگر باریگر از حقوق کارگر دفاع کنی ، تصمیماتی شدیدتر در مورد شما اجرا می‌شود ؟ و این اختاریه از آنجائیکه می‌شود که وقتی نمایندگان کمیته با کارفرما راجع به اضافه دستمزد کارگران صحبت می‌کرده اند کارفرما به همان شیوه همیشگی مانند زمان طاغوت متوسل می‌شود و از ورشکستگی می‌زند و هنوز هم توقع دارد که کارگر گولش را بخورد و سرش را پائین اندازد و چیزی نگوید . ولی کارگر منتخب می‌داند که دیگر نباید گول این حرف‌ها را خورد و از آنجایی که دلش از فقر و نداشتن قدرت خرید درد می‌کند با صدایی بلند تر از حد معمول می‌گوید: " دیگر از این روزه ها

برای ما نخواهد که گوش ما پراست" این جمله به جناب مدیر عامل برمی خورد و حاصلش یک اینچینیس اختاریه ای است که در مورد نامبرده صادر گردیده است . بله ، چرا که اینچنین نکنند ، چون اینها هنوز فکری کنند که ساواکی در کار است و کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری وجود دارد که اینچنین به نماینده کارگران اختار می‌کنند . آیا در حال حاضر که کارگر این حق را دارد که حرف خودش را بزند و از ظلمی که در حقش می‌شود فریاد زند باید او را اخلاک‌گرا و تفرقه انداز خطاب کرد ؟ و اگر هم تفرقه انداز باشد این را کارگر احساس می‌کند یا سرمایه دار ؟ آیا او درد کارگر را می‌داند یا اینکه سرمایه دار ؟ بله در قلموس سرمایه دار هر کسی از حق خود و دیگر برادران کارگرش دفاع کند اخلاک‌گرا و تفرقه انداز لقب می‌گیرد و این هانمی دانند که خلیف مستضعف ایران قیام کرد و انقلاب کرد تا از بندگی خدایان زورور ( خداوندان زمین ) نجات پیدا کند . بنابراین ما کارکنان این کارخانه از کلیه گروه‌های مبارز و مردمی و پیشگام می‌خواهیم که به صدای ما مستضعفان پاسخ دهند و این عمل کارفرما و رئیس امور اداری این کارخانه را تقبیح کنند .

از مسئولین می‌خواهیم که در این مورد از کارفرما توضیح خواسته شود که به چه دلیل نامبرده را اخلاک‌گرا و تفرقه انداز نامیده اند ؟  
باتشکر - کارکنان کارخانه پرمیت



تاسیسات و خدمات

آقای ناصر قربانپور سرخ

به نام خداوند بزرگوار

با تشکر از شما

به نام خداوند بزرگوار

در کارخانه پرمیت

ایلاخ همدان

گروه تبلیغاتی

امور اداری

تهران - میدان آزادی

تلفن ۶۲۰۴۶۷ - ۶۲۰۵۰۲

تهران - میدان آزادی

شماره ۹ کارخانه پرمیت

تلفن ۲۵۲۱۲

تلفن ۲۱۲۸۸۱

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

تلفن ۱۰۴۴

# چه کسانی کارگران را متهم میکنند ؟

من یک کارگر پلاستیک ساز هستم یاد آور می‌شوم که شغل سابق بنده کشاورزی بوده و به دلایل مشخص وضع کشاورزی و جلب صنایع کارگری شده بود . جرگه استثمار شونده کارگران ( کارگر ) پیوستم مدارک تحصیلات من در حدود دو م متوسطه است . بعد از خدمت سربازی بخاطر پرونده تشکیلی در زندان در امری جای کار کردن در ادارات دولتی برام نبود . همچنین در کارخانجات بزرگ به من کار نمی‌دادند . ناچار برای معاش روزمره در سال ۱۳۵۴ در کارخانه پلاستیک سازی مشغول بکار شدم و بطور روزمزد در رابطه با کار کردن سعی می‌کردم که آگاهی خود و همکاری را بالا ببرم . بخاطر همین فعالیتها هیچ کارفرمایی بیش از سه ماه به من کار نمی‌داد . در این مدت همیشه به جرم اخلاک‌گرای خرابکار می‌کردند . در طول چهار سال در پیش از ۲۰ کارگاه کار کردم ( در صورت لزوم آدرس کارخانه به استحضار خواهد رسید ) . سال گذشته در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۱۴ در نزد شخصی به نام نصرت محمودی ( با تعهد شفاهی ایشان در مورد دایمی بودن کار ) مشغول به کار شدم . در تاریخ ۵۷/۹/۱ کارگاه کارگاه بعلت اعتصابات تعطیل شونده نامبرده عذر تمام کارگران را که ۲۵ نفر بودند خواست . من واقعا با سماجت زیادی بیرون زرفتم . با توجه به اینکه مدت شش ماه حقوق نگرفته بودم . در نتیجه در تاریخ ۲۳ اردیبهشت حقوق

عقب افتاده خودم را از شخص مزبور خواستم . با تهدید و فحاشی بنده را بیرون کردند که عیناً در تاریخ مزبور شکوائیه شماره ۲۵۹۷/۲۵۹۷ وزارت کار تسلیم کردیم درخواست حقوق امور اجتماعی طبق فتوکپی برگ راهنما به من وعده دادند در تاریخ ۸ خرداد به کار رسیدگی کنند ولی در موقع مقرر کارفرما نیامده بود . گفتند برو در تاریخ ۲۰ خرداد جهت رسیدگی حاضر شو . باز هم در موقع مقرر حاضر شدم و صاحب کار نیز آمده بود . مسئولین صدارت خانه همان کاسه لیسان رژیم مغفور گذشته ، با تهدید بنده را محکوم کردند که با حقوق ۴۶ تومان به سرکار برگردم ( در حالیکه قبلاً حقوق من ۷۵۰ ریال در روز بود ) . تا در تاریخ ۵۸/۴/۲ جهت تحقیقات محلی ما مور اعزام شود . در حالیکه دیناری به من ندادند . بنده نیز بنابه دستور رئیس وزارت کار به اصطلاح امور اجتماعی در تاریخ ۵۸/۳/۲۱ به سرکار رفتم . در نتیجه به محض اینکه به محوطه کارگاه وارد شدم سرکارگر کارگاه به نام رضاعلی رجب زاده بایک ما مور کمیته بنده را به کمیته محلی بردند که رئیس کمیته مزبور شخصی بنا به عبدالحجیم شریفی است . از ایشان سؤال کردم جرم بنده چیست ؟ گفتند باشید تا موقع نماز مغرب و من ماندم . در وقت مقرر آقای رئیس حاضر شدند . بعد

از اقامه نماز شب بنده را جهت بازجویی خواستند . در وهله اول جرم سرقه اعلام شد که با بحث و دلایل موجود منتفی گردید . بعدا بنده را به جرم اخلاک در محوطه کارگاه محاکمه کردند که با دلایل دیگر منتفی شد . در وهله سوم بنده را به جرم قاچاق اسلحه محاکمه نمودند که منتفی گردید . بعد از این تفصیلات فرمودند فردا شب نیز باید در کمیته حاضر شوی و حال نمی‌دانم به چه جرمی ؟ نتیجه شکایتی بر علیه اشخاص نامبرده به دادگستری ناحیه ۱۰ غیاشی ( تحت عنوان ادعای شرف و هتاک نسبت به من ) تسلیم کردم که باز پرس مسئول از گرفتار شکایت صرف نظر کرد و بنده را از دادگستری بیرون کردند . نتیجه شکایتی باز هم بنام ادعای شرف و اعلام جرم بر علیه اشخاص غیر مسئول به نخست وزیری دادم که بنده را در محوطه نخست وزیری راه ندادند . روی سخن ما آقای بازرگان است .

# انقلاب یعنی چه ؟ وراستی انقلاب برای ما چه معنی داشت ؟

نامه دو نفر از کارگران جایخانه گلپهر بزد .  
به آدابه کاروا مور اجتماعی استان بزد .  
در تاریخ ۵۸/۲/۳۰ به درخواست به حق خود یعنی افزایش حقوق از این کارگاه اخراج شدیم و به مفهوم دیگر ۲ نفر به بیکاران این اجتماع فرود شده و این عمل مارا در برابر این پرسش قرار داد که راستی مگر انقلاب چه معنی دارد و برای ما چه معنی داشت ؟ آیا باید همانطور مثل سابق تحت فشار کارفرمایان باشیم و با استبدادی ترس در خواست ما مخالفت کنند و عذر ما را بخواهند ؟ راستی این انقلاب برای ما چه مفهومی داشت ؟ آیا این فقط یک انقلاب اسمی نبود که هیچ فایده ای برای طبقه فعال کارگر نداشت ؟ شاید بما بگوئید صبر انقلابی داشته باشیم و بیشتر صبر کنیم که شاید در آینده وضعمان بهتر شود و باز ما می‌گوئیم که بهتر نیست کمی از صبر تحمیلی بد کارفرمایان و این سرمایه داران که خون ما را می‌مکند تزریق شود که ما را اینطور تحت ستم قرار دهند ؟ درخواست ما از شما این است که به این شکایت رسیدگی کنید . در ضمن رونوشت این نامه به روزنامه کار ارسال خواهد شد .

# ما آگاهی خود را بیشتر میکنیم و مبارزه را تا پیروزی نهائی ادامه میدهیم

این پاره ای از حقوق از دست رفته ما بود که بدنای یک اعتصاب توانستیم بدست بیاوریم . از ظلمهای کارفرما مانگفته نامند که در سال ۵۷ از حقوق ناچیز هر کدام از ما کارگران حدود ۳۶۰۰ تومان بعنوان حق بیمه کسر کردند اما در مورد رفاه ما هیچ قدمی برنداشته اند . کارفرمای ما با کارفرماهای دیگر کارخانه های سنگ بری ارومیه دست به یکی کرده و از آنجا که میان ما با کمیته های اسلامی هم خوب است می‌کوشد تمام فعالیتهای ما را نقش بر آب کند . در عوض ما هم می‌کنیم به کارگران دیگر کارخانه های سنگ بری ارومیه متحد شویم و مبارزه ما را در جهت احقاق حقوق از دست رفته مان پیش ببریم . ما آگاهی خود را بیشتر می‌کنیم و مبارزه خود را تا پیروزی نهایی ادامه خواهیم داد .  
توضیح مسایل از یاد رفته اینکه کارگر ساده دستمزدش ۵۵ تومان است و مزایای تعطیلی و قانونی کار داده نمی‌شود . کارگر متخصص یا استادکار ما ماهانه حدود ۳۰۰۰ تومان می‌گیرد . البته با مزایا .

# ۲۹ خرداد روز ...

کودتای ۲۸ مرداد را بوجود آوردند و با سقوط مصدق و سرکوبی خلق کلیه دستاوردهای جنبش سه ساله نفت را به یغما بردند . همه اینها تائید کننده این واقعیت است که مبارزه با امپریالیسم باید با قاطعیت تمام و تا قطع کامل آن در تمام جنبه های اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی آن باید ادامه یابد و اگر نه مار زخمی بمراتب خطرناکتر است . تنها راه نابودی کامل آنست . این وقایع نشان داند که اگر ما عوامل امپریالیسم وریشه های آن که در جامعه وجود دارند مبارزه ای قاطع نشود ، امپریالیسم از این در که رفته از در دیگر برمی‌گردد . تجربیات جنبش ملی کردن نفت نشان داد که عدم سرکوبی عوامل امپریالیسم انگلستان و امریکا در ایران یعنی دربار ، ارتش ، شهربانی ، زندان داری ، سرمایه داران وابسته و فئودالها ، چگونه توسط همبندها امپریالیست ها دوباره بازگشتند و تمام دستاوردهای ما را نابود ساختند . رهنمودی که این تجربه تاریخی برای وضع کنونی ما دارد این است که اگر ما قطع نفوذ امپریالیسم بطور ریشه ای برخورد نکنیم ، امپریالیسم همچنان پا برجا خواهد ماند . این تجربیات نشان می‌دهد که با وجودیکه امپریالیسم در زمان مصدق از نظر اقتصادی ریشه داری وضع کنونی در ایران

باید آتش همان آتش است و کاسه همان کاسه . نتیجه آنکه بدنای تحکیم سرمایه داری وابسته یعنی ریز بنای اقتصادی ، بطور طبیعی این زیر بنای رونیای خود یعنی ابزار سرکوب راهم بوجود می‌آورد . بی جهت نیست که می‌بینیم حرکت به سوی تجدید سازمان ارتش شروع می‌شود و ساواک و سایر ابزار سرکوب " به اشکال نوین " یکی پس از دیگری ظاهر خواهند شد . همچنانکه دیدیم پس از ۲۸ ماه حکومت دکتر مصدق ، چگونه عوامل امپریالیسم در ایران ، پس از استقرار ، با قدرت تراز پیش ابزارهای سرکوب را بوجود آوردند اکنون که ۲۹ خرداد ، روز خلع ید راگرمی می‌داریم بیایم از تاریخ درس گرفته و با نیروی قاطع برای ریشه کن کردن پایه های اقتصادی امپریالیسم انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران را بسوی پیروزی نهائی سوق دهیم . تاریخ به ما می‌آموزد که تنها راه مقابله با تکرار حوادث تلخ تاریخی ادامه انقلاب است و بس .

# ضد انقلابی کیست ؟

یکی از کارگران بیکاری گفت :  
" در خانه کارگر اجتماعی داشتیم که متوجه شدیم یکی از روحانیون طراز اول که مسئولیت مهمی هم در کمیته های امام دارد به خانه کارگر آمده است . خوشحال شدیم و برای درد دل و صحبت رفتیم . دیدیم که ایشان شدیداً به ما اعتراض می‌کنند و از اینکه به خانه کارگر آمده اند هدفشان شنیدن درد دل های ما نبوده بلکه فکری کرده اند که اینجا محل اجتماع اخلاک‌گرا و به اصطلاح خودشان عناصر ضد انقلابی ! است . با همه اینها گفتیم شاید بدنای مشکل خودمان را به ایشان بگوئیم . پس از عرض سلام و به جا آوردن آداب و رسوم متداوله ( که حتماً باید در برخورد با این حضرات

تاریخچه جنبش کارگری جهان

ایجاد اولین تشکیلات بین المللی کارگران (بین الملل اول)



مارکس وانگلس آموزگاران بزرگ پرولتاریای جهان

گسترش بازارهای جهانی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی (نیمه اول قرن سیزدهم هجری شمسی) به استثمار سرمایه داری بیش از پیش خصلت جهانی می داد. این امر در مقابل اتحاد مستحکم کارگران همه کشورهای جهان را ایجاد می کرد.

در دهه شصت قرن نوزدهم هموارات تشدید تضادهای جامعه سرمایه داری جنبش کارگری پس از کسب تجربیات بسیار، به درجه والاتری از آگاهی طبقاتی کام نهاد. جنبش کارگری در این موقع آماده بود که نیروهای خویش را در سطح بین المللی متحد کند.

اولین سازمان بین المللی پرولتاریا (کارگران) بنام "اتحادیه کمونیست" در اولین سالهای دهه ۵۰ قرن نوزدهم مجبور به تعطیل شد. این اتحادیه در سال ۱۸۴۷ میلادی (۱۲۲۶ ه.ش.) با شرکت مارکس وانگلس، رهبران و آموزگاران پرولتاریا تشکیل شده بود.

در آن هنگام سوسیالیستهای نخبه‌ی (سوسیالیستهای اوتوپیت) شعار می دادند که تمام افراد بشر برادرند. این شعار صرف بندی بین طبقات را مخدوش می کرد و کارگر و کارفرما را که با یکدیگر تضاد آشتی ناپذیری دارند "برادر" می خواند. در مقابل این شعار فریبنده و انحرافی "اتحادیه کمونیست" شعار کارگران جهان متحد شوید را مطرح کرد. درکناره دوم اتحادیه کمونیست که در همان سال در لندن تشکیل شد، مارکس وانگلس مأموریت پیدا کردند که "برنامه" اتحادیه کمونیست را تنظیم کنند. در ابتدا این

سال بعد، این برنامه تحت عنوان "مانیفست حزب کمونیست" بصورت جزوه کوچکی چاپ شد. در این مانیفست مارکس وانگلس اصول کمونیسم علمی را به روش ترین شکلی تشریح کرده اند. از زمانیکه "مانیفست" اولین بار منتشر شد، اکنون ۱۳۱ سال می گذرد و تاکنون بیش از ۱۰۰ چاپ مختلف از این سند منتشر شده و تقریباً به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده است.

همانطوریکه گفتیم "اتحادیه کمونیست" بعزت صفت سازمانی دیگر نمی توانست یک سازمان توده ای طبقه کارگر باشد و همین دلیل در اولین سالهای دهه ۵۰ قرن نوزدهم دیگر فعالیت چشمگیری نداشت.

در آغاز دهه ۶۰ قرن نوزدهم میلادی (دهه چهل قرن سیزدهم ه.ش) ارتباط بین کارگران کشورهای اروپای غربی مرتباً افزایش می یافت. در سال ۱۸۶۲ م. در جرمان "نمایشگاه جهانی" که در لندن برگزار شد، گروهی از کارگران فرانسوی با کارگران انگلیسی ملاقات کردند و پیرامون مسئله وحدت پرولتاریا در جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند. آنها تا کید کردند که فقدان یک سازمان بین المللی کارگری و نبودن ارتباط لازم بین کارگران کشورهای مختلف غالباً به سرمایه داران اجازه می دهد تا برای شکستن اعتصابات کارگری از نیروی انسانی خارجی استفاده کنند و کارگران خارجی را استخدام کنند. این کارگران پیشرو پیشنهاد وجود آمدن تشکیلاتی را که بتواند کارگران سراسر جهان را متحد کند، مطرح کردند. در نامه ای ارسوی کارگران انگلیس خطاب به کارگران فرانسوی آمده است:

"برادری خلقها برای تامین منافع کارگران فوق العاده ضروری است. بدنبال این کوششها، کارگران فرانسوی و انگلیسی برای نشان دادن همبستگی بین المللی کارگران، مشترکاً میتینگی در پستیمانی از مبارزات به حق خلق لهستان (که برعلیه سلطه استبداد روسیه تزاری به مبارزه برخاسته بود) برگزار کردند.

در روز ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ (۸ مهر ۱۲۴۳ ه.ش.) کارگران انگلیسی فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، لهستانی و ایرلندی در تالار سن مارتین لندن تشکیل جلسه دادند. هیئت

نماینده فرانسوی پیشنهاد ایجاد یک تشکیلات بین المللی کارگری را مطرح کرد. این پیشنهاد به اتفاق آرا بیه تصویب رسید. نمایندگان حاضر در قطننامه مصوبه ایجاد "تشیلات بین المللی کارگران" را که به "بین الملل اول" (انترناسیونال اول) شهرت یافته است، اعلام کردند. آنها سپس شورای مرکزی موقت این تشکیلات را برگزیدند. این شورا کمی بعد بصورت "شورای عمومی بین الملل اول" درآمد و دوتن از رهبران اتحادیه های کارگری انگلیس که دارای نفوذ زیادی بودند بعنوان رئیس و دبیرکل انتخاب شدند. مارکس نیز بعنوان عضو شورا برگزیده شد. اما در حقیقت او رهبر واقعی "بین الملل اول" بود. انگلس در این باره می گوید: "مارکس روح شورای عمومی بین الملل بودند." بین الملل اول در کارهای این کمیته شرکت کرد و مسئول شده خطابه و همچنین اساننامه بین الملل را تنظیم کند. از آنجائیکه کارگران شرکت کننده درکناره بین الملل در سطوح مختلفی از آگاهی طبقاتی بودند. لذا برنامه می باستی طوری نوشته می شده که کاملاً روشن و بسری همه قابل قبول باشد، ضمن آنکه محتوای آن با اصول اساسی کمونیسم علمی مطابقت داشته باشد. مارکس با مهارت بی نظیری توانست این وظیفه را بخوبی به انجام رساند.

"خطابه" پس از تشریح شرایط سخت زندگی طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری، نتیجه گیری می کند که بدلیل چنین شرایطی است که تسخیر قدرت سیاسی باید اولین وظیفه طبقه کارگر باشد. در "خطابه" گفته شده است که طبقه کارگر از جهت کمیت دارای آنچنان نیروی هست که بتواند مبارزه

پیروز مداند ای راه پیش بردوسی این به تنهایی کافی نیست. اهمیت سازماندهی و تجربه مبارزاتی کمتر از این نیست. در این زمان در کشورهای جهان احزاب سیاسی کارگری وجود نداشت اما تعداد زیادی احزاب کارگری، سازمانهای تعاونی کارگری (کئوپراتیو) گروههای فرهنگی کارگری بسارمانهای دیگر در اروپا و آمریکا وجود داشتند که به بین الملل اول پیوستند. عده های محلی تشکیلات بین الملل اول کارگران در کشورهای مختلف جهان به وجود آمد و در مدت کوتاهی "بین الملل" به سازمان بین المللی کارگران تبدیل شد. تحت رهبری مارکس شورای عمومی بین الملل بد مرکز رزمند جنبش بین المللی کارگران تبدیل شد. این مرکز کمکهای پرارزشی (در زمینه ارائه رهنمودهای سیاسی و پشتیبانی مادی) عرضه کرد. در این زمان اعتصابات بزرگی در کشورهای مختلف جهان به وقوع پیوست که توسط بین الملل سازمان داده شد. این اقدامات و فعالیتهای شکر کارگران "بین الملل" سرد کارگران جهان بالا رود و آنها به نقش و اهمیت یک چنین تشکیلات جهانی کارگری بیش از پیش پی ببرند.

واقعیتها کارگران جهان را متقاعد ساخته بود که این شعار بین الملل "کارگران جهان متحد شوید" تحقق پذیر است و کارگران جهان می توانستند در یک تشکیلات بین المللی متحد شوند. بین الملل اول کارگری بدلیل نقش پرارزشی که در جهت استحکام ایدئولوژی (جهان بینی) و سازماندهی طبقه کارگر ایفا کرد، به سازمان به هم پیوسته و بانفوذ کارگران تبدیل شد. تحت رهبری "بین الملل اول" مبارزه آزادی بخش طبقه کارگر بر علیه استثمارگران اعتلای قابل توجهی یافت.

اخبار جهان

اعتصاب برای آزادی دو رهبر کارگری در استرالیا

کارگران سراسر استرالیا تهدید کرده اند که اگر دوتن از رهبران اتحادیه های کارگری استرالیا را آزاد نمانند دست به اعتصاب عمومی ستاسری خواهند زد. برخی از مخالفین دولت محافظه کار استرالیا معتقدند که دستگیری دوتن از رهبران اتحادیه های کارگری توسط دولت است. آنها معتقدند که دولت محافظه کار سعی دارد بدین طریق اتحادیه های کارگری را توقیف رهبران قدرت آنها را در انتخابات آتی ضعیف سازد.

اعتصاب کارگران تولید لاستیک در آمریکا برای اضافه دستمزد

کارگران شرکت "یونایتد رابر" در آمریکا مدتی است که در اعتصاب بسر می برند. این شرکت لاستیک تولید می کند. کارگران خواهان اضافه دستمزدی بین ۳۳ درصد تا ۳۶ درصد در خلال سه سال می باشند. دولت بدکارگران پیشنهاد کرده که آنها با اضافه دستمزدی معادل ۷٪ موافقت کنند و به اعتصاب خود پایان دهند. در حال حاضر نشانه ای از پایان اعتصاب به چشم نمی خورد و اعتصاب بطور یکباره ادامه دارد.

انقلاب خلق عمان مرحله جدید مبارزه آزادی بخش خود را آغاز کرده است

در شماره های قبل تاریخچه مبارزات خلق عمان تحت رهبری جنبه خلق برای آزادی عمان (P.F.L.O.) وزندگی در مناطق آزاد شده را بررسی کردیم. در این شماره به بررسی جنبه های دین انقلاب عمان می پردازیم:

بررسی موقعیت طبقاتی عمان پس از کودتای قابوس

اولین گروههای طبقه کارگر در دهه ۵۰ قرن حاضر (ظرف سالهای اخیر) با آغاز فعالیت شرکتی نفتی در این کشور بوجود آمد. پس از کودتای قابوس که سبب شد سرمایه گذارهای احضارات امپریالیستی در صنعت نفت و سایر رشته های تولیدی افزایش پیدا کنند. شماره کارگران بسرعت روبه فزونی نهاد. در عمان طبقه کارگر را عمدتاً توده قبایل، روستاییانی که به امید بدست آوردن کار به شهرها آمده اند و نیز کارگران عمالی که پس از کودتای قابوس از کشورهای منطقه به عمان بازگشته اند، تشکیل می دهند. تعداد زیادی کارگر هندی، ایرانی، اوگاندایی و پاکستانی نیز در عمان مشغول کارند. کارگران جز کار در صنعت نفت در رشته های ساختمانی، جاده سازی - که بعد از کودتا توسعه یافته - و همچنین کارهای کشاورزی کار می کنند. بخش دیگر کشاورزانی هستند که فاقد زمین بوده و با قطعه زمین کوچکی دارند ولی زندگی شان عمدتاً از فروش نیروی کارشان تامین می شود. قشر دیگر تحت ستم، دهقانان فقیرند که صاحب قطعه زمینی کوچک هستند. دولت قابوس به این دهقانان هیچگونه کمکی از نظر کوششهای ماشینی آلات کشاورزی و غیره نمی کند. در عوض شرکتی سرمایه گذاری انگلیسی و امریکایی و دهقانان تروتمند و فئودالها از کمکهای وسیع رژیم قابوس برخوردارند.



یکی دیگر از منابع ثروت سرمایه داران وابسته و امپریالیستها در عمان صید ماهی است. ماهیگیران فقیر که صاحب یک قایق کوچک و وسائل ابتدائی ماهیگیری هستند، با وجود آنکه با مخاطرات فراوانی دست به گریبانند (امواج عظیم دریا، کوسه توفان)، درآمد بسیار ناچیز وزندگی فلاکتبار دارند. مطابق آمار سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ ه.ش.) تعداد ماهیگیران در عمان ۲۵ هزار نفر است. تعدادی از ماهیگیران مشترکاً صاحب یک لنج (قایق های نسبتاً بزرگ) هستند. آنان بعزت داشتن وسایل ماهیگیری بهتر نسبت به ماهیگیران فقیر وضع بهتری دارند. گروه دیگری از ماهیگیران هم هستند که هر کدام یک یا چند لنج دارند و کاملاً مرفه هستند. آنها ماهیگیران فقیر را استثمار می کنند و با فروش ماهی های صید شده به شرکتی بزرگ خارجی،



### گرامی داشت خاطره...

بقیه از صفحه ۱

از مبارزات بعدی کارگران کوره یزخانه بود. آستینار و فقر شدید کارگران و کودکان معصوم آنها، حرکتی یکپارچه را موجب شده بود. مسئولان وزارت کار به حيله‌ای متوسل شدند تا شاید اعتصابات کارگران را سرکوب کنند و از سرایت آن به جاهای دیگر جلوگیری کنند. زیر ایدیه بودند که چگونه اعتصابات سالهای ۳۶ صنعت نفت موجب شروع جنبش کارگری در آن سالها شده بود. وزارت کار ۲۰ درصد به حقوق کارگران اضافه کرد اما کارگران سر سخت تر از آن بودند که با چنین ناله‌هایی دست از مبارزه بردارند و اعتصاب راپایان دهند. آنها ۳۵ درصد اضافه حقوق رابی کم و کاست طلب می کردند. ماموران ژاندارمری و ساواک که در میان کارگران بودند شدیداً کارگران را تحت نظر داشتند و بدنبال آن ۲۶ تن از کارگران را دستگیر و زندانی کردند. تهدید و ارباب نیز مانند وعده و وعید کاری از پیش نبرد. روز ۲۳ خرداد کارگران برای ادامه مبارزه و تصمیم گیری درباره نحوه خشنی کردن حملات استعمارگران، اجتماعي ترتیب داده بودند که ارتش ضد خلقی بیرحمانه به سوی آنها شلیک کرد و حدود ۵۰ کارگر زن و مرد و کودک را بخون کشاند.

خاطره شهادت قهرمانانه این کارگران و مبارزات آنها در دل خلوص قهرمان ایران برجای ماند و بیاید مبارزات و جانفشانیهای چنین کارگرانی راهگشای مبارزات و قیام سالهای بعد به ویژه سال ۴۲ شد.

اکنون در شرایطی که ارتجاع کوشد دستاوردهای قیام را متلاشی کند و روزهای راکه برای کارگران خاطره آفرین است بفراموشی سپارد، کارگران و زحمتکشان، ۲۳ خرداد را گرامی داشتند. در برنامه بزرگداشتی که به این مناسبت در خانه کارگر برپا شد برای اولین بار از شهیدای ۲۳ خرداد بطور علنی تجلیل شد. گزارشی از این برنامه رami خوانید:

سالگرد بزرگداشت شهادت کارگران کوره یزخانه ها عصر جمعه ۲۵ خرداد در خانه کارگر برگزار شد. در این جلسه که کارگران و هواداران طبقه کارگر شرکت داشتند کارگرانی به نمایندگی از طرف کارگران صنفاي مختلف و کارخانه ها سخنرانی کردند. در ابتدای جلسه یکی از کارگران بیکار گفت: امروز که باقیام توده‌های کارگر ماتواستیم رژیم محمد رضا را سرنگون کنیم، برای اولین بار سالروز شهادت خواهران و برادران شهیدمان را برگزار می کنیم و سپس به یاد آنها دو دقیقه سکوت اعلام کرد. یکی از کارگران شرکت ملی نفت در سخنان خود گفت:

### آزادیها و حقوق...

بقیه از صفحه ۱۲

راجبران کند، چیزی که تاکنون در کشور ما سابقه نداشته است. بجاست که چنین حقی برای مردم ایران در قانون اساسی جدید تضمین شود.

### تساوی افراد برای انتخاب شدن و انتخاب کردن ارگانهای جامعه

"پیش نویس قانون اساسی" تساوی ایرانیان را در انتخاب کردن و انتخاب شدن بسکوت بر گزار کرده است. اصل ۴۸ "پیش نویس" می گوید: "مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم و برای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد... شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را قانون معین خواهد کرد." اصولاً در تمام قوانین اساسی دنیا وضع انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در قانون اساسی مشخص می شود. از این گذشته در این قوانین برای انتخاب کننده و انتخاب شونده قیدی جز شرط سنی قائل نمی شوند و افراد صرف نظر از جنس، نژاد، زبان، مذهب عقیده سیاسی می توانند انتخاب کنندگان و انتخاب شونده باشند.

قانون اساسی جدید ایران نیز باید ضمن تاکید بروی تساوی افراد، وضع انتخاب کننده و انتخاب شونده را روشن کند.

### ضمانت اجرای حق مصونیت افراد در مقابل تعرض

اصل ۲۳ "پیش نویس" می گوید: "عقیده و حیثیت و جان و مسکن و شغل اشخاص، محترم و از تعرض مصون است مگر به حکم قانون" این اصل خوب است ولی جزء لازم و حتمی و تکمیلی آن را در نظر نگرفته اند. این اصل به این شکل یک توصیه است و فاقد ضمانت اجرائی، بدنبال این اصل باید اضافه شود: "دولت از این حق حمایت می کند و تجاوز به آن بوسیله قانون مجازات می شود. اگر این تضمین داده نشود، بیم آن می رود که تجاوزات و برجسب های گروههای فشار و نیروهای انحصار طلب کنونی در مورد کارگران و سایر زحمتکش و احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی، کم کم بصورت یک نهاد اجتماعی درآید. نتیجه آنکه دیگر "عقیده" و حیثیت و جان و مسکن و شغل" احدی "از تعرض مصون" نخواهد بود. حق مصونیت افراد در مقابل تعرض در اکثر قوانین اساسی کشورهای جهان تضمین شده و دولت مصونیت فرد را در مقابل تجاوزات و سوء استفاده از قدرت راه هر فردی که باشد، تضمین و حمایت می کند. بحث مادر این شماره و در شماره گذشته درباره حقوق مردم ایران بود و در شماره های آینده درباره "مالکیت و قوه مجریه و اختیارات آن سخن خواهیم گفت. ضمناً آنجا یک شماره در شماره های گذشته استناد ما به "متن پیشنهادی قانون اساسی" بود که در اردیبهشت ماه در روزنامه کیهان منتشر شده بود، لذا ما سعی خواهیم کرد در صورتیکه تغییراتی در "پیش نویس" قانون اساسی "بعمل آید، با آن برخورد کنیم.

که این وحدت ملی نه بصورت تصنعی و مکانیکی بلکه بطور واقعی تامین می شود و پایه های حفظ این وحدت استوار می گردد. بنابراین در قانون اساسی جدید باید حق خود مختاری خلق را در اداره امور اقتصادی اداری و فرهنگی تضمین شود. در چنین شرایطی است که به مشکلات و مسائل موجود در این زمینه خاتمه داده خواهد شد. اتخاذ راه حل منطقی که منافع خلقهای ایران را تامین کند زمینه های بروز اختلاف و ناراضی ها، خلقهای اخیر در مناطق خلقها شاهدش بودیم از بین خواهد برد. بازبین رفتن عوامل عینی و ذهنی ناراضی ها، خلقهای کرد، ترک، بلوچ، ترکمن، عرب و فارس در محیطی خالی از سوء ظن و ستم ملی در همبستگی زندگی خواهند کرد. بنا بر این حساسیت مسئله حکم می کند که قانون اساسی جدید ایران به این مهم پاسخ مناسب داده، خواست خلقها را تامین کند.

### حق آزادی مذهب و عقیده

چنین حقی بمعنای واقعی در "پیش نویس قانون اساسی" وجود ندارد. در حالی که در کلیه قوانین مترقی به آن تصریح شده است. اصل ۵۳ قانون اساسی الجزایر نیز تاکید می کند: "آزادی مذهب و عقیده نباید مورد تعدی قرار گیرد"

حق آزادی انتخاب مذهب و عقیده نه فقط آزادی در انتخاب، بیان، کسب اطلاع، تبلیغ و انتشار اعتقادات مذهبی یا سیاسی است، نه فقط در آزادی و اختیار شرکت در اجرای مراسم مذهبی و فرایض دینی یا عدم شرکت در آن خلاصه نمی شود، بلکه به این مفهوم است که باید از برپا کردن تحریکات، از ایجاد محیط رعب و وحشت و از برانگیختن خصومتها علیه یک مذهب یا یک عقیده سیاسی جلوگیری بعمل آید. این حق متضمن این امر است که فرد یا جمعیتی بطاظر داشتن یک مذهب یا یک عقیده سیاسی مورد تعرض قرار نگیرد و بطاظر آن هیچگونه خطری در هیچ زمینه آنها را تهدید نکند. مثلاً مذهب یا عقیده سیاسی کسی نباید منشاء تبعیض در انتخاب شغل یا سایر امور گردد. در مورد نکته اخیر، اصل ۵۲ قانون اساسی اخیر پرتغال، که یک کشور سرمایه داری است و بالتبع یک کشور ایده آل مانیت، در بخش مربوط به "امنیت شغلی برای همه" اعلام می کند: "اخراج از کار به دلایل سیاسی یا ایده‌ولوژیکی ممنوع است"

بنابراین آنچه گفته شد، ضروری است که در قانون اساسی حق آزادی مذهب و عقیده، در همه زمینه ها تضمین شود.

### حق تساوی ایرانیان در ورود به مشاغل دولتی و خصوصی

این حق نیز که در "پیش نویس" قانون اساسی "به چشم نمی خورد باید در قانون اساسی جدید گنجانیده شود. این حق به این مفهوم است که تبعیض بین مردم ایران اعم از زن و مرد، باهر مذهب و عقیده ای قائل نشده و برای تصدی مشاغل دولتی و غیر دولتی از کار- مندی ساده تا عالی ترین مقامات دولتی شرطی جز "شایستگی و استعداد" در نظر نگیرد.

### حق برخورداری از خسارت ناشی از اشتباه قضائی

این حق نیز در "پیش نویس" قانون اساسی "وجود ندارد. منظور از حق برخورداری از خسارت ناشی از اشتباه قضائی این است که در صورت وجود یک قوه قضائیه مستقل و مترقی اگر معلوم شود که اسناد قبلی برای محاکمه، باز اراکه مدارک و شواهد بعدی بی اساس بوده است دولت مکلف است، پس از احراز اشتباه قضائی و تشخیص بی گناهی محکوم، خسارات معنوی و مادی ناشی از این اشتباه

گفت: آقای وزیر ضد کارگر که کوسوکرناي آزادیخواهی سر داده ای. برای چهار تنش ویژه ضد کارگری تشکیل داده ای؟ ارتش تشکیل می دهی که نظم کارگاهها را بعهده بگیرد؟ کدام نظم؟ شاه هم همین حرفها را می زد. چرا بجای ایجاد کارگر برای کارگران گروه ویژه ضد کارگری تشکیل داده آید؟

سپس یکی از کارگران کوره یزخانه درباره علل کم آمدن کارگران کوره یز به مجامع کارگری صحبت کرد و گفت: علت اینکه کارگران کوره یز به اینجا نمی آیند این است که آنها همیشه کار دارند. شبها نیز کاری میکنند و دیگر آن پائین بودن سطح آگاهی طبقاتی آنها است. بعهده کارگران پیشرو است که آنها را آگاه سازند. دوستان ما باید بدانند که مبارزه طبقه کارگر طولانی و پریپیچ و خم است. ما نمی ترسیم. ما می گوئیم که سرمایه داران زلومقت هستند. اینها فکرمی کنند که با پول دادن به یک عده کارگر که در مقابل ما می ایستند، می توانند ما را از میدان بدرکنند. من به حرکت کارگری پیروز می آن معتقد هستم. ما یاد شهدای کوره یزخانه را گرمی می داریم. ما کارگران همیشه یاد شهدای خود را در سینه هايمان نگه می داریم.

در پایان جلسه از پیامهای همبستگی گروههای کارگری نام برده شد که از جمله به پیام های زیر اشاره شد:

کارکنان پیشرو صنعت نفت اهواز گروهی از کارگران راه آهن، کارگران انبار شرکت اندیشگر، گروهی از کارگران جنرال موتورز، گروه صنعتی پارس مینو، کارگران قزوین، کارگران پیشرو انبارهای عمومی ایران، گروهی از کارگران پیشرو کفش بلا، کارگران صنفا، کارگران صنفا تاسیسات ساختمانی، کارگران پیشرو شر ق تهران و گروههای دیگری از کارگران.

### موضع گیری مرتجعانه...

حوادث راهبانه ای برای آرایش و تجدید سازمان ارتش به شیوه گذشته کنند، محکوم می کنیم اعلام می داریم که خلقهای مبارز مینو ما که مخوفترین و سرکوبترین ارتش منطقه یعنی ارتش شاه رابان همه ساز و برگهای شکست دادند، نه تنهایی توانستند در برابر نیروی تجاوزگر که منطقه استادگی کند، بلکه ایمان داریم که نیرومندترین قدرت تجاوزگر جهان یعنی امپریالیزم امریکا نیز اگر در ایران دخالت کند، در برابر اراده خلل ناپذیر کارگران و زحمتکشان قهرمان خلقهای ایران چیزی جز شکست نصیبش نخواهد شد.

راباخته بودند. اتحاد نامقدس امپریا- لیسنهاي انگلیسی و امریکائی، ارتش شاه ارتش ملک حسین و ارتش دست نشانده قابوس اشتباهات تاکتیکی جبهه خلق موجب شد که جنبش آزادیبخش عمان در سال ۱۳۵۶ موقتاً دست به عقب نشینی بزند. جبهه خلق برای آزادی عمان با جمع بندی گذشته، اکنون اعتقاد پیدا کرده است که بجای تمرکز تمام نیروی خود در ایالات ظفار، می بایست جنگ آزادیبخش را در سراسر خاک عمان گسترش دهد و به این ترتیب نیروی دشمن را پراکنده کند. بی توجهی به این مسئله بزرگترین اشتباه تاکتیکی جبهه در طول این مدت بوده است.

سرنگونی رژیم شاه و تضعیف موقعیت امپریالیسم در خلیج فارس موازنه نیروها را به نفع خلق عمان تغییر داده است. اکنون خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان با جمع بندی اشتباهات و بررسی شکستها و پیروزیهای گذشته به سازماندهی نوبتی دست زده است و پیش از هر زمان دیگر برای مبارزه ای سخت و طولانی با رژیم قابوس و امپریالیسم آماده گي دارد.

اکنون خلق عمان همزمان با آغاز پانزدهمین سال نبرد انقلابی خود، تعرض خویش را علیه رژیم دست نشانده قابوس آغاز کرده است. عملیات موفقیت آمیزی که روز شنبه ۱۹ خرداد (روز انقلاب عمان) در منطقه ظفار از طرف جبهه خلق برای آزادی عمان (P. F. L. O.) انجام گرفت نشان دهنده آغاز مرحله ای نوین در مبارزات خلق عمان است. مبارزاتی که به موجودیت رژیم قابوس و ارتجاع و به نفوذ امپریالیستها در عمان خاتمه خواهد داد. عمان آزاد، آباد و شگوفان راپایه ریزی خواهد کرد.

### موضع گیری مرتجعانه...

که برای آیت الله خمینی بوجود آورد و ایشان را به ترک عراق و اداشت عملاً جانب شاه را گرفت و بدین ترتیب ماهیت خود را بیش از پیش نشان داد. حمله هواپیماهای عراق به روستا - های مرزی ایران، از دیدگاه مردم مینو ما که در نیمه راه مبارزات ضد امپریالیستی خود قرار دارند، دشمنی با انقلاب خلقهای قهرمان ایران تلقی شده و قویاً محکوم می شود.

ماضی آنکه بزرگ جلوه دادن این حوادث را درست نمی دانیم و ضمن آنکه فرصت طلبانی را که می خواهند اینگونه

### انقلاب خلق عمان...

وجود داشت - و تبدیل بردگان عمان به بردگان مزدبگیر " اقدام کرد. هنوز گروههایی از عشایر که به دامداری و کشاورزی مشغولند در عمان وجود دارند. رژیم قابوس و امپریالیستها با تبلیغات شدیدی که علیه انقلابیون می کنند سعی دارند از این عشایر برای مقابله با انقلابیون و دستگیری آنان استفاده کنند. با وجود این رژیم قابوس خود نیز از این عشایر بشدت وحشت دارد (از آغاز حکومت قابوس تا به حال) که ۹ سال می شود) سرمایه داری وابسته، بخصوص بخش مالی ( بصورت بانکها) و بخش تجاری آن رشد زیادی کرده است. سرمایه داری وابسته برای رشد و توسعه خود برداشتن موانع از سر راه خود به تدوین قوانین لازم اقدام کرده است. عمان از نظر داشتن منابع نفت و سایر منابع طبیعی، نیروی کار ارزان، بازار برای کالاهای خارجی و بالاخره مشرف بودن به تنگه هرمز (قسمت جنوبی تنگه) که محل عبور کشتیهای نفتکش و تجاری است اهمیت زیادی برای امپریالیستهاي امریکائی و انگلیسی دارد. رشد جنبش رهايي بخش عمان و آزاد شدن بخش وسیعی از منطقه ظفار رژیم نواستعاری قابوس و امپریالیستها را سخت به هراس انداخت. از اینرو امپریالیستها از طریق قابوس و رژیمهای مرتجع عرب از جمله ملک حسین پادشاه اردن و نیز رژیم ضد خلقی شاه درصدد گسترش سرکوب انقلابیون برآمدند. بدین جهت بود که ارتش شاه در ۲۵ خرداد تجاوز خود را به ظفار آغاز کرد. شرکت

شروع مجدد... بقیه از صفحه ۱

که بمدت ۱۱ ساعت طول کشید با نیروهای دولتی که توسط مستشاران انگلیسی فرماندهی می شدند درگیر شدند و در این نبرد نیروهای جبهه آزادیبخش ضربات سختی به پاسگاههای دولتی سلطان قابوس در منطقه ظفار وارد کردند. در این نبرد نیروهای دولتی از هلی کوپتر و سلاحهای سنگین استفاده کردند.

جبهه خلق برای آزادی عمان اعلام کرده است که این نبرد آغاز خوبی برای جنگ رهايي بخش جهت سرنگونی رژیم دست نشانده سلطان قابوس می باشد.

# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

### آزادیا و حقوق دمکراتیکی که در «پیش نویس قانون اساسی»

### به فراموشی سپرده شده است

حال معلوم نیست این تناقض در حرف و عمل را چگونه می توان توجیه کرد.

حال به عمده ترین حقوقی که در قانون اساسی جدید ایران حتما باید وجود داشته باشد ولی در «پیش نویس» به آنها اشاره ای نشده است می پردازیم:

#### حق تساوی زن و مرد

کلیه قوانین مترقی جهان ضمن برسمیت شناختن حقوق متساوی و برابر انسانها صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب و عقیده سیاسی، در عین حال راجع به موقعیت زنان در جامعه نیز تاکید خاص دارند. بنابراین ضروری است که در قانون اساسی جدید کشورمان نیز چنین تاکید عملی آید.

با اینهمه مابه آزادی و برابری زن با معیارهای بورژوازی نمی نگریم. بورژوازی که ظاهرا به زن آزادی می دهد، در واقع اورا به اسارت می گیرد و از شکوفایی شخصی و واقعی او جلوگیری می کند. برداشت ما از آزادی زن با برداشست بورژوازی آن تفاوت اساسی دارد. ما معتقدیم که زن از طریق شرکت در مبارزات سیاسی و انقلابی زنجیرهای اسارت خود را سست می کند، توانایی انقلابی خود را شکوفای سازد و سپس این توان انقلابی آزاد شده را در خدمت تولید اجتماعی بکار گرفته و آزادی کامل خود را عملی می سازد.

زن ایرانی مانده همه زنان مبارز جهان، با مشارکت خلاق و قهرمانانه خود در پیرویه انقلاب یکبار دیگر ثابت کرد که انرژی انقلابی نیرومندی را در روح و جسم خود نهفته دارد. آنچه را که از این نیروی عظیم و کار برد این در قیام اخیر آموختیم اینست که این انرژی اگر در پیرویه تولید اجتماعی جامعه و

در شماره های قبل پذیر خورد با "حقوق ملت ایران" در متن پیشنهادی قانون اساسی که مدتها پیش در کیهان منتشر شد به اختصار کمبود ها و نقائص این "متن" را در رابطه با حقوق مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان مورد بررسی قرار دادیم. در این شماره به مواردی در زمینه آزادی و حقوق دمکراتیک مردم ایران می پردازیم که نه در متن پیشنهادی سابق و نه در "پیش نویس قانون اساسی" که از طرف دولت منتشر شده است به آنها توجهی نشده است.

همانطوریکه در شماره های قبلی نیز متذکر شده ایم در مقایسه تطبیقی خود از جهت صرف مقایسه به قانون اساسی کشور مسلمان الجزایر توجه کرده ایم قبلا هم گفته ایم و تکرار می کنیم که این مقایسه بمعنای آن نیست که ماقانون اساسی الجزایر را یک قانون اساسی ایده آل می دانیم.

نکته دیگری که در اینجا قابل اشاره است ادعای کسانیکه است که مرتب می گویند: "برخلاف گذشته که قوانین ایران و از جمله قانون اساسی از کشورهای خارجی گرفته می شد، از حالا به بعد نباید قوانین ما از قوانین کشورهای خارجی اقتباس شود. اینها می گویند مانده از قوانین کشورهای سرمایه داری غربی استفاده می کنیم و نه از کشورهای سوسیالیستی. اما برخلاف ادعای آنها در عمل قوانین کشورهای سرمایه داری غربی را برای خود الگو قرار می دهند. مثلا همین پیش نویس قانون اساسی را در نظر بگیریم. یک مقدار رونویسی از روی قانون اساسی زمان مشروطیت است (که آن خود ترجمه ای بود از قانون اساسی ۱۸۹۳ بلژیک) و یک مقدار ترجمه از قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه که بطور مشخص کلیه اصول مندرج در نحوه انتخاب و اختیارات رئیس جمهور اقتباس از این قانون است. به اضافه مقداری افزوده های دیگر.

## ۲۹ خرداد، روز خلع ید را گرامی داریم و از آن درس بگیریم

۲۹ خرداد سال ۱۳۳۰ برای مردم ایران بسیار افتخار آمیز است. در این روز مردم ایران اولین میوه مبارزات ضد امپریالیستی خود را می چیدند. در این روز دست توانای خلق از غارتگران انگلیسی "خلع ید" گرد تمام تاسیسات نفتی را از آنان پس گرفت و با بستن شیرهای نفت، چپاولگری انحصارات نفتی انگلیس را که بیش از ۶۰ سال جریان داشت متوقف کرد. کارگران انگلیسی شرکت نفت انگلیس همراه با کارشناسان و جاسوسان آنان از طریق آبدان از ایران اخراج شدند. روز افتخار آمیزی بود که مردم ایران هیچگاه خاطره آن را فراموش نخواهند کرد.

سیر وقایع تاریخی که به ۲۹ خرداد کشید چنین بود:

۲۹ اسفند تحت فشار افکار عمومی مردم ایران و عوامل دیگر قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران از تصویب مجلس شورا که اکثریت نمایندگان آن از عوامل امپریالیسم انگلیس و آمریکا بودند، گذشت. در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ دکتر مصدق با اختیارات تام به نخست وزیر رسید او به شرطی نخست وزیر را قبول کرد که به او اختیارات تام داده شود. زیرا او می دانست که در آن موقع نه مجلس در اختیار او بود نه ارتش و نه دستگاههای دولتی. اما در مقابل نیروی لایزال خلق با مصدق بود. اولین برنامه مصدق اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود و اولین قدم در این راه کوتاه کردن دست انحصارات نفتی بود که امپریالیسم

#### حق خود مختاری خلق های ایران

هر دو "متن پیشنهادی قانون اساسی" و "پیش نویس قانون اساسی" در زمینه این اصلی ترین خواست خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی ایران ساکتند. همانطوریکه مادر شماره ۸ "کار" به تفصیل درباره حقوق خلقها بیان کردیم معتقدیم که تامین این حقوق و دادن خود مختاری به خلقها در چهار چوب کشور ایران، ضمانت کننده وحدت ملی ماست. بانه رسمیت شناختن حق خود مختاری به خلقهای ایران است

بقیه در صفحه ۱۱

## سایه شوم سانسور در پست و تلگراف

در توضیح این نظرات هیچگاه بی غل و غش با مردم روبرو شده و به آنان توضیح لازم ر داده اند؟

کمی به گذشته بنگریم که رژیم سابق هم در توجیه نيات سوء و ضد خلقی خود همیشه از راههای قانونی و با استفاده از دستورات بظاهر موجه سعی در جلوگیری از رشد افکار عمومی و سرکوب توده ها در اشکال مختلف آن از جمله سرکوب فکری آنان داشت.

اتهام در آن رژیم هر چیزی را که در جهت منافع زحمتکشان و محرومین و رشد آگاهیهای حق طلبانه آنان بوده، مضره و خلاف مصالح عالیه کشور (۱) قلمداد می کردند.

حال مردم از دادستانی کل و وزارت پست و تلگراف می پرسند که چنانچه نيات مصلحت آمیز شما با آنچه در رژیم سابق بوده، متفاوت است، نظر مشخص خود را برای جلوگیری از نشر کتب و آثار و اشياء مضره و همچنین دلایل بررسی و تفتیش نامه ها را توضیح دهید تا مردم واقعا خدمتگزاران "واقعی" خود را از "مفسدین" جامعه تمیز دهند.

در بی دستور دادستانی کل انقلاب اسلامی به وزیر پست و تلگراف دارییر تفتیش کلیه نامه ها و محموله های پستی و معدوم کردن کلیه کتب و نوارها و اشياء "مضره و مفسده" این سؤال برای مردم مطرح است که واقعا تفتیش نامه ها اساسا یک عمل ضد دمکراتیک نیست؟ و اساسا مقصود از اصطلاحات "مضره" و "مفسده" چیست؟ چرا از توضیح این اصطلاحات طفره می روند؟ ظاهرا هدف این است که چنان لغات مبهمی بکار برند که بنا بر اوضاع و احوال، قابل هرگونه توضیح و تفسیری باشد. با بکار بردن لغات "مضره" و "مفسده" هر کسی می تواند با فریفتن افکار عمومی، هرگونه آثار شفاف و کتبی مخالف منافع قشری انحصار طلبان را در نظر مردم بعنوان آثار ضاله معرفی کند. به این طریق با توجیه عمل سانسور و تفتیش عقاید تحت عنوان مبارزه با فساد و گمراهی، هرگونه تفکری را که در جهت حمایت از منافع کارگران و زحمتکشان و طبعا در خلاف جهت منافع سرمایه داران باشد، بعنوان افکار و کتب و آثار مضره تلقی خواهد شد. آیا براستی تاکنون از این دستورات منطبق با منافع و ایستگان امپریالیسم سوء استفاده هائی نشده است؟ و آیا تصمیم گیرندگان سرنوشت مردم، در این شرایط خاص

به وزارت پست و تلگراف، جناب آقای دکتر اسلامی

دینوسله آقای مهدی نژاد امضای از طرف دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران میگرداند.

ایمان مجازند تا در مورد کلیه محموله ها و نامه ها مسته های پستی بررسیهای لازم بعمل آورند. پست و تلگراف کلیه کتب و نوارها و اشياء مضره و مفسده را علانی کشف شده، پس از گزارش بانجناب با نظر دادستانی کل معسر خواهد شد.

دادستان کل انقلاب اسلامی ایران

رویش:

دقت وزارت دارائی و امور اقتصادی جناب آقای اردلان

آقای مهدی نژاد امضای جهت اجرا.

## تبریک سازمان، به خلق قهرمان نیکاراگوئه سرنوشتی رژیم فاشیستی ساموزا در نیکاراگوئه هر لحظه نزدیکتر میشود

در چند ماه اخیر خلق دلیر و رزمنده نیکاراگوئه به رهبری جبهه ساندانیست ضربه های سختی بر پیکر رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم ساموزا وارد آورده و به پیروزیهای درخشانی ناغال آمده است. نبرد مسلحانه جبهه ساندانیست در کلیه شهرهای نیکاراگوئه با پشتیبانی بی نظیر مردم، بخصوص کارگران و زحمتکشان روبرو شده است. در حال حاضر کنترل بسیاری از شهرها در دست انقلابیون است و مناطقی آزاد شده تشکیل شده است. رژیم دیکتاتوری ساموزا برای مقابله با جنبش مسلحانه خلق حتی با یخت کشور را بمباران کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیروزی های خلق مبارز و انقلابی نیکاراگوئه به رهبری جبهه آزادیبخش ساندانیست را تبریک می گوید و پیروزی قطعی رژیم ساموزا و امپریالیسم آمریکا را برای خلق آرزوی کند.

در زیر آخرین خبرهای جبهه نبرد راهبردی آگاهی خوانندگان می آوریم.

روز ۲۲ خرداد یک هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا (۶۱ بمبکائس) را از ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه خارج کرد و به منطقه کانال پاناما منتقل کرد.

کاروانی که امریکاییان را به فرودگاه برد توسط سربازان نیروی دریایی آمریکا محافظت گردید. در جلوی این کاروان هم چنین یک کامیون پراز افراد گارد ملی حرکت می کرد.

جنگ همچنان در ماناگوا بین چریکها و گارد ملی ادامه دارد و هر روز شدت بیشتری می گیرد. اکثر مناطق شهر بدون آب و برق می باشد. برخورد بین چریکهای ساندانیست و گارد ملی اکثر در مناطق فقیرنشین خلقی شهر می باشد. بر طبق گزارشات رسیده از منابع صلیب سرخ تعداد زیادی اجساد شهدا در مناطق مختلف شهر به چشم می خورد. بنا به گفته این منابع وضع بقدری خطرناک است که امکان فرستادن آمبولانس برای جمع آوری اجساد و زخمیان وجود ندارد. از رقم دقیق کشته شدگان آمار داده نشده است. شهود عینی گزارش داده اند.

که ساختمان تنهاروزنامه مخالف رژیم ساموزا یعنی لاپرسا واقع در ماناگوا توسط موشکهای هواپیماهای دولتی نابود شده است.

همچنین جنگ در شهرهای شمالی استلی، ماناگالیا و لئون شدت یافته و گارد ملی با استفاده از هواپیما و خودروهای زرهی به چریکها حمله کردند.

در جنوب کشور نیز در نزدیکی ماسایا و مرز کوستاریکا، جنگ همچنان ادامه دارد. چریکها ضربات بی دریغی و کوبنده ای به گارد ملی وارد آورده اند.

اخبار آخرین لحظه ای که روزنامه زیر چاپ می رفت حاکی است که کنترل جبهه آزادیبخش ساندانیست بر شهرهای مهم روز بروز زیادتر می شود. تزلزل و بی اعتمادی در گارد ملی ساموزا هر لحظه افزون تر می گردد. تاکنون تعداد زیادی از افسران و سربازان گارد ملی فرار کرده اند.

جبهه آزادیبخش ساندانیست تشکیل یک حکومت موقت انقلابی را اعلام کرده است. جبهه ساندانیست از افراد گارد ملی خواسته است تا دیر نشده اسلحه را زمین بگذارند.

**بزرگداشت**  
**خاطره رفیق شهید**  
**حسن نیک داودی**

انزلی - ۲۳ خرداد نهمین سالروز شهادت رفیق شهید حسن نیک داودی بود. او که از نخستین پیشگامان جنبش نوین انقلابی بود، با عزمی استوار در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع گام نهاد و خونش را در راه آزادی کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده میهنمان نثار کرد. رفیق در اردیبهشت ماه ۴۹ توسط درخیمان ساواک دستگیر شد و در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم به شهادت رسید.

به مناسبت بزرگداشت خاطره شهادت رفیق مراسم باشکوهی در بندر انزلی زادگاه رفیق برگزار شد.

# مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش





# بانکها و سیاست اقتصادی دولت

انقلاب باید تاروپود اجتماعی منحط را از هم بگسلد، حاکمیت سیاسی جدید ایجاد کند و سلطه اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را درهم بکوبد. انتظار توده‌های انقلابی از انقلاب و دولت موقت همین است. موقتی بودن دولت درست به همین معناست. وظیفه دولتی که پس از انقلاب به قدرت می‌رسد انتقال دادن جامعه از وضع تحت سلطه امپریالیستی و فقر و نابرابری نکیبت‌بار، اختناق و سلب حقوق دموکراتیک به وضعی جدید است که در آن نه از سلطه امپریالیسم، نه از فقر و تبعیض و نه از اختناق و بندگی نشانه‌ای باشد.

لیکن دولت بازرگان موقتی بودن دولت را به معنای بی‌عملی در محو سلطه امپریالیسم، حاکمیت اقتصادی گذشته و بندگی توده‌های ستمدیده ایران می‌داند. جامعه موجود تبتی زنده دارد. حیات دارد، حرکت دارد، نمی‌توان حتی برای مدتی کوتاه آن را در اسکنون نگاه داشت. سکون نیروهای انقلابی بی‌معنای حرکت سریع‌تر نیروی ضدانقلاب است. اگر انقلابی ضربه‌ای بر بدنه روابط اجتماعی منحط و سلطه آمیز فرود آورد، تضمین پیروزی آن ایجاد روابطی اصیل، انسانی و به دور از سلطه امپریالیسم است.

امادراین چندماه گذشته می‌بینیم دولت بازرگان سخت می‌کوشد در لاشه نیمه جان روابط اقتصادی پیشین جانی تازه بدمد. رئیس بانک مرکزی حتی سرمایه داران وابسته فسراری را به بازگشت دعوت می‌کند. رئیس شرکت نفت از بی‌امنیتی اجتماعی می‌نالند. نه از آن جهت که مردم خواهان نظم و آرامش هستند. بلکه از آن رو که متخصصین خارجی در این وضع حاضر به بازگشت نیستند. وزیر کار می‌کوشد تا شوراهای کارگری را در کارخانه‌ها تضعیف کند و از هم بپاشاند و راه حل مسئله بیکاری را در بره افتادن همان کارخانه‌های وابسته می‌داند. وزیر کشاورزی، در مقابل فشار کشاورزان برای تصاحب زمینهای مالکان بزرگی که بر زمینهای حاصلخیز این سرزمین جنگ انداخته اند مقاومت و سرسختی می‌کند. سازمان برنامه هم یک کلام دم بر نمی‌آورد که برنامه اقتصادی انقلاب را چگونه می‌بیند.

در این قیل و قال که دستگاههای دولتی به راه انداخته اند و مسائل پیش پایافته‌ای که هر روز علم می‌کنند، گفتار وابستگی در حال جان گرفتن است. در حال راه افتادن است، و هر دم می‌کوشد راهی باز کند و گوشه‌ای از بره‌وف نیماز خود شکل دهد. اما، مردمی که چنین ضربه‌ای را در انقلاب بر شوه خود بر آن و بر میانشان آن وارد کرده‌اند، اجازة نخواهند داد، که این گفتار جانی تازه بگیرد.

دولت سرانجام بانکها را ملی اعلام کرد. همانطور که پیش از این هم گفتیم ملی کردن بانکها و صنایع خواست توده‌های انقلابی ایران است. اما دولت بازرگان آنگاه بانکها را ملی اعلام کرد که دیگر توان آن را نداشتند برای خود بایستند و به دامان دولت افتادند. اداره بانکهای ملی شده سنگ محک دیگری است که انقلابی بودن دولت را می‌آزماید. در گذشته بانکها در خدمت صنایع و اقتصاد وابسته ایران بودند. آنگاه که اقتصاد وابسته ایران به بحران کشیده شد، و آنگاه که توده‌های ستمدیده ایران حلقه اتصال امپریالیسم و اقتصاد ایران را بست کرد، بانکها نیز که جزء اساسی این حلقه اتصال بودند، ورشکست و درهم شکسته شدند.

دولت، ناگزیر بر فشار توده‌ها و وزیر فشار واقعیت‌های اقتصادی بانکها را ملی کرد. اما می‌دانیم که نقش بانکها در رابطه‌ای که بطور کلی با اقتصاد جامعه دارند قابل بررسی است. در گذشته بانکها وسیله‌ای برای استعمار و انتقال ثروت‌های غارت شده مردم ایران، توسط سرمایه داران وابسته و امپریالیستها بودند. مسئله این است که پس از این نقش بانکهای ملی شده در هفته گذشته روزهای بیستم تا بیست و دوم خرداد به دعوت مفتی زاده کفرانی در سنج و تشکیل شد. نمایندگان که از شهرهای مختلف کردستان به کفران آمده بودند اکثر از زمینداران و روحانی نمایان و کسانسی بودند که در گذشته و حال همیشه در مقابل مردم بودند و نمی‌توانستند از جانب مردم نمایندگی داشته باشند. چیزی که هرگز برای آنها اهمیت نداشته سالده خود مختاری و حق تعیین سرنوشت خلق کرد بوده است تا حدی که حتی چند نفر از نمایندگان در تجلیل از مصطفی بارزانی مزور امپریالیسم سخنرانی کردند. بعنوان نمونه رئیس کفران جناب آقای سیدالشهدائی، دکتری که صاحب بیماری‌ستانی خصوصی در سنج است، دکتری که دهقانانی را که قادر به پرداخت هزینه‌های بیمارستانش نبودند زندانی می‌کرد و در آبانماه گذشته در اوج جنبش مردم، همانند هزاران عامل رژیم مغز و خائن به خلق پاپولسیای مردم به آمریکا گریخت و حالا بعد از اینکه آب‌ها از آسیاب افتاده بازگشته و رئیس کفران شده است. نامشده و دیگر نماینده جوانرود حسین بگ وکیل یکی از مرتجع ترین خائنها جوانرود می‌باشد که همدوش سالار جاف اقدام به

چگونه خواهد بود. و این نکته بدون توجه به ساخت اقتصادی جامعه و خلعت سرمایه‌داری آن روشن نخواهد شد. چنانچه اقتصاد ایران نتواند از ورطه وابستگی برهد، ملی شدن بانکها دردی را دوانمی‌کند. بانک اعتبارات صنعتی هم به تعبیری "ملی" بود. بانک ملی هم "ملی" بود. اما در عمل تفاوتی با بانک توسعه صنعتی و معدنی و بانک تهران که هر دو خصوصی و وابسته بودند، نداشتند. عملکرد هر دو نوع بانک یکی بود و آن تامین اعتبار برای فعالیتهای اقتصادی وابسته در اقتصاد وابسته بود.

اگر قرار بر این باشد که اقتصاد ایران، با اتکا به فروش نفت به انحصارات جهانی دوباره در جهت حفظ سرمایه داری وابسته پیش رود، دیری نخواهد پاید که بانکها اگر دولتی هم باشد، باز نیز نقش گذشته خود را برعهده گیرند. اگر قرار باشد، اکنون که بانکها در دست دولت قرار دارند برای بره انداختن صنایع وابسته، و بطور کلی، سرمایه داری وابسته، به کار برده شوند، دیگر صحبت از ملی بودن آنها بی‌معنی است. دولت موقت در مقابل توده‌های انقلابی ایران موظف است که جهت گیری برنامه اقتصادی خود را دقیقاً اعلام کند. این مسئولیتی است تاریخی که از آن گزیری نیست، و پیش کشیدن "موقتی بودن دولت چیزی جز بهانه‌ای برای بی‌عملی و حفظ وابستگی نیست.

دولت باید صریحاً اعلام کند که جهت گیری اقتصادی - اش چیست. برای مقابله با صنایع وابسته، برای مبارزه با سرمایه‌داری وابسته چه راهی را در پیش دارد؟ آیا دولت بر آن است تا همان صنایعی را که بوده‌اند بی‌کم و کاست دوباره به راه اندازد و در این ره اگر این‌پان کارخانه توان به راه افتادن را ندارند، دولت اداره آنها را برعهده گیرد؟ آیا این به معنای رهائی از سلطه امپریالیسم و از منجلا ب وابستگی خواهد بود؟ دولت ماهی است که بر سر کار است. نه خود سرگرم نوشتن قانون اساسی بوده و نه خود سرگرم دادگاههای انقلابی بوده است و حتی گله کرده است از اینکه در این امور دخالتی نداشته است، چه کاری مهتر از این بوده است که دولت طرح کلی جهت گیری اقتصادی ایران را اعلام کند.

دولت حتی هنوز صریحاً اعلام نکرده است، ملی کردن بانکها در چه چهارچوبی انجام می‌پذیرد. دولت حتی نگفته است چرا باید سرمایه بانکهای را که سالها مردم این کشور را چپاول کرده‌اند به سرمایه‌داران غارتگر پرداخت شود. دولت هنوز سیاست اعتباری بانکهای ملی شده و نحوه مدیریت آنها را اعلام نکرده است. دولت چه کسانی را برای اداره امور بانکهای ملی شده گسیل داشته است؟ آیا این افراد که نام آنها در روزنامه‌ها منتشر شد، همان معاونان و حتی روسای بانکها و شرکتها وابسته پیشین نیستند؟

ما معتقدیم دولت باید هر چه زودتر سیاست اقتصادی خود را در باره صنایع، کشاورزی و تجارت اعلام دارد. ما معتقدیم که دولت باید به وقت در جهت برانداختن ریشه‌های سلطه امپریالیسم گام بردارد. این درست همان نقشی است که پس از انقلاب برعهده دولت موقت است. ما معتقدیم که ملی شدن بانکها باید به معنای اصیل آن باشد، تا بار دیگر بانکها در خدمت اقتصادی وابسته در نیایند.

این مستلزم آنست که مدیریت بانکهای ملی شده برعهده نیروهای انقلابی جامعه و نه میانشان سرمایه‌داری وابسته، قرار گیرد. ما معتقدیم بانکها باید توسط شورائی از نمایندگان منتخب کارکنان بانکها، کارگران، کشاورزان و دیگر نیروهای انقلابی اداره شود.

این تضمینی است در مقابل خطر گرایش در جهت احیاء وابستگی اقتصادی ایران.

## روستائیان به شهر:

## برای پس گرفتن زمینهای خود شخصاً اقدام میکنیم

شان هستند برداخته‌اند. البته این قبیل تحریکات مالکان در اغلب نقاط مبین چه کردستان، آذربایجان و کرمانشاه و مازندران و خراسان و بلوچستان و فارس و... ادامه دارد.

ولی برآستی چگونه است که با وجود نابودی رژیم سابق بعنوان حامی سرمایه داران و زمینداران، غارتگران، زمیندار و سرمایه دار با کمک اتحادیه امپریالیسم آمریکا همچنان به مستواستثمار کشاورزان و کشتاورزان ستمدیده و زحمتکش ادامه می‌دهند و مقامات مسئول در به شهر آنها پیگیری می‌نکردند، تا اینکه روز ۲۱ اردیبهشت با سرازیر شدن عده‌ای از عوامل زمینداران به روستا، کشاورزان مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

بعد از همه این تحریکات، مالکان مراجع قانونی شهرستان به شهر در جلسه‌ای با حضور فرماندار نمایندند دادستان و کمیته امام رضایت نامه‌ای از طرفین گرفتند. اما در تاریخ ۶ خرداد که دو تن از اهالی روستای فوق قصد مسافرت به تهران را داشتند در گذار از توسط عده‌ای از اراذل و اوباش مالکان به نام های نجفی و عین‌اله جعفری و چند تن دیگر مورد ضرب و جرح قرار گرفتند، که حال دو مسافر و خیم است و به بیمارستان منتقل شدند. از اینرو با وجود رضایت نامه‌ای که به امضای دوطرف رسیده بود و مالکان آنها زیر پا نهادند، کشاورزان تصمیم گرفتند زمینهایشان را به هر شکلی شده از مالکان متجاوز پس بگیرند. بدینجهت تا ده روز به مقامات مسئول فرصت دادند تا چنانچه از طرف آنان اقدام عادلانه‌ای انجام نشود، کشاورزان با خانواده‌های خود بر سر زمین خواهند رفت و مقامات مسئولیت عواقب آن را خواهند داشت. زیر این نامه را پیش از سی نفر از اهالی امضاء کرده‌اند.

اخیرا عده‌ای از روستائیان قریه زینوند از توابع شهرستان به شهر نامه‌ای به استاندار مازندران نوشته‌اند که در آن از غصب زمینهای مزروعی اهالی بوسیله چند زمیندار معروف این منطقه صحبت کرده‌اند.

کشاورزان محروم قریه زینوند پس از قیام، مدارکی علیه غصب زمینهایشان بوسیله زمینداران محلی را به کمیته امام و دولت ارائه داده‌اند ولی مقامات مسئول در به شهر آنها پیگیری نکردند، تا اینکه روز ۲۱ اردیبهشت با سرازیر شدن عده‌ای از عوامل زمینداران به روستا، کشاورزان مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

تجاوز مالکین هر روز شدت می‌یابد تا جائیکه در کردستان مالکان دست به تشکیل اتحادیه فئودالی زده اند و با یکار گرفتن مزدوران مسلح و عوامل فساد ه موقت به سرکوبی و تجاوز به کشاورزان بی زمین که در پی کسب حقوق از دست رفته

تجاوز می‌یابد تا جائیکه در کردستان مالکان دست به تشکیل اتحادیه فئودالی زده اند و با یکار گرفتن مزدوران مسلح و عوامل فساد ه موقت به سرکوبی و تجاوز به کشاورزان بی زمین که در پی کسب حقوق از دست رفته

## درافشای مرتجعین و توطئه‌گران

### گنبد بکوشیم

کشاورزی سابق منصور روحانی است و در این رابطه مقدار زیادی از جو و انواع خوراکیهای دائمی را که به سهمیه منطبقه در صحرای تعلق داشت با همکاری منصور روحانی به خود اختصاص می‌داد و در بازار آزاد به قیمت گزاف می‌فروخت.

نامبرده در شهرهای گنبد شکایت نامه های زیادی دارد که از طرف مردم انجام شده است. نماینده گنبد در آخرین دوره مجلس آریامهری بود که استعفا نیز نداد و برای خوش خدتی به دستگاه حقوق نمایندگی خود راه مجلس بخشید. و با تمام درباریهای مهم رابطه نزدیک داشت و در اداره کردن امور منطقه ترکمن صحرا بهره‌ا اصلی آریامهر بوده است. قسمتی از دارائیهای که از خلق ترکمن به بیجا برده عبارتست از حداقل سه هزار هکتار زمین زراعی، کارخانه پنبه پاک کنی جعفریای در گنبد و مقداری مستقلات شهری در گنبد و یک ویلا در خزر و شهر بسیاری دارائیهای دیگر که مامی دانیم.

سندج اهالی آواره شده روستای "پنجه اولیا" در نامه سرکشاده ای به وضع خود اشاره کرده و نوشته اند که علت غصب زمینهایشان توسط فئودال مرتجع "پنجه اولیا" به نام سید جمیل حسینی در روستاها و شهرهای اطراف آواره شده اند. آنها ضمن مطرح کردن خواستهایشان در مورد گرفتن زمینهای روستا و مجازات سید جمیل و خلع سلاح وی و عوامالت اعلام کرده‌اند که در صورت عدم رسیدگی به خواستهایشان دست به تحصن خواهند زد.

بشهر روستای قره تپه ده کیلومتری شمال غربی به شهر - کشاورزان این روستا بعد از قیام زمینهای یکی از زمینداران بزرگ را برین خود تقسیم کردند و به کشت و درو پرداختند.

## مختاری باشند. اما آن خود مختاری که

آنان می‌خواهند با حق تعیین سرنوشت که خواست زحمتکشان شهر و ده می‌باشد زمین تا آسمان فسق دارد. فئودالها و روحانی نمایان خواهند خود مختاری هستند تا با دست باز و خیال راحت شیره جان و حاصل خیز زمین زحمتکشان را بکنند. آنها خواهان اختیار کامل و جدا از هرگونه کنترل و محدودیتهای قانونی هستند تا نظام طبقاتی و بهره‌گشی از زحمتکشان را تشدید و تحکیم کنند.

به این ترتیب کفران ۵۸/۳/۲۰ سندج نه مرکب از نمایندگان واقعی خلق کرد بوده و نه بازگو کننده اهداف و خواستهای حقیقی زحمتکشان می‌باشد تنها کسانی صلاحیت نمایندگی خلق کرد را دارند که وفاداری خود را به زحمتکشان عملاً به اثبات رسانده و مستقیماً از طرف خود مردم انتخاب شده باشند. خلق کرد قبلاً خواستهای بحق و عادلانه خود را در قطعنامه ۸ ماده ای مهیا - سندج انتشار داده و تاکنون در تظاهرات و میتینگ های مختلف بارها آنرا تائید کرده است. ما کفران ۵۸/۳/۲۰ را نوطه و خود فریبی بر علیه خلق ستمدیده مان دانسته و معتقدیم که گردانندگان این کفران هدفی جز به انحسار ف کشاندن مبارزات حق طلبانه مردم در جهت رفع ستم ملی و طبقاتی ندارند، لذا آنرا محکوم کرده و از شرکت در آن خودداری خواهیم کرد.

## کفران ارتجاعی سندج با شکست مواجه شد

۲- و این که ماهیت خود مختاری که آنها می‌خواهند چگونه است؟ آنچه که مسلم است اینست که خلق ستمدیده و مبارز کرد اکنون به هیچکدام از عناصر فوق نمایندگی نداده و آنها را به رهبری نپذیرفته است. فئودالهایی که بخون زحمتکشان تشنه اند و حیات آنها را در گرو مکیان شیره جان زحمتکشان است نمی‌توانند نماینده واقعی مردم باشند. اینها تا دیروز از حایمان و دعا گوئیان رژیم مغزور شاه بودند و یکمکانزاداری و ساواک مردم را در سخت ترین فشارها و محرومیتها قرار داده بودند و امروز از هیچگونه تهدید و ستم نسبت به زحمتکشان ابائی ندارند.

قتل مردم مبارز پاوه می‌کرد و سرکوب مبارزین خلق کرد با ساواک و زندانهای همکاری می‌کرد و در تهران هم در بخش کردی اش در ۵۸/۳/۲۱ در خبری راجع به کفران شخصی به اسم رحمت علی پور را نماینده سردشت معرفی می‌کنند که بعلت وابستگی به رژیم سابق و ارتجاع شدیداً مورد اعتراض مردم واقع می‌شود. هر چند مفتی زاده از افراد و گروههای سیاسی و مذهبی برای شرکت در کفران دعوت کرده بود اما به دلیل ضد مردمی بودن هدف و ماهیت کفران از شرکت در کفران خودداری کرده در اعتراض و محکوم کردن این عمل اعلامیه‌هایی هم دادند. شیخ عزالدین حسینی نماینده مهیاد هم دعوت را رد کرده بود و اینجا قسمتهای از اعلامیه دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق را در سندج می‌آوریم:

در هفته گذشته روزهای بیستم تا بیست و دوم خرداد به دعوت مفتی زاده کفران در سنج و تشکیل شد. نمایندگان که از شهرهای مختلف کردستان به کفران آمده بودند اکثر از زمینداران و روحانی نمایان و کسانسی بودند که در گذشته و حال همیشه در مقابل مردم بودند و نمی‌توانستند از جانب مردم نمایندگی داشته باشند. چیزی که هرگز برای آنها اهمیت نداشته سالده خود مختاری و حق تعیین سرنوشت خلق کرد بوده است تا حدی که حتی چند نفر از نمایندگان در تجلیل از مصطفی بارزانی مزور امپریالیسم سخنرانی کردند. بعنوان نمونه رئیس کفران جناب آقای سیدالشهدائی، دکتری که صاحب بیماری‌ستانی خصوصی در سنج است، دکتری که دهقانانی را که قادر به پرداخت هزینه‌های بیمارستانش نبودند زندانی می‌کرد و در آبانماه گذشته در اوج جنبش مردم، همانند هزاران عامل رژیم مغزور و خائن به خلق پاپولسیای مردم به آمریکا گریخت و حالا بعد از اینکه آب‌ها از آسیاب افتاده بازگشته و رئیس کفران شده است. نامشده و دیگر نماینده جوانرود حسین بگ وکیل یکی از مرتجع ترین خائنها جوانرود می‌باشد که همدوش سالار جاف اقدام به

# سنتحکم باد وحدت کارگران، دهقانان و زحمتکشان

### گزارش کاملی از دستگیری...

عدم رسیدگی به خواستههای منحصن اررور شنه ۵۸/۳/۲۶ - اعلام کرده اند. در این روز سر بدسوز رثوی اررور مخبرین به محل تحصن جلوگیری شد. در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر قطعه نامه تحصن خوانده شد. در این قطعه نامه صم تأیید اعمال انقلابی دادگاههای انقلاب، محاکمه فوری و علنی دستگیر شدگان (حاجی - معیل - حاجی - شعبی زاده) و اعلام علل تأخیر در این محاکمه خواسته شده بود. همچنین از دولت موقت خواسته شده بود که موضوع خود را در مقابل اینگونه تعدیات اعلام دارد. سر اعلامیه همسران زندانیان خوانده شد که در آن خطاب به کارکنان مبارز صنعت نفت گفته شده بود که به علت انتقال زندانیان به تهران و بخاطر ادامه مبارزه در راه محاکمه علنی و آزادی آنان تحصن بطور موقت تا آغاز آن در تهران شکسته می شود. تحصن در ساعت ۳ بعد از ظهر پایان یافت و ولی در صورت تأخیر در محاکمه و آزادی زندانیان در تدارک تحصن دیگری برای هفته آینده هستیم.)

از آغاز اعلام تحصن در ۵۸/۳/۲۱ ارتجاع شروع به عکس العمل تند نمود. فعلا نیز ارتجاع در صنعت نفت و شهر اهواز با شایعه پراکنی های اغراق آمیز درباره زندانیان سعی در سرگردادن افکار عمومی نسبت به آنان (با در نظر گرفتن وجهه آنان در طول اعتصاب در صنعت نفت و شهر اهواز فوق العاده افزایش یافته بود) را داشت ولی شایعات بی تأثیر بود. در ۵۸/۳/۲۲ یک اعلامیه جعلی بنام "کارکنان انقلابی صنعت نفت" بیرون آمد که کارکنان انقلابی را از تحصن برحذر می داشت و آرا عملی ضد انقلابی شمرده بود و تهدید کرده بود که "به هر وسیله این گونه توطئه هاراختی و از بین خواهیم برد" این اعلامیه با وجود پخش در سطح وسیع بی تأثیر بود. اعلامیه دیگری در تاریخ ۵۸/۳/۲۲ زیر نام "جبهه متحد مسلمانان خورستان" حاکی از تهمت هائی بصورت کلی گویی (ضد انقلابی و اسلام و...) بر علیه منحصن پخش شد. اما در سطح وسیعی پخش نشد چون به وسیله عوامل ارتجاع خارج از صنعت

نفت تهیه شده بود. در این اعلامیه از "ملت مسلمان" خواسته شده بود که "لباس رزم بپوشند" و "بر علیه ضد انقلابیون" که "نقش ماموران امریکا" و "مستشاران" را بازی می کنند و می خواهند نفت را بروی مردم ببندند" به جنگند. تأثیر این اعلامیه تقریبا صفر بود. چون جعلی و بی پایه بودن اینگونه قطعنامه کارگران متحصن صنعت نفت ماکارکنان صنعت نفت دسیسه های امپریالیسم و ارتجاع را که مدتیست بشکار انقلابیون راستین و مبارز دوران اختناق و استبداد پرداخته و آنها را بدون هیچ دلیل و مدرکی به بندگی می کشاند محکوم نموده و بخاطر اعتراض به دستگیری سه تن از مبارزترین همکارانمان که از گردانندگان موثر اعتصابات ضد دیکتاتوری رژیم سابق بوده اند دست به تحصن می زنیم.

بازداشت این همکاران تاکنون هیچیک از مراحل قانونی را طی نکرده و اعتصاب غذای ده روزه باعث ناراحتی جسمی آنها گردیده و بازتاب این امر در بین کارکنان صنعت نفت ایجاد نگرانی عمیق کرده است.

با اعتقاد به حقانیت خواسته های ذیل از دولت موقت انتظار داریم که سریعاً به این مساله رسیدگی نماید. لازم به یاد آوری است که اقدامات انقلابی دولت موقت و دادگاههای انقلاب اسلامی همواره مورد تأیید ماست.

۱- محاکمه علنی و فوری آقایان شبر معیل، محمد جواد حاجی و ناصر حیاتی در حضور نمایندگان مطبوعات و جراید و کارکنان و کلا در اهواز.

۲- چون همکاران دستگیر شده در وضعیت بدی از نظر جسمی به سر می برند خواهان توضیح علت تأخیر در محاکمه نامبردگان می باشیم.

۳- مصرا از دولت موقت می خواهیم موضع خود را در قبال اینگونه تجاوز و تعدی به حقوق افراد مشخص کند.

چون همکاران دستگیر شده از مبارزترین نمایندگان اعتصاب صنعت نفت بودند، در صورت عدم رسیدگی به وضعیت آنها فعالیت خود را در جهت آزادی شان ادامه خواهیم داد.

از تمام نیروهای انقلابی و مترقی انتظار داریم در این راه مبارزانه ایستادگی کنید.

### چه کسانی خواستار بازگشت سرمایه داران

### جنایتکار و سرسپرده امپریالیسم هستند؟

بندبال فرار (ایروانی) غارتگر صاحب نام و سهامدار عمده گروه صنعتی ملی و دیگر مهربانهای سرسپرده اش (مثل عطری و غیره) از طرف دولت پنج نفر مدیر برای کارخانه انتخاب می شوند که با همکاری شورای کارکنان گروه را اداره کنند در این مدت عوامل کارفرما که منافع خود و اربابان شان را در خط سر دیده اند دست به تلاش مذبحانه ای زدند تا شاید مدیران سابق و ایروانی را برگردانند.

هفته پیش در یکی از کارخانه های کفش ملی (چرم رخشان) چند نفر از عوامل کارفرمای سابق شروع به جمع آوری امضاء برای طوماری می کنند که در آن نوشته شده بود که کارگران از کار مدیران قبلی راضی بوده و خواستار بازگشت آنها به سرکار خود هستند. این عوامل موفق می شوند از عده ای از کارگران بسیج و در به عنوان اضافه حقوق و... امضاء بگیرند که این درخواست به محض اطلاع کارگران آگاه و مبارز توسط توطئه گران پاره شده و از بین می رود و توطئه به این ترتیب آشکار می شود.

از سویی دیگر یکی از مدیران گروه به اسم آقای مهدوی که نماینده هیئت مدیره گروه صنعتی در کارخانه های کفش سازی به عنوان این هیئت مدیره به وزارت کار رفته و در آنجا اعلام می دارد که ماهه مدیریت مدیران دولتی احتیاجی نداریم. بندبال این جریان پنج نفر مدیر دولتی باهم از کارخانه خارج شده و حساب شرکت را مسدود می کنند.

روز پنجشنبه ۵۸/۳/۲۴ در حالیکه کارخانه تعطیل بوده عده ای مسلح به کارخانه حمله می کنند که با مقاومت متقابل کارگران محافظ مواج می شوند. در این حمله یکی از کارگران زخمی می شود و ۱۵ نفر از مباحین دستگیری می شوند. در تحقیقات بعدی معلوم شد که این افراد از طرف عوامل کارفرما احیر شده بودند.

روز شنبه ۵۸/۳/۲۶ در کارخانه کفش ملی (قسمت سرآسیاب مهرآباد) اعتصاب رخ می دهد. خواست اعتصابیون جلوگیری از ورود مدیران قبلی و ابقا مدیران دولتی بوده و عملاً از ورود کلیه مدیران عامل و روسای هیئت مدیره کلیه شرکت های گروه به کارخانه جلوگیری می نمایند اعلام می کنند که اگر ابقا مدیران دولتی امکان نداشته باشد کارخانه باید توسط شوراه اداره شود (شورای کارکنان متشکل از نمایندگان کارگران و کارمندان تشکیل شده است). این جریان تا روز دوشنبه ادامه یافته و در روز دوشنبه ۵۸/۳/۲۸ یکی از مدیران قبلی شرکت (مهدوی) با یک نفر نماینده از وزارت کار به شرکت مراجعه کرده و با نمایندگان کارکنان گروه مذاکره می نمایند در این جلسه موافقت می شود که بشرطی حاضرند به مدیران سابق اجازه ورود به

### زحمتکشان جعفرآباد توطئه خان هارا نقش بر آب کردند

سالوس بازی رئیس پاسگاه به خشم آمد و بودند با اسلحه به مقابله با متجاوزان می پردازند. و بعد از چند ساعت زد و خورد خان و مزدوران فراری می کنند. زحمتکشان با تصرف ۴ دستگاه تراکتور و بدست آوردن یک قبضه اسلحه و گروگان گرفتن عده ای از مزدوران پیروز مندانه وارد زمینهایشان می شوند.

هوشنگ خان یگانه زمیندار دیگر همچنانکه خصلت استثمارگران است رباکارانه چهره عوض می کند و چنین وانمود می کند که به هواداری از روستائیان برخاسته است و به همراه یک درجه دار ژاندارم و یک سرباز و سرپرست پاسداران انقلاب کمیته بیچاره وارد میدان می شود، تا بلکه بتواند از آب گل آلود ماهی بگیرد. ولی زحمتکشان به خشم آمده دست اورانیز بازی می کنند و بعد از مدتی جریحتمند گروگانها را آزاد می شوند. هوشنگ خان اردلان سرسپردگان مزدور و سر نیز به کمیته بیچاره اعزام می گردند.

روستائیان جعفرآباد، از روستا های منطقه حاصلخیز گروس (تکاب - کردستان) از سالهای پیش تحت ستم فئودالی زن و شهری به اسمی "فرورزند" خان "و" هوشنگ خان یگانه "از فئودالهای بزرگ منطقه بوده اند. این روستاها با وجود اصلاحات ارضی کذائی هم با استفاده از نفوذشان در رژیم سابق به غارتگری و چپاول خود ادامه می دادند و اعتراضات دهقانان را شدیداً سرکوب می کردند. یکسال قبل این زن و شوهر از هم جدا می شوند و هر کدام به نحوی می خواهند به تنهایی زمینها را تصرف در آورند. در این جریان زن فئودال با فتودال دیگری به اسم هوشنگ خان اردلان وارد معامله می شود و با هم دیگر شونده و هر کدام به نفع خود زمینها را تصرف کرده اند. در ادامه همین نقشه روز شنبه یازدهم اردیبهشت هوشنگ خان اردلان

### اتحاد روستائیان کنگور

روستای کنگور تقریباً ۹۰ کیلومتری کلاله قرار دارد. جمعیت آن ۷۱۱ نفر است که شامل ۱۱۲ خانوار است و اکثریت آنها ترکمن می باشند. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران الهامی زحمتکشان کنگور تصمیم گرفتند همگی با هم متحد شوند و زمینهای غصب شده شان را پس بگیرند. تمام زحمتکشان روستایی ترکمن، فارس، بلوچ و زبلی در این اتحاد شرکت کردند. اینها زمینهای را که تیمسار مین باشیان، حاجی بیگزاده و چند غاصب دیگر بزور غصب کرده بودند باز پس گرفتند و وسعت این اراضی حدود ۵۵۰ هکتار بود.

بخش های مختلف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا کلیه امکانات و خدمات خود را برای بهبود اوضاع ده و اهالی زحمتکش آن در اختیار این روستا قرار داده اند مثل فرستادن گروه پزشکی جهت مداوای بیماران، روستائیان می گفتند که قبل از آمدن گروه پزشکی ستاد اصلا دکتري به آن ده نرفته است.

روستائیان زحمتکش کنگور حدود ۱۰ هکتار در صدشان زمین ندارند پس از مصادره زمینهای غصب شده توسط فئودالها، آنها را با هم می کارند. قسمتی از درآمد حاصله از این اراضی بنا به تصمیم شورابه نسبت کاری که اهالی روی زمین کرده اند تقسیم می شود. قسمتی از آنها هم به مصرف بهبود وضع زندگی و تامین احتیاجات عمومی ده مثل آبریز و حمام و... خواهد رسید.

کنند - روز ۵۸/۳/۱۵ هلی کوپتر در ارتفاع کمی در بالای روستای قاری حاجی مانور می دهد و موجب ترس و وحشت مردم می شود و وقتی در کنار پاسگاه به زمین می نشیند مردم اعتراض می کنند. یکی از جوانان روستا که همراه بقیه مردم به این عمل اعتراض کرده بود، به نماینده دولت (رسولی) مراجعه کرده بود. علاوه بر اینکه به اعتراضش رسیدگی نمی شود از جانب دادگاه اسلامی دستگیری می شود. خانواده وی و عده ای از مردم روستا در اعتراض به این عمل از تاریخ ۵۸/۳/۱۷ در محل دادگاه متحصن می شوند که عده ای از مردم هم به آنها می پیوندند. روز ۵۸/۳/۲۲ - دلیل ایجاد تشنج از جانب پاسداران متحصن برای جلوگیری از برخورد برای خنثی کردن توطئه آنها بدون نتیجه - گیری محل را ترک می کنند.

### قیام آباد - روز شنبه ۵۸/۳/۱۲

اصغر علیزاده نماینده فعال شورای دهقانی قیام آباد، توسط دادگستری آمل به زندان افتاد. اتهام این نماینده ظاهراً کوشش و شرکت در غصب زمین و تصرف عدوانی می باشد. ضناحکم جلب و دستگیری چهار تن دیگر نیز نمایندگان شورای دهقانی این روستا نیز صادر شده است. اقدام نادستانی دادگاه انقلاب اسلامی، بیانگر این واقعیت است که اقدامات رسمی جهت دفاع از مالکین کلاش و دزد و بر گرداندن مجدد زمین هابه آنان شروع شده است. این مسئله، از آنجائیکه در چند روستای دیگر، زمین های غصبی بوسیله روستائیان تصاحب شده است احتمال دیگری هائی را موجب می شود.

### کشاورزان گلپایگان تا آخرین قطره خون برای گرفتن حقوق خود ایستادگی خواهیم کرد.

روستای رباط حسینیه در حومه گلپایگان ۱۵۰ خانوار (در حدود ۱۵۰۰ نفر) جمعیت دارد. در شمال روستا ۱۷ هکتار مرتع قرار دارد که در گذشته مورد استفاده همه اهالی بود. در سال ۵۳ د و نفر زمینخوار به اسمی مکی نژاد و شفعی با استفاده از قدرت و نفوذشان و با تئانی باژاندارم و دادگستری زمینها را تصاحب می کنند و در پاسخ اعتراض روستائیان برای چند نفر از اهالی روستا پرونده سازی کرده و آنها را زندانی می کنند.

در زمستان گذشته در زمان اوج جنبش، روستائیان زمینهای خود را تصاحب نموده و مشترکاً روی آن کار می کنند. چندی پس از قیام درباره اشخاص نامبرده با عناوین مختلف در کار روستائیان اخلال می نمایند. با حمایت ژاندارم و با استفاده از وکیل به اسم لقمانی (رئیس سابق دادگستری گلپایگان که حکم زندان و جریمه روستائیان را صادر کرده بود) به اصطلاح حکم تخلیه زمینها را می گیرند بعد از آن روستائیان بانوشتن عریضه و نامه به مقامات دولتی و فرستادن نماینده

برای حل مشکل اقدام کردند اما همان روز نتیجه ای نگرفته اند. بالاخره مردم که دیگر کاسه صبرشان لبریز شده بود در تاریخ ۵۸/۳/۲۰ از زن و مرد و کوچک و بزرگ به طرف قم حرکت می کنند. بعد از اجتماع در جلو منزل آیت اله خمینی و مطرح کردن خواستههایشان، قرار می شود از طرف آیت اله گلپایگانی هیئت چهار نفره ای به نام خمینی بنام نوشته اند اعلام کرده اند که تا آخرین قطره خون خود برای رسیدن به حقوقشان ایستادگی خواهند کرد و مسئولیت حوادث بعدی به عهده آنها نیست. مهمتر این خواسته هایشان بدین شرح است:

۱- به رسمیت شناخته شدن مالکیت روستائیان بر زمینها از جانب مقامات مسئول

۲- دستگیری و مجازات مکی نژاد، شفعی و لقمانی.

۳- قبول نداشتن حکم دادگاهی که قانون رژیم ضد مردمی پهلو بر آن حکمفرما بوده است.

### کازرون

خواستهای روستائیان بخش حشت و کمارج ماز زحمتکشان قریه ایجانی از توابع بخش حشت و کمارج کازرون که در زمان خاندان مغفور پهلوی حتی از وسایل اولیه نایحتاج زندگی برخوردار نبودیم به همین علت از کشاورزی دست کشیده و برای کار به طرف سازمان برق اتسی شوشبر شافتیم و در جریان انقلاب شرکت تعطیل شد. پس از آن بیکار شده ایم. حال برای باقی ماندن در زادگاهمان و ادامه کار کشاورزی از دولت موقت خواهان خواسته هایی به شرح ذیل می باشیم

۱- ایجاد مجتمع آموزشی

۲- ایجاد لوله کشی آب و برق

۳- ایجاد مرکز بهداشتی

۴- ایجاد راه شوسه

۵- سد بندی آب رودخانه نزدیکی محل بر روی زمینهای زراعتی

# کار، مسکن، آزادی





### گزارش کاملی از دستگیری

# کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت اهواز و بی آمدهای آن

## الف - گزارش بازداشتها

۱- روز شنبه ۵۸/۳/۵ در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر دو نفر از ماموران " کمیته اهواز " شرمعیل مهندس نفت، کارمند اداره مهندسی نفت و عضو شورای انقلاب صنعت نفت اهواز را در خانه اش در کوی کورش اهواز بازداشت می کنند. ظاهراً او و آیتاله موسوی احضار شده است - چون دستگیر کنندگان اجازه بازداشت از سوی دادستان را نداشتند پس از انتقال به اتومبیل کمیته، چشمپاودستهای او را می بندند و او را به نقطه نامعلومی می برند. بلافاصله تلاش دوستان و همکاران و همسر آستان او برای یافتن آغاز می شود ولی کمیته و دادستانی و استانداری خود را بی اطلاع نشان می دهند. بالاخره در ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۳/۶ همسرش موفق به بیدار کوتاهی با او می شود و آگاه می گردید که در ۲۴ ساعت گذشته چشمپاودست و پای او بسته بوده و نمی داند که در کجا زندانی بوده چون مدام او را از این سو به آن سو نقل مکان (پاچشم بسته) می کرده اند. پس از آن دیگری هیچ وجه اجازه ملاقات با او داده نشد و حتی لباسی را که همسرش برای او به " کمیته " می برد به او تحویل نمی دادند. در تاریخ ۵۸/۳/۱۴ اطلاع یافتیم که او را به زندان دزفول منتقل کرده اند. (پادآوری می شود که اکثر بازداشت شدگان خلق عرب رایس از خونریزی های خرمشهر و آبادان با هلی کوپتر نظامی به دزفول منتقل کردند و در راه دزفول بعنوان شکنجه روانی ماموران کمیته نمایش می دادند که می خواهند آنها را از هوا به زمین بیندازند. دستگیر شدگان عرب را در دزفول در زندان کمیته در سلولهای عمومی و بی انفرادی نگهداری می کردند. تعداد اولیه آنان بین ۱۱۰-۱۲۰ نفر بوده است.)

در ملاقات که همسر او بین ۳/۱۴-۳/۲۲ (زمان انتقالش به همراه حیاتی و خاتمی به تهران) با او داشته است و هر یک بیش از ۵ دقیقه و آنهم در حضور پاسداران طول نکشیده، متوجه شده که او را در سلول انفرادی بسیار کوچکی (۱/۵ x ۲ متر) محبوس کرده اند که در تمام طول روز آفتاب گرم خوزستان در آن می تابد و از همه وسائل محروم است و فقط برای آب و غذای غیر مغذی بردن ماموران و پاسداران به همسرا اجازه تحویل هیچگونه وسیله لازم را به وی نمی دهند.

شیرعیل نماینده اداره مهندسی نفت و عضو کمیته چهارده نفری مخفی سازماندهان اعتصاب و عضو شورای مرکزی انقلابی صنعت نفت اهواز پس از اعتصاب بسته و در دوره دانشجویی خود در دانشکده نفت آبادان، یکسال زندانی سیاسی رژیم پهلوی بوده و دوره افسری و وظیفه خود را بصورت سرباز صفر تبعیدی در کرمان گذرانده است. اتهامی که دادستان جدید انقلاب اهواز ( ابوالقاسم ستاریان ) بر علیه او ( ولسی فقط بطور شفاهی ) اعلام کرده است: " تحریک اعراب و تجزیه طلبی بوده است. ولی در حقیقت این دستگیری در ارتباط با تحریکاتی بود که عوامل ارتجاع به عنوان جزئی از دسیسه های خود برای دامن زدن به اختلافات از چند روز قبل از خونریزی های خرمشهر و آبادان آغاز کرده بودند. تازو انتقال به تهران هیچگونه بازجویی از او بعمل نیامد. او که عضو فعال کانون فرهنگی خلق عرب بود به همین دلیل پس از دستگیری او در تحصن و اجتماعات این کانون به هواداری او سخنرانی و اعلامیه پخش شد و شعارهایی نیز داده شد.

۲- روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۰ کریم شعبی زاده، کارگر تعمیرات منطقه مارون در کوپال و عضو شورای کارگاهی کارخانه تولید نفت کوپال و نماینده کارگران مارون در اعتصاب صنعت نفت پس از خروج از کانون فرهنگی خلق عرب - اهواز (که همان روز توسط پاسداران اشغال و تخلیه شد و به ستاد پاسداران بعد ل گشت) توسط عناصر ارتجاع و ماموران کمیته تعقیب می شود و در منطقه کمپلو او را محاصره می کنند و با فحاشی و تهمت زدن به وضع توهین آمیزی او را دستگیر و به کمیته اهواز می برند. در آنجا او را کتک مفصلی می زنند و پس از چند ساعت او را به زندان شهربانی اهواز تحویل می دهند. وی از همان ساعت به عنوان اعتراضی دست به اعتصاب غذایی می زند، ولی چون به کسی اجازه ملاقات با او را نمی دادند و نتیجه کسی از اعتصاب غذایی او (جز عوامل رژیم سابق که هم بند او بوده اند) خبری نداشتند است، پس از پنج روز اعتصاب غذایی خود را می شکند. تاکنون (۳/۲۴) در زندان شهربانی اهواز در بازداشت است و هیچگونه بازجویی از او بعمل نیامده و فقط شایعاتی در مورد تجزیه طلبی او توسط عوامل ارتجاع در میان کارکنان صنعت نفت پراکنده شده است.

۳- سحرگاه جمعه ۵۸/۳/۱۱ در ساعت ۱ بعد از نیمه شب ناصر حیاتی مهندس بهره برداری نفت و سرپرست سه کارخانه بزرگ تولید نفت در منطقه مارون در خانه خود در کوی کورش اهواز به وسیله سده تن از ماموران مسلح کمیته که با تهدید همسر ایشان وارد خانه شده بودند با اجازه بازداشت از سوی دادستان جدید دستگیر می شود.

ناصر حیاتی یکی از سازماندهان اصلی اعتصاب صنعت نفت، نماینده مارون در شورای هماهنگی اعتصاب، عضو کمیته مخفی چهارده نفری سازماندهان اعتصاب، سرپرست کمیته عملیات بهره برداری برای تولید نفت خام مصرفی داخلی قبل از قیام، و نماینده مارون در شورای مرکزی انقلاب صنعت نفت اهواز پس از قیام بوده و در دوره دانشجویی خود در امریکادر سالهای ۵۵-۱۳۵۰ عضو فعال کنگد راسیون و ممنوع ورود به ایران بوده و به هنگام ورود به ایران با وجودیکه قبلاً به استخدام صنعت نفت آمده بود در مرز دستگیر شده بود (سال ۵۵).  
۴- در ساعت دو بعد از نیمه شب جمعه ۵۸/۳/۱۱ ماموران کمیته مسلحانه و با قرا بازداشت به خانه محمد جواد خاتمی ( مهندس نفت در بهره برداری مارون ) در کوی کورش اهواز می روند و چون در خانه نبود، ساعت ۱۲ دوباره مراجعه کرده و او را دستگیر ( مثل ناصر حیاتی ) به زندان شهربانی اهواز منتقل می کنند. خاتمی در طول دوره دانشجویی خود در دانشکده نفت آبادان دوبار و جمعاً بمدت یکسال و چند ماه زندانی سیاسی رژیم پهلوی بوده و دوره افسری خود را بصورت

سرباز صفر تبعیدی در کرمان گذرانده است. در اعتصاب صنعت نفت از سازماندهان و پایه گذاران اصلی اعتصاب، عضو کمیته مخفی چهارده نفری گردانندگان اعتصاب، نماینده بهره برداری مارون در شورای هماهنگی اعتصاب و عضو اصلی کمیته عملیات بهره برداری برای تولید نفت خام مصرفی داخل ( قبل از قیام ) بوده است.

خاتمی و حیاتی از صبح روز یکشنبه ۵۸/۳/۱۳ دست به اعتصاب غذای ترمی زدند و با نوشتن نامه ای به دادستان اهواز خواستار محاکمه علنی خود با حضور نمایندگان کانون و مطبوعات می شوند. و متین دفتری را بعنوان وکیل خود انتخاب می کنند و قید می کنند که خواستار آزادی خود بدو و محاکمه نیستند. از روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۷ به بهانه اینکه ممکن است در زندان شهربانی زندانیان را تحریک کنند آنها را به بازداشتگاه ستاد عملیات امام اهواز ( واقع در باشگاه پرورش در کمپلو ) منتقل می کنند. روز پنجشنبه ۳/۱۷ حال خاتمی وخیم می شود که به بیمارستان منتقل می شود ولسی پس از چند ساعت دوباره او را به بازداشتگاه برمی گردانند.

اعتصاب غذای آنها تازو در دوشنبه ۵۸/۳/۲۱ ( یعنی هنگامیکه حسن زبیه تلگرافی از آنان خواست که اعتصاب غذای خود را بشکنند و او دنبال کار آنها را خواهد گرفت ) ادامه یافت. در نامه ای که خاتمی و حیاتی در ۵۸/۳/۲۱ از زندان به نخست وزیر نوشته اند و مخفیانه از زندان خارج شد، ایشان پس از شرح جزئیات و اشاره به سوابق و اعتصاب غذای خود خواستار محاکمه علنی خود ( به همان صورت پیش گفته ) شدند. تاکنون فقط یکبار در ۳/۱۹ بازجویی ای مقدماتی پس داده اند و چون بازجویی علیه آنان در پیرونده بیدانمی کند به آنان می گوید که تا یکی دو روز آزاد خواهند شد ولی در تاریخ ۵۸/۳/۲۱ تلگرافی از هادوی ( دادستان کل ) می رسد که خواسته بود آن دوره به اتفاق شیرعیل به تهران اعزام دارند و بالاخره در ساعت ۹ بعد از ظهر روز ۵۸/۳/۲۲ به تهران منتقل شدند، و اکنون هر سه در زندان قصر بازداشت می باشند.

۵- در ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۵۸/۳/۱۱ سه نفر مسلح به درخانه حسن آقایی سرپرست موقت اداره اقتصادسنجی صنعت نفت جنوب واقع در مانیه مراجعه می نمایند و چون او در خانه نبوده خانه را در محاصره می گیرند و پس از ساعتی مشکوک شده و به همراه ۲ نفر مامور کمکی مسلح به زور وارد خانه می شوند و پس از جستجو ناامیدی شوند ولی با تهدید به همسر او خانه را همچنان در محاصره نگه میدارند. ماموران تا غروب آن روز خانه را در محاصره نگه میدارند و پس از نوبدی با تهدید اطراف خانه را ترک کرده و ماموران مخفی غیر مسلح خود را در اطراف خانه نگه میدارند.

آقایی پس از اطلاع از هجوم مامورین به منزلش برای اینکه علت پیگرد را جویا شود با دادستان تماس برقرار می کند و پس از اعتراض به حمله به خانه خود، خود را آماده بازجویی و دستگیر شدن اعلام می کند. دادستان که به وضوح از حرکات او و اعتراض در صنعت نفت جاخورده بود حمله به خانه را انکار می کند و می گوید که سو تفاهم نده است. ولی از آن پس خانه و دفتر کار و محل های رفت و آمد آقایی تحت نظر است و آشکارا تهدید تلفنی می شود. آقایی از پایه گذاران سازماندهان اصلی اعتصاب صنعت نفت، عضو کمیته مخفی ۱۴ نفره سازماندهان اعتصاب، نماینده اداره برنامه ریزی اقتصادی در شورای هماهنگی اعتصاب و سخنگوی اعتصاب در تمام طول آن و پس از قیام نماینده اداره خود در شورای مرکزی صنعت نفت و سرپرست کمیته های رفاهی کارکنان و تعاونی و مسکن کارگران صنعت نفت جنوب بوده است.

## ب- فعالیت های خانوادگی

### کارکنان صنعت نفت و نیروهای انقلابی برای محاکمه علنی و آزادی زندانیان

۱- پس از دستگیری شیرعیل کارکنان صنعت نفت اهواز با نوشتن نامه ای به زبیه ( بارونوشت به بازرگان، دفتر امام، طالقانی، جمعیت حقوقدانان، کانون وکلا ) فعالیت خود را برای محاکمه و آزادی او شروع کردند. این نامه در روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹ تا ۵۳ امضا از کارکنان صنعت نفت اهواز بصورت تلگرافی مخابره شد. همسر و همکاران او ( زیر پوشش شورای مرکزی صنعت نفت ) برای آگاهی از چگونگی قضایا بطور مرتب به کمیته دادستانی و استانداری مراجعه می کنند که همه بی نتیجه بود است. همسر او در ۵۸/۳/۶ تلگرافی مبنی بر اعتراض به بازداشت مطیل و اعلام جرم علیه ماموران کمیته به بازرگان مخابره می کند که تاکنون بی جواب مانده است. پس از انتقال او به دزفول همسر او فقط ۲ بار اجازه ملاقات با او را از دادستان اهوازی می تواند بگیرد و آنهم به مدت ۵ دقیقه بدون تماس مستقیم و حق مکالمه در حضور پاسداران. کمیته اهواز مصرأ از موضوع اظهار بی اطلاعی می کند و فقط مسئولیت دستگیری و بازداشت او را به گردن می گیرند، ملاقات با استانداری خاطر تشنج اوضاع خوزستان غیر ممکن بود و معاون سیاسی استاندار پاسخهای سربلایمی داد و شماسی معاون فنی استاندار که خود از کارمندان ارشد صنعت نفت و شخصی مرتجع و فرصت طلب است به احتمال قریب به یقین خود در این دستگیری هانفتن اساسی و فراماندهی داشته است، دادستان جدید هم فقط می گوید که معیل را به جرم تحریک اعراب ( البته بدون ارائه دلیل و مدرک ) دستگیر کرده است و هرکس را که لازم بداند دستگیری می کند و اگر هم لازم باشد حتی " در شرکت نفت راهم تخته " می کند.

۲- در مورد کریم شعبی زاده پس از چند روز از سوی خلق عرب اهواز اعلامیه ای مبنی بر تقاضای آزادی او و افشاکاری در مورد سوابق مبارزاتی او و جزئیات خوزستان پخش شد. در روز تحسن ( ۵۸/۳/۲۳ ) اعلامیه ای از سوی متحصنین در رابطه با دستگیری او و درخواست از دولت موقت برای اعلام موضع خود در قبال اینگونه تعدیات وریدی هر چه سریعتر به وضع او و اعلام موارد اتهام و محاکمه علنی او با حضور نمایندگان کانون وکلا و مطبوعات صادر و پخش شد.  
۳- اقدامات کلی به ویژه در ارتباط با حیاتی و خاتمی:

۱- نامه سرگشاده ای از سوی همسران حیاتی، خاتمی و معیل در تاریخ ۵۸/۳/۱۴ به دادستان اهواز نوشته شده که در آن پس از اشاره به سوابق مبارزاتی این ۳ نفر نسبت به دستگیری و بازداشت آنان بدون مدرک و با جزوئی اعتراض شده.

۲- یک شماره فوق العاده " نشریه نفت جنوب " در ۴ صفحه روز ۵۸/۳/۱۹ منتشر شد که در آن پس از افشاکاری در مورد شرایط حاکم بر صنعت نفت و خوزستان و سوابق مبارزاتی دستگیر شدگان نسبت به دستگیری شان اعتراض شده بود.

۳- اعلامیه ای در ۲/۵ صفحه از سوی تعدادی از کارکنان نفت اهواز در افشاکاری و اعتراض به دستگیری ۳ نفر ( معیل - حیاتی - خاتمی ) در تاریخ ۵۸/۳/۱۹ منتشر شد.

۴- با مراجعه همسران به کمیته تحقیقی جمعیت حقوقدانان، جنبه دمکراتیک، کانون وکلا و احزاب و سازمانهای دیگر برای رسیدگی به وضع خوزستان و ملاقات با اعضا آن در اهواز، این گروه رسول مهاجری ( حقوقدان ) را برای بررسی علل دستگیری مامور کرد. جلسه مهاجری و دادستان در حضور نمایندگان عضو شورای مرکزی صنعت نفت اهواز بی نتیجه بود و فقط معلوم شد که هیچ مدرکی در پیرونده آنان وجود ندارد ولی دادستان تحت این عنوان که مدارک بعداً بر علیه آنان پیدا خواهد شد ( عین مدارک مورد ادعای میرانتظام در ارتباط با ۴۲ نفر رفقای کادر و هوادار دستگیر شده در آبادان ) از محاکمه آزادی آنان طفره می رفت و ماموریت مهاجری بدون نتیجه پایان یافت.

۵- روز جمعه ۵۸/۳/۱۸ متین دفتری و صحرائیان از کانون وکلا برای رسیدگی به وضع زندانیان وارد اهواز شدند که چون مقامات مسئول ملاقات با آنان طفره رفتند بدون نتیجه به تهران مراجعت کردند و قرار شد اقدامات بعدی در تهران صورت گیرد.

۶- در تاریخ ۵۸/۳/۱۹ نامه سرگشاده ای از سوی همسران حیاتی، خاتمی و معیل به آیت اله شریعتمداری ( بنا رو نوشت به دفتر امام، بازرگان، طالقانی، کانون وکلا، جمعیت حقوقدانان، کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، حسن زبیه جنبه دمکراتیک ملی و روزنامه های کثیر الانشار ) نوشته شد شریعتمداری نامه را با پیوستی مبنی بر درخواست محاکمه سریع با آزادی آنان برای هادوی ( دادستان کل ) فرستاد ولی دستور هادوی به دادستان اهواز مبتنی بر محاکمه یا آزادی هر چه سریعتر زندانیان تنها پس از انتقال آنان به تهران به دست دادستان اهواز رسید ( احتمالاً نامه بعد از ظهر روز ۵۸/۳/۲۳ - رسیده است ) .

## ج- گزارش تحسن همسران زندانیان و

### کارکنان صنعت نفت اهواز

روز دوشنبه ۵۸/۳/۲۱ اعلامیه ای از سوی همکاران متعهد " در صنعت نفت اهواز در دعوت به تحسن پس از یک مهلت ۴۸ ساعته برای محاکمه علنی دستگیر شدگان در اهواز پخش شد. در این اعلامیه پس از ذکر سوابق مبارزاتی زندانیان و اعتراض به دستگیری آنان قید شده بود که " تحسن بطور محدود و برای یک روز و به عنوان اخطار خواهد بود و از کارکنانی که وجودشان بطور مستقیم در تولید نفت موثر است ( برای جلوگیری از هرگونه سو استفاده ارتجاع در متهم کردن متحصنین به خیانت و کاهش عمده تولید و فرصت طلبی ) خواسته شده بود که در تحسن شرکت نکنند و اینکه " آنان آزادی همکاران خود را از هیچکس گدایی نمی کنند "

روز سه شنبه ۵۸/۳/۲۲ از ساعت ۷ صبح تحسن همسران حیاتی - خاتمی و معیل در دفتر رفوئی سرپرست کل مناطق نفت خیز جنوب در اداره مرکزی شرکت نفت در اهواز آغاز شد. قبل از آن و از روی برنامه اعلامیه تحسن توسط رفقا تهیه شده بود که در سطح وسیعی پخش شد. خواسته های تحسن کنندگان همچنانکه در اعلامیه آمده است محاکمه علنی زندانیان با حضور نمایندگان کانون وکلا و مطبوعات و همکارانشان در صنعت نفت بود. تحسن نامحدود اعلام شده بود. بتدریج تعدادی از زندان صنعت نفت و همسران بعضی از کارکنان به محکمین پیوستند و تعداد آنان به ۶۰ نفر رسید. مکرر به جرایم راکه به وسیله رفقا از موضوع مطلع شده بودند بدستور رفوئی به اداره مرکزی راه ندادند. تهدید تلفنی عوامل ارتجاع در صنعت نفت و خارج از آن مبنی بر حمله به متحصنین و کشتن آنان را ادامه تحسن بی تاثیر بود. پس از ساعت ۳ بعد از ظهر برنامه خواهش همسران زندانیان تعدادی از زنان با خطر محدودیت های خانوادگی تحسن را ترک کردند ولی تعداد ۲۰ نفر شب را در تحسن گذراندند.

ساعت ۷ صبح روز ۴ شنبه ۵۸/۳/۲۳ بر اساس اعلامیه قبلی، تحسن کارکنان صنعت نفت اهواز در راهروی هیئت رئیسه ( که منتهی به دفتر رفوئی می شود ) آغاز شد و با وجودیکه کارکنان موثر در تولید نفت خواسته شده بود که از شرکت در تحسن خودداری کنند تعداد متحصنین مرتب افزایش می یافت و به ۵۰ نفر رسید ( بیش از حد انتظار ) نخست اعلامیه و مقررات تحسن خوانده شد که در آن تاکید بر نظم تحسن، جلو گیری از درگیری با ارتجاع در صورت حمله به متحصنین و خواهش از همکاران موثر در تولید برای عدم شرکت در تحسن قید شده بود. شعار اصلی تحسن این بود " ما خواهان محاکمه فوری و علنی همکاران مبارز زندانی خود هستیم. سپس اعلامیه متحصنین در اعتراض به دستگیری کریم شعبی زاده و تقاضای محاکمه علنی و فوری او خوانده شد ( این اعلامیه به ویژه از آن جهت بطور جداگانه و مخصوص تهیه شده بود تا تاثیر سو کم کاری در ارتباط با دستگیری او و افشاکاری را بخصوص از ذهن کارگران پاک نماید ) . در طول تحسن اعلامیه های پشتیبانی دانشجویان پیشگام اهواز، دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - اهواز، گروهی از هنرجویان هنرستان صنعتی اهواز گروهی از کارآموزان صنعت نفت اهواز، گروهی از کارکنان کارخانجات لوله سازی و گروهی از کارکنان پخش ( مواد نفتی ) در اهواز خوانده شد و از آبادان خبر رسید که گروهی از کارکنان صنعت نفت آمادگی خود را برای پیوستن به تحسن در صورت بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

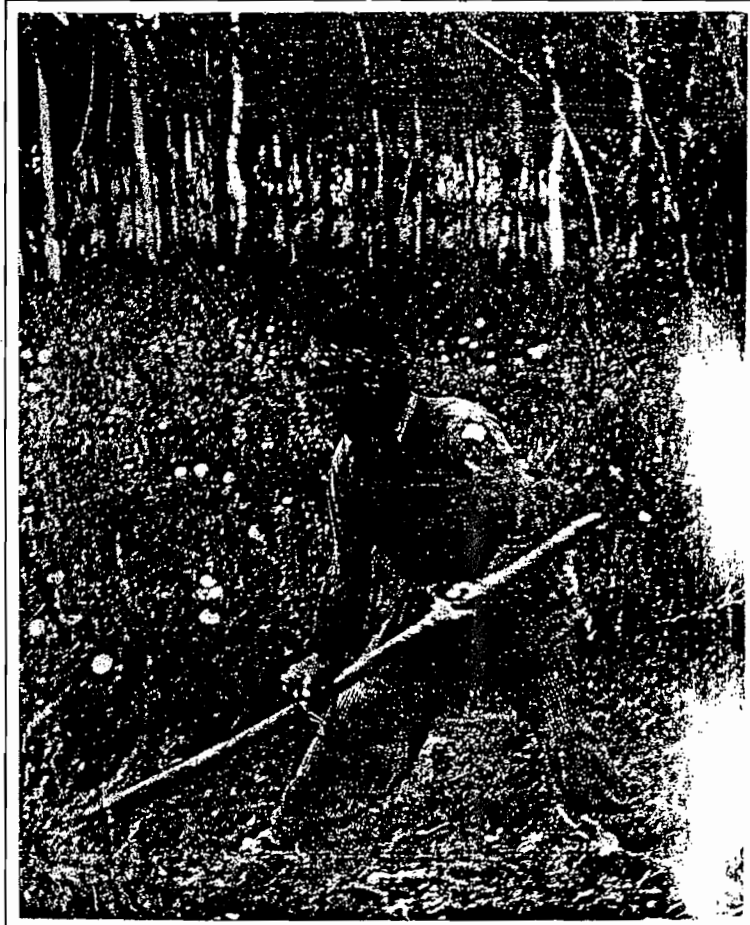
روستائیان شهرستان فومن :

ما را بکشید و راحتان کنید

بیش از صد نفر از کشاورزان روستاهای احمد سرگوراب و بداب از توابع شهرستان فومن استانداری رشت اجتماع می کنند. آنان بدبایال نامه‌هایی که برای نخست وزیر می فرستند و پاسخی دریافت نمی کنند، برای گرفتن خواستهای خود دست به این کاری زنند. خواستهای عمده روستائیان که در فصل کشت و زرع برایشان حیاتی است به شرح زیر است:

- ۱- وام دراز مدت بدون بهره
- ۲- لغو کلیه قروض، بازخرید زمین و آب بها.
- ۳- لغو کلیه قروض به بانکهای کشاورزی و بانک تعاونی و موسسات دیگر.
- آنان ۵ نفر نماینده بین خود تعیین و به اطاق استانداری می فرستند. استاندار گفت:

مدیر کل گفت: چه طلسمی؟ نماینده: پول باز خرید زمین که در سالهای گذشته از ما گرفته اند. سودهای ۱۲٪ که از ما گرفته اند و ۲٪ عمرانی که بجای آن هیچ کاری نکردند. هر بار ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان به رئیس پاسگاه می دادیم تا اموال ما را ضبط نکنند. پس اینها چه می شود؟ مدیر کل گفت: این بولها بابت چه بود؟



۱۴۵ میلیون تومان برای گیلان وام آمده که ۲ میلیون تومان آن به شرکت تعاونی احمد سرگوراب ( شامل ۱۱ ده ) اختصاص دارد. یکی از نمایندگان گفت: ۲ میلیون تومان برای احمد سرگوراب بظاهر رقم گنده ای است ولی بایک حساب سرانگشتی به هر خانوار ۹۲۵ تومان بیشتر نمی رسد که اگر سود ۶٪ همراه با دیگر بدهیهای قبلی را از آن کم کنید چیزی برای مانعی ماند. علاوه شمامی گوئید که این رقم را با قرضهای قبلی بد شما سند بدهیم، ماهیچوقت نمی توانیم سند بدهیم و این برای ما قابل قبول نیست.

یکی دیگر از کشاورزان گفت: ۱۰ هزار تومان برای ما کم است تا چه رسد به ۹۲۵ تومان. چون هر کارگر کشاورزی ۵ هزار تومان غیر از غذا و پوشاک مزد می خواهد. استاندار پاسخ داد:

فلا جوابی ندارم. بروید و فردا نمایندگان شما بیایند تا تصمیمی بگیریم. موقع رفتن استاندار از استانداری کشاورزان دیگر جلوی رومی گیرند. به حدی که نزدیک بود کشاورزی زیر ماشین برود و بم گویند. گذارید نم. گویند که نمایندگان کمیته امام کلنگدن رومی کشند و بسوی کشاورزان نشانه می گیرند. یکی از کشاورزان سینه اش را مقابل لوله تفنگ قرار می دهد و داد می کشد: بکشید ما را راحت کنید. یکی دیگر از کشاورزان می گوید: از استاندار انقلابی تبعید است که اینطور رفتار کند، ما که ضد انقلابی نیستیم و شما عوض گوش دادن به حرفهای ما بطرفمان نشانه می روید. استاندار گفت:

چه کسی به طرف شما نشانه رفته است؟ یکی از کشاورزان گفت: چه کسی به تفنگداران گفت بیایند اینجا؟ شما تفنگ ریدیدیا معاون شما ویا راننده تان؟ دیگری گفت:

از استاندار انتصابی انتظاری نداریم. ما که شمارا انتخاب نکردیم تا دردم ما را بداند. استاندار قول داد که فردا با نخست وزیر وزیر کشاورزی تماس بگیرد. در این میان یک کشاورز گفت:

دیشب تلویزیون می گفت پنج میلیارد تومان به سرمایه دارها کمک کردند تا وضعیتشان خوب بشود ولی به ما وام نمی دهند. یکی دیگر گفت: همه اینجایی نشینیم. پول می خواهیم. میدانید چرا اینجا آمده ایم شک ماگر سخته است. گر سخته. حاضریم بمیریم. چرا سلحه راه ما نشان می دهید؟ ما اینجا از یاد دیده ایم. فردای آن روز نمایندگان کشاورزان به استانداری می روند. مدیر کل تعاونی فومنات هم هست. استاندار می گوید: پول به کسی داده می شود که قرض را پرداخت کرده باشد. نماینده کشاورزان می گوید: اگر پول داشته باشیم که قرض را بدهیم خوب با آن پول زندگی خود را می چرخانیم. دیگر اینجایی آمدیم. دیگری گفت: شما قرض هارای خواهید؟ پس طلب ما را چه کسی باید بپردازد؟

آیا خلق بلوچ همکاری دولت با مرتجعین محلی را

تأید میکند؟

دانشجویان پیشگام دانشکده بلوچستان حمایت دولت از نیروهای مرتجع و ضد انقلاب را عملی غیر مردمی دانسته و تاکید دارند که دولت به هیچ یک از وعده های خود عمل ننموده است. ما بخاطر آشنائی بیشتر خوانندگان با وضعیت بلوچستان متن کامل اطلاعیه دانشجویان پیشگام را به چاپ می رسانیم.

در هفته های اخیر مسائل و جریاناتی در بلوچستان به وقوع پیوسته که هر فرد مسئول و انقلابی را عمیقاً نگران می کند. از چند دهه پیش که انقلاب خلق قهرمان ایران به اوج خود رسید و منجر به فرار شاه خائن و بسیاری از نوکرانش شد. عمال و نوکران دست نشانده رژیم در بلوچستان نیز قدرت خود را از دست داده و با توجه به جنایات بیشتری که انجام داده بودند، همه مردم دوران خوشرقصی و زورگویی این جانان را پایان یافته می دانستند و انتظار مجازات آنها را بوسیله دولت انقلابی داشتند. اما متأسفانه دولت اصلاحیه این مسئله توجهی نکرد و به این ترتیب راه را برای جنایات بعدی این ضد انقلابیون باز گذاشت. آنها هم که بی عملی دولت را دیدند شروع به مسلح نمودن اطرافیان خود و ایجاد یک گروه به نام "اتحاد بلوچ" با کمک بسیاری از سردارهای مرتجع دیگر نمودند. از اصلی ترین افراد این گروه حاج کریم بخش سعیدی، میرمولا داد، سردار زهری، بهمن خان بارکزهی، علم خان مبارکی و محمدخان میرسالاری را میتوان نام برد. این عده که همگی شان با هم نسبتهای نزدیک قومی و فامیلی دارند به حد کافی سابقه خیانت نسبت به مردم بلوچ را دارند. مثلاً حاج کریم بخش سعیدی ( این شخص و میرمولاداد جزو اصلی ترین مهره های این "اتحاد کثیف" می باشند) و کیل چاه سهارو بهمن خان و کیل سراوان و محمد خان و کیل ایرانشهر در مجلس فرمایشی شاه بودند و هر سه جزو کسانی بودند که تا آخرین لحظه با رژیم شاه و ساواک همکاری نزدیک داشتند. پس از قیام ۲۲ بهمن که منجر به پیروزی انقلاب شد، چند تن از این خوانین از جمله محمدخان و بهمن خان در ایرانشهر دست به آتش سوزی، آدم کشی و زدنی زدند و حتی زمره تجزیه طلبی و اغتشاش را راه انداختند.

این جریان ادامه داشت تا اینکه آقای خامنه ای برای بررسی وضع مردم و مشکلات مردم منطقه به اینجا آمد و همه جای بلوچستان هم رفت ولی برای شناختن دردهای مردم تنه به ملاقات با مولوی هوسردارها اکتفا نمود. یکی از شرمخیز ترین این ملاقاتها دیدار با حاج کریم بخش سعیدی در منزل او می باشد. از این ملاقات برپا رنایج زیادی بدست آمد از جمله اینکه قرار

دولت این روزها مسئله انجمن های ایالتی و ولایتی را مطرح کرده است و می گوید که از این طریق حاکمیت مردم بر سرنوشته خودشان عملی می گردد. و در نتیجه تعیین و اجحاف در مورد خلقهای غیر فارس از بین می رود. دولت همچنین مطرح نموده است که اقتصاد در بلوچستان را که بسیار ضعیف بوده است از بین خواهد برد. در رابطه با هر دوی این سیاستها ما می پرسیم چگونه؟ آیا از طریق حاج کریم بخش و اعمالشان قصد اجرای این اهداف را دارد؟ آیا دولت نمی داند که بسیاری از بودجه ای را که وارد این منطقه می شود همین دردهای بیشتر به نفع خودشان حیف و میل می کردند؟ ما معتقدیم که رفع ستم اقتصادی در بلوچستان مسئله بسیار مهمی است ( و عدم وجود کارخانه های تولیدی، کمبود آب و وسایل مدرن کشاورزی، بدی وضع بهداشت، نبودن بودن سطح آموزشی و فرهنگی، نبودن راههای ارتباطی کافی در منطقه و غیره ) اما انجام این کار در گرو آزاد گذاشتن خلق بلوچ برای انتخاب نمایندگان راستین مورد اعتمادش می باشد و بدین ترتیب اجرای این دولت فعلی برای خلق بلوچ هیچ فرقی با دولت قبلی ندارد. ما می دانیم تنها آگاهی و اتحاد مردم بلوچستان می تواند به تمام رنجها، ستمها و تبعیضها و زدنیهای انجام شده در این منطقه پایان دهد.

نتیجه صحبت ما با نهران این شد که به هر کشاورز برای هر هکتار ۲۵۰ تومان بپردازیم و قرضهای قبلی فصولاً همانطور باشد. بدون اینکه در سند بساویریم. سه تن از نمایندگان مخالف بودند و گفتند که است و یکی موافق بود. قرار شد نمایندگان به روستاها بروند و نتیجه را با روستائیان در میان بگذارند. آنان حداقل برای هر خانوار ۱۰ هزار تومان خواستارند.

مردمی که گرسنه اند، نان ندارند بخورند و وظیفه و مسئولیت نمی شناسند. زارعی که پول ندارد قرض را بپردازد، شمامی گوئید از کجا بساویرد به شما بدهد؟ تا احساس مسئولیت نکند؟

مسائلی که در گفتگوی کشاورزان محروم روستاهای احمد سرگوراب و بداب مطرح شد فقط گوشه ای از ستمهایی است که به میلیونها نفر از روستائیان بی چیز و ستم دیده میهنمان روا شده است. اکنون دیگر زمان بهره کشی های بی حد و حساب کشاورزان به وسیله زورگویان و زوال و صفتان زمیندار گذشته است. چرا که دیگر رژیم جنایتکار سابق از زمین رفته است و اجباراً تمامی آثار و عوارض ناشی از آن می بایست از بین برود. اما زبان گویای کشاورزان حکایت از آن می کند که با وجود نابودی رژیم پهلوی، بهره کشی های بی حساب که در رژیم گذشته برقرار بود، همچنان به قوت خود باقی است و دولت جدید هیچ اقدام موثری در زمینه خواسته های عاجل کشاورزان محروم و زحمتکش بعمل نیاورده است. کشاورزان در مراجعه به مقامات مسئول بازم شاهد دست به سرکردن خود می باشند. شاهد

نماینده: رادیو تلویزیون که شمامی گوئید وضعیت معلوم است. مدیر کل: بل. خودم گواهم. اسم شما چیست؟ نماینده اسمش را می گوید و اضافه می کند: من خواستم را از شمامی خواهم دانستن اسم من مشکلی راجل نمی کند. در پایان استاندار که با پافشاری کشاورزان برای دریافت وام بیشتر روبرو شده بود گفت:

یکی از نمایندگان گفت: بیائید طلبکارها و بدهکارها را حساب کنیم. سرآرمی ببینیم پیش از ۵۰ هزار تومان از شما طلبکاریم. مدیر کل: مردم باید مانند آقای بازرگان احساس مسئولیت بکنند. یکی از کشاورزان:

مردمی که گرسنه اند، نان ندارند بخورند و وظیفه و مسئولیت نمی شناسند. زارعی که پول ندارد قرض را بپردازد، شمامی گوئید از کجا بساویرد به شما بدهد؟ تا احساس مسئولیت نکند؟



زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند